

عندليب



فِي اَوْلِ الْقُولِ اَمْكَاتْ لِبَّا جَيْدَ اَحْسَنَا مُنْزِرًا

لِهَمَّاتْ لِمَكَّا دَامَهَا قَيْمَانَ اَزْلَاقَ يَمَّار

(كلمات لمزن)

طبع وخط انسداد سليمان بن عبد العزىز
١٤٢٧ هـ



تبریک عید اعظم رضوان پیاران حضرت حمان

شاه عیا دعید رضوان است

روز وصل جمال جهان است

عالی از بوی او گلستان است

بلل از شوق گل عنزه نخوان است

تا بش محس حق نهایان است

روشن عالم زنور زیردا ان است

زین بسب عذر لیب خدان است

تہنیت گو بخل پاران است



عبداللیب

نشریه مختصر جانی تی بهاین کانادا بین فارسی



شماره سی و چهارم «ش»
No. 34

سال نهم
Volume IX

سال ۱۴۷
بدیع

بهار ۱۳۶۹ شمسی

Spring 1990

'ANDALÍB

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

(حصہ چاپ محفوظ است)

فهرست مسند رجات

۳	اعلى
۵ - ۴	كه حضرت عبدالبهاء
	(مرحومتى معهد اعلى بواسطه دارالانشاء)
۱۵ - ۶	بيت العدل اعظم الهى
۲۶ - ۱۶	باره الواح مباركه وصایای حضرت عبدالبهاء
۳۰ - ۲۷	ز آقا میرزا ابوالفضل گلپایگانى
	للہ مع مرقومه معهد اعلى
۳۳ - ۳۱	ن شهادت . شهید مجید جناب حبیب الله تحقیقی
۳۳	اره دلدادگان جانباخته
۳۴	ب پارسی (خاموشی)
۳۵	در باره عید اعظم رضوان
۳۶ - ۳۵	بیت عید اعظم رضوان
۴۱ - ۳۷	ت امر الله
۴۱	باره ترجمه توقیعات مبارکه حضرت ولی
	الله (نظم جهانی بهائی)
۴۷ - ۴۲	نسمت پنجم)
۴۷	کشور شیلی
۵۰ - ۴۸	دشتگان (خاطره ای از محمد باقر خان دهقان
	از شوریده)
۵۴ - ۵۱	تبیغ
۵۹ - ۵۵	مینان
۶۱ - ۶۰	د
۶۳ - ۶۲	یغی ایطالیا
۶۵ - ۶۴	ان
۶۷ - ۶۶	ت عروج ارواح
۶۹ - ۶۸	تر داودی در مدینة الله شیراز
۷۸ - ۷۰	رات امریه و اخبار مصور
۸۰ - ۷۹	دستان

يا بهاء الابهی
ک عید اعظم رضوان (شعر از یکی از اعضاء هیئت تحریریه)
س احبابی بروجن اصفهان در شصت سال قبل
سی از اولین روز افتتاحیه مدرسه عصر جدید هندوستان

هوالاقدس العظيم

ای دوستمان ایام حمن است و نسیحت بست خود کوثر لقا عطا میفرماید
بسنیدندای دوست را وجود راز انوار یوم بهه و فیوضات مقدّره در آن منع
نماید و محروم نسازید بسی تمام و جد کامل در صد آن باشید که خدمتی از شما
در ایام ظهور ظاهر شود که سبب وعدت بتعامی ذکر در مکوت آئی گردد هر نفسی
اليوم نفسی را بدایت نماید و به بحر عظم کشاد او را هل فردوس در کتاب ثبت
میشود شخص انسانی را امانت بمنزله سرور استی بثابه بصراست والنفسی
از این دو محروم شد با هم حیوان نذکور خواهد شد اليوم باید شاربان حسین
وحی مردم را تربیت نمایند هاکل بطراف قبول فائزگردند و منظر کعبه نذکور
آید اینست ثمر حقیقی از ظهور سده نهانی .



هوا لاهی

حضراء جناب آفاسید محمد می نجا عدیہ بھا آر لہ الابی ملاحظہ نمایند

هوا لاهی

ای نستدمی بہادیت کبری شمشہد می چون از مطلع موہبہت کبری اشراف
نمود اشمع ساطعہ او در محلی حتموں مستفیضہ اشراف نمود این حقائق متعددی
ظہور تکلی با طوار مختلف گشت بعضی پرتوی لصیب برداز و برخی حرارتی احادث کردند
و بعضی مستباگشند و بعضی بشدت اقتیاس نمودند که چون بلور ہر جسم مقابل
بجتنمہ حال اگر خواہی کہ شدید لا اقتیاس سریع الاحراق باشی چون
بلور در آتش بلا وشدت و تاب کورہ بلا صبر و تحمل نہ چون گل سکونت
شو چون زر خالص رخ بر افروز و لبھا آ عدیک ع ع



هوالابی

مصر حباب آق‌علی اکبر فش رعیه بحب آن‌له‌الابی

هوالابی

ای بندۀ درگاهه جمال‌ابی آنچه بخوبی جز آیت الطاف قدم نیابی و آنچه بسوی جز نمیدان عبودیت اسم عظیم
روحی لاجایه العدا پنهانی این عبودیت صحیح مبین است و نور میر شهد دلگذین چشم رحمایان آن
منور است و کام رحمایان اشهد دلکش ملکوتیان را می‌عین است و لایه‌یان راعین تنیم در بندۀ
درمان است و مجروه‌ان ارم‌هم خشم تیر دستان نویان را فخر مید است و ماتم دیدگان امرست
شدید قسم حضرت احادیث که حدادت عبودیت آستان جمال‌ابی کام سکان ملا علی اشیرین
نموده پس می‌پنداش مذاق عصب بحال اشیرین دلکشین نمود دیگر هر لقی تیخ است ع ع
ای بدل باغ بگلشن سرای عتبه مقدسه پروازکن و ای حربا به مرقد منور چون آهتاب توجه
نمای ای شنیده زلال زیارت آستان مقدس به عین مطاف ملا علی بشتاب ماذونی مسطور
والبص اعلی کل محور من کاس المیشاق کل ثابت ایخ بعد نیر آلاقا فاق والویل لکل مسرزل و
الذل لکل من یتردوفی الامثال والبص اعیکت ع ع

پیام بیت العدل عطشم خطاب به بایان سراسر عالم

رضوان ۱۹۹۰

یاران محبوب

سالی پر از موفقیت‌های خطیر و مهم را به پایان رسانده‌ایم و در آستانه آخرین دهه این قرن مشعشع نورانی یعنی قرن بیستم قرار گرفته‌ایم. آینده‌ای در پیش داریم که متنضم وظائف و وقایعی عظیم و اعجاب‌انگیز و امکاناتی درخشان و خیره‌کننده است. هرچه به یکصدمین سال صعود جمال اقدس ابھی نزدیک تر میشویم ملاحظه میکنیم که سرعت وقوع حوادث در سال گذشته حاکی از تسريع جریان قوای دافعه قدسیه‌ای است که از ظهور امر حضرت بهاءالله منبعث گردیده است. امری که عالم بشری را دگرگون میسازد. چنین سرعتی که ناگهان پدیدار گشته و تأثیر و نفوذش سبب تغییرات وسیعی در افکار اجتماعی و نهادهای سیاسی شده آثار و نتائج فوریش مایه حصول شادمانی و دریافت معانی واقعی مقدرات غائی آن موجب سرگردانی شده است. بدیهی که نویسنده‌گان یکی از جراید بسیار مهم را چنان در تفسیر و تعبیر این وقایع ناتوان ساخته که به نفوذ و تأثیر «ید غیبی» در تحقق این وقایع اذعان نموده‌اند.

پیروان امر جمال قدم در سراسر عالم ادنی تردیدی ندارند که این وقایع خارق‌العاده از مصدر و منشائی آلهی صادر و به سوی مقصدی روشن و واضح در حرکت است. شایسته است که با ملاحظه علائم حیرت بخشن فضل وجود، سلطان وجود مسرور باشیم و شادمانی نعائیم توسعه نطاق امر تبلیغ وکثرت اقبال نفوس از رضوان گذشته تاکنون همچنان ادامه داشته واز اروپای شرقی گرفته تا دریای چین میادین جدیدی برای تبلیغ امر آلهی مفتوح گردیده است. در هفته‌های اخیر بالستقرار دو تن از «فارسان امر حضرت بهاءالله» در جزیره ساخالین (Sakhalin) آخرین سرزمین باقیمانده از بلادی که حضرت ولی امرالله در ضمن اهداف نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر تعیین فرموده بودند در ظل امر آلهی وارد گشت. تشکیل مجدد محفل روحانی محلی «عشق آباد» در رضوان گذشته واخیراً انتخاب محفل روحانی محلی در شهر «کلوز» (Jeluz) در رومانی یعنی تشکیل اوئین محفل روحانی در «بلوک شرقی» تأسیس مجدد و تشکیل محافل روحانی محلی جدید در سایر مناطق اتحاد جماهیر شوروی و سایر ممالک اروپای شرقی در این رضوان. جمیع این موفقیت‌ها و همچنین امکانات موجود مؤید آنست که به مرحله مهمی از عهد رابع عصر تکوین وارد شده‌ایم. حال نظم اداری بهائی جامعه‌ای بمراتب وسیع تر و متنوع‌تر از قبل را در بر گرفته است. این

پیشرفت‌های شگفت‌انگیز سبب شد که اخیراً نقشه دو ساله تبلیغی متممی را اعلان نمائیم که اکنون اجرای آن آغاز می‌کردد. به یاران عزیز توصیه می‌کنیم که به اهداف و مقاصد مندرج در نقشه مزبور توجه مخصوص مبذول دارند.

چه مقدار عظیم و وسیع است دائرة تصرفات و اقداماتی که جامعه اسم اعظم را در مدّت کوتاه یک سنه بدین مرحله از بسط و تقدّم سوق داده است. چون به اعجاز تأییدات لاریبیه جمال اقدس ابھی مینگریم و قلوب آکنده از حبّ و وله و امتنان ما متوجه حضرات ایادی امرالله در هر نقطه و دیار می‌گردد که همچون علمداران جامعه همواره اعلام تابان امر سبحانی را در ادوار ظلمانی برپا نگاهداشته‌اند و باروحیه‌ای شکست ناپذیر در جمیع شرائط واحوال و در هر نقطه و مکان بکمال استقامت به اجرای وظائفی که حقّ جلّ جلاله به آنان تفویض نموده قیام مینمایند و به تشویق و ترغیب و نصیحت و تزکیه و تهذیب اعضای دائم التزايد جامعه یاران که در سراسر عالم پراکنده‌اند می‌پردازند. با توجه به اوضاع واحوال جدید در عالم بهائی با کمال مسرّت مواردی چند از خدمات حضرات ایادی امرالله را که به وقایع و پیشرفت‌های حاصله در اروپا و آسیا مربوط می‌شود متذکر می‌گردیم. حضرت امه البهاء روحیه خانم طی مسافرتی طولانی به خاور دور در تشکیل محفل روحانی ملی ماکانو بنمایندگی بیت العدل اعظم شرکت جستند و مدتی به اتفاق «فارس امر حضرت بهامالله» در مونکولیا به نشر نفحات الهیه مألوف بودند و در نتیجه اوّلین مؤمن بومی از نسوان آن سرزمین به امر مبارک اقبال نمود. سپس هم زمان با نمایش فیلم حضرت امه البهاء بنام «سیاحت نور سبز» (The Green Light Expedition) در تلویزیون چین به بذل توجه خاص به احبابی ساکن در مناطق مختلف آن مملکت پرداختند. جناب کالیس فدرستون نیز هم خودرا وقف تقویت بنیه روحانی ستمدیده در کشور چنگزده و مصیبت‌دیده ویتنام نمودند. در این ایام جناب علی اکبر فروتن سرگرم بازدید از اتحاد جماهیر شوروی هستند. یعنی سرزمینی که در دوران بروز تضییقات واردہ بر جامعه بهائی در آن کشور مجبوراً آنرا ترک گفته بودند وحال پس از گذشت شصت سال وعده حضرت ولی امرالله . به ایشان بادیدار از آن سرزمین منصوراً مظفرًا تحقق یافته است.

حضرات مشاورین عضو دار التبلیغ بین المللی نیز فرصت حاصله را جهت تأمین شرائط لازم برای تقدّم و پیشرفتی که حال در جمیع اقطار کره ارض مشهود گشته معمتم شمردند و نظر و توجه هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و معاونین و مساعدین توانا وفعال و منقطع ایشان را به نظرگاهی متّحد برای ترقی و نمواً جامعه جلب نمودند. در اثر چنین وحدت نظری حال نصیح ونشاطی جدید در توسعه و تحکیم بنیان امر حضرت یزدان در سراسر جهان بوجود آمده که تحولی مشهود است. هیئت‌های مشاورین قاره‌ای که دوره کنونی پنجساله انتصابشان رو به انتهای است. دوره‌ای که به

خدمات باهره مشخص ومتاز است شایسته تقدیر وفیر قاطبه یاران در سراسر جهانند.

همچنانکه جامعه بهائی تأسیسات خودرا در داخل توسعه داده جذابیت نفوذ وروابط خارجی اش نیز به طرق مختلف افزایش یافته است. برخی از موارد این تحولات از لحاظ وسعت وامکانات بسی شکفتانگیز است. در این مقام کافی است به ذکر چند نمونه از این موارد پردازیم؛ جامعه بین المللی بهائی از طریق دفتر جدید التأسیس «محیط زیست» به ابتکار خود ونیز با همکاری باسایر سازمانهای مربوط به محیط زیست اجتماع سالانه «بایان جنگلداری جهانی» را مجدداً برقرار ساخت. این تأسیس را جناب ریچارد سنت بارب بیکر (Richard St. Barbe Baker) که شهرت جهانی دارد به سال ۱۹۴۵ بنیان نهاده بود. پس از این اقدام از «دفتر محیط زیست» وابسته به جامعه بین المللی بهائی دعوت شده است که در اقدامات واجتماعاتی که سازمانهای بین المللی در زمینه مسائل مربوط به محیط زیست برپا می‌سازند مشارکت جوید. جامعه بین المللی بهائی با «هیئت بین المللی سوادآموزی» که تحت اشراف سازمان بین المللی یونسکو تشکیل شده همکاری داشته ورسماً دعویت گردید تا در «کنفرانس جهانی تعلیم و تربیت برای همه» که در تایلند منعقد گشت شرکت جوید. در این کنفرانس از نماینده جامعه بین المللی بهائی دعوت شد که بطور علنی وظائف بسیار مهمی را عهده‌دار شود که بالنتیجه موجب کسب امتیازاتی برای جامعه بهائی گردید. در اثر تشویق و تحریض یکی از مقامات عالیرتبه دولت فیجی اقداماتی برای شعبه «دفتر جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل متحده» برای منطقه پاسیفیک در سوا (Suva) پایتخت فیجی معمول گردیده است. دانشگاه مریلند در ایالات متحده آمریکا تصمیم خودرا جهت تأسیس «کرسی مطالعات بهائی برای صلح جهانی» در «مرکز عمران بین المللی ورفع تعارضات جهانی» وابسته به دانشگاه مزبور اعلام کرده است. این اقدام موجب افزایش قابل ملاحظه مطالعات دانشگاهی در باره امر حضرت بهاءالله خواهد شد. تقریباً در همان اوان محفل روحانی ملی هندوستان نیز اعلان نمود که با تأسیس کرسی استادی مطالعات بهائی در دانشگاه ایندور (Indore) موافقت شده است.

اقدامات مستمر به منظور استخلاص بهائیان ایران وارد مرحله جدیدی گردیده است. برای اولین مرتبه نماینده سازمان ملل متحده موفق شد رسماً ودر خاک ایران بانماینده جامعه محروم حقوق بهائی ملاقات کند. نتایج این مذاکرات در گزارشی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحده تسلیم شد. کمیسیون مزبور در اجلاسیه اخیر خود در ژنو قراری در باره ایران صادر نمود که در آن بار دیگر وضع بهائیان ایران مذکور شده بود. در خلال این احوال اقدام دیگری که حائز اهمیت شایان است صورت گرفت: مجلس نمایندگان ایالات متحده امریکا

به اتفاق آراء قطعنامه‌ای جهت مطالبه آزادی واستخلاص جامعه بهائیان ایران به تصویب رساند که بموجب آن بدولت آمریکا توصیه می‌شود سلسله اقداماتی را برای حصول این منظور بموقع اجراء گذارد. طرح مشابهی نیز در مجلس سنای آمریکا مطرح است.

در ارض اقدس، تمهید مقدمات برای اجرای طرح‌های ساختمانی ابنيه کوه کرمل نشنه‌ای تازه یافت. موجب نهایت مسرت و خشنودی است که در لیله نوروز «کمیسیون شهر سازی ناحیه‌ای» پس از مذاکرات بسیار دقیق و حساس نقشه‌ای را که مرکز جهانی بهائی ارائه داده بود به تصویب رسانید. این اقدام راه را برای صدور نهایی اجازه‌های ساختمانی هموار می‌سازد.

یاران محبوب. به انتهای نقشه شش ساله و آغاز «سال مقدس» در رمضان ۱۹۹۲ دو سال بیشتر باقی نمانده است. چه نیکوست که در حوادث حیرت انگیزی که مارا به سوی یکصدمین سال غروب شمس جمال ابهی از صفحه غبرا سوق میدهد تدبیر کنیم و باکمال توقیر و تکریم در باره مقصود از ظهور ابهی ثمره وجود و نفَس مشکبار جمال موعود در عرصه شهود به تأمل و تفکر پردازیم.

بمنظور استقبال و تکریم چنین موقع بلندپایه‌ای در تاریخ امر بهائی نقشه‌های جهت دو اقدام جهانی مهم طرح و بموضع اجراء گذشته شده است: یکی ترتیب دادن اجتماع بزرگی از یاران به نمایندگی از احبابی نقاط مختلف عالم در احتفالی شایسته چنان مراسم تخلید و تذکر در جوار بقیه مبارکه مقدسه علیاست. در این مراسم تجلیل و تکریم که نشانه‌ای از تأثیرات منیعه نافذه حاصل از عروج روح مقدس جمال اقدس ابهی به ملکوت اعلی است. از جمله خزانه محتوی لوحه ذهبي افتخار که در آن اسامی فارسان امر حضرت بهاءالله مندرج گشته در آستانه مدخل روضه مبارکه استقرار خواهد یافت. این لوحه افتخار را حضرت ولی عزیز امرالله در دوران نقشه دهساله برای ثبت نام نفوس دلاوری اختصاص دادند که بنام مالک قدر به فتح ممالک و دیار غیر مفتوحه مذکور در نقشه مزبور قیام نمودند. بدین ترتیب بعد از گذشت نزدیک به چهل سال نیت مبارک مولای حنون و توانا بنحوی شایسته تحقق می‌یابد. از فارسان امر حضرت بهاءالله آنانکه در حال حاضر در قید حیاتند بدین اجتماع عظیم دعوت خواهند شد تا شاهد چنین واقعه تاریخی باشند.

واقعه دیگر، تشکیل کنگره جهانی بهائی بمنظور تجلیل و تکریم قرن آغاز عهد و پیمان حضرت رحمن است که جمال قدم جل ذکرِ الأعظم برای عالمیان و آیندگان به میراث گذاشته‌اند تا وحدت و جامعیت نظم جهان آرایش در کفه صون و حمایتش محفوظ ماند.

این کنگره تاریخی در نوامبر ۱۹۹۲ در شهر نیویورک منعقد میگردد. یعنی در نقطه‌ای از کره ارض که مرکز منصوص عهد و میثاق آله‌ی آنرا «مدينه میثاق» نامیده و در باره آن آن چنین فرموده‌اند که «نیویورک مبروك گردد و آوازه ثبوت بر عهد و میثاق از آن شهر به آفاق رسد».

ساير اقدامات مربوط به اين مراسم تجليل و تكرييم که در سطوح محلی و ملی انجام خواهد گرفت به دو واقعه عده فوق الذکر منضم شده آتش عواطف روحانيه احبابا را شعله ور خواهد ساخت و انتظار عموم را متوجه تأثير عميق ظهور رب الميثاق نموده و مقاصد و انتصارات امر اعظمش را در قطب آفاق نمایان خواهد نمود. برای اين منظور اقداماتی در شرف اجرا است که موجب فعالیت وسیعی برای اشتهرار وتلاذن نام مبارک حضرت بهاءالله در سراسر کره ارض خواهد گردید.

حال یاران راستان در اکناف و اطراف جهان باید برای پی بردن به اهمیت این مراسم توأمان تخلید و تجلیل توجه مخصوص مبذول دارند و با توصل به دعا و مناجات و مطالعه و فرا گرفتن تعالیم مبارکه خود را روحًا و معنًا آماده سازند تا پیش از پیش به مقام منيع واهداف رفیع جمال اقدس ابهی پی برند و به حقائق عهد و میثاق محکم و متینش واقف گردند. اینست محور اصلی اقدامات آن عزیزان جهت حصول تغییر و تقلیب مبانی زندگانی فردی و اجتماعی آنان. کل باید از زن و مرد و پیر و جوان با تخلق به اخلاق و آداب روحانی و صفات و کمالات انسانی با تحداد و تیگانگی با یکدیگر مألف و محشور گردند و در روابط خود با جمیع نفوس و طبقات بذیل تقوی و صداقت متمسک شوند و در اقدامات خود گوی سبقت و امتیازرا از همگنان بربایند و اثبات نمایند که منسوب به جامعه‌ای روشن ضمیر و بی شبه و مشیل‌اند و محبوب قلوبیشان که یکصد مین سالگرد صعود و عروجش را به رفر اسماء تعظیم و تکریم مینمایند مصائب و بلیات واردہ را بیهوده تحمل نفرموده است. شایسته آنکه جمیع یاران در تبلیغ و تبشير امر حضرت یزدان این صفات و کمالات را میزان و مقیاس رفتار و اقدامات خود قرار دهند و معیار عبودیت در آستان آن سلطان حقیقی سلاطین ارض دانند.

همکاران عزیز و گرانقدر، در چنین اوقاتی که در انتظار وقوع تحولات عظیمه هستیم، جامعه بشری مواجه با مرحله بحرانی تقلیل و انتقال به صفات و خصوصیاتی است که مالک قدر برای بشر مقدار فرموده است. تند باد قضا در هبوب است و ارکان نظم قدیم در تزلزل و اشتیاق شدید برای نظمی جدید در امور جامعه انسانی روزافزون. در نتیجه راه برای باهتزاز درآوردن علم امرالله در سرزمین‌هائی که تابحال از وصول پیام آله‌ی منوع و محروم مانده‌اند مفتوح و همسوار میگردد. چنین تغییرات و تحولات سریع بشارت دهنده امکاناتی در دهه

نهائی قرن بیستم است که الهام بخش تحقیق رؤیایی دیرینه میگردد این اوضاع واحوال همچنانکه فرخنده فال است مستلزم مجاهدتی است

حصول صلح اصغر لازمه اش تغییرات کلیه در قواعد وارکان جامعه کنوی بشری است. گرچه شواهد و آثار امید بخش مینماید ولیکن نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاههای تاریک عصر تحول و انتقال نگذشته ایم و راهی طولانی ولغزنده و پر پیچ و خم در پیش داریم. چه که کفر والحاد متدالع و ماده پرسنی (ماتریالیسم) شایع و رایج است. ملیت پرسنی (ناسیونالیسم) و نژادپرسنی هنوز وسوسه در افکار و قلوب مردم میافکند و جامعه انسانی از راه حل‌های روحانی و معنوی برای حل مشاکل اقتصادی غافل است. این اوضاع واحوال جامعه بهانی را به مجاهدت و مبارزتی مخصوص فرا میخواند. چه که وقت تنگ است و اقدام عاجل لازم و واجب. تعهداتی که بی درنگ باید بدانها پرداخت عبارتند از. اولاً: تبلیغ امر آله‌ی وارتفاع بنیان مؤسسات منصوصه در سراسر عالم با رعایت حکمت وجرأت وسرعت. ثانیاً: اکمال ساختمان طبقات مقام مقدس اعلى وارتفاع اینه باقی مانده مرکز اداری جهانی امر بهانی در حول قوس کوه کرمل. مشروع اول نیازمند اقدامات مجدانه ومستمر افراد باتوکل واطمینان به تأییدات آله‌یه است ومشروع ثانی محتاج تبرعات کریمانه یاران. این دو مشروع کاملاً بایکدیگر مرتبط و متصلند.

در طی دو سال گذشته تقریباً یک میلیون نفر به امر آله‌ی اقبال نموده‌اند. ازدیاد مواردی در نقاط مختلف جهان که مصدق دخول افواج مؤمنین به شریعه حضرت رب العالمین است وسبب افزایش عدد مقبلین گشته مارا متوجه بشارات امیدبخش حضرت ولی‌عزیز امرالله می‌سازد که مبنای پیش‌بینی امکانات درخشان آینده در میادین تبلیغ و انتشار امر آله‌ی است چه که به صریح بیان می‌فرمایند: «دخل افواج مقبلین از ملل واجناس مختلفه به امر مبارک.... مقدمه زمان موعودی است که اقبال دسته‌جمعی نفوسي از همین ملل واجناس ووقوع یک سلسله اتفاقات عظیمه و محتملاً حوادث مصیبت‌بار که حال به زحمت میتوان آنرا تشخیص داد. ناگهان مقدرات امر را دگرگون نموده. نظم عالم را مضطرب ساخته و عدد مؤمنین وقدرت مادی وروحانی امر حضرت به‌الله را هزار برابر خواهد نمود». شواهد و آثار حاکی از آنست که اقبال گروه‌های عظیم برای دخول به شریعه آله‌یه از قریه به قریه واز شهر به شهر واز کشور به کشور سرایت و توسعه خواهد یافت. اما نباید بدین قناعت کنیم که تنها ناظر تحقیق یافتن بشارات حضرت ولی‌امرالله باشیم. بلکه با وجود قلت تعداد باید به حق توكل جوئیم ومجاهدت و مبارزتی را که در پیش داریم موهبتی آله‌ی شمریم و بالاجرای نقشه‌های موجود به فتح و پیروزی نائل گردیم.

چون دائره افکار خویش را بزرگتر و میدان اقدام عمل را وسیعتر نمائیم در اجرای تعهدات فوق الذکر امکان بیشتری می‌یابیم. نظر به اینکه تغییر و تحول عظیم از مشخصات زندگی امروزی محسوب می‌شود واز آنجا که رشد و توسعه جامعه و روابطش با جامعه خارج تحولات خاصی را ایجاد مینماید، جامعه بهائی باید آماده انطباق با موازین واحوال جدید باشد. به عبارت دیگر جامعه بهائی باید پیش از پیش برای پذیرفتن شرائط جدید و انطباق با اوضاع متحول کنونی آماده و مجهز شود بدون آنکه از توجه و تمرکز قوی در اهداف اصلیه امر تبلیغ یعنی افزایش عدد مقبلین و تزیید معلومات و معارف امری آنان غافل بماند. «وحدت در کثرت» در اقدامات امری ضروری بنظر میرسد. چون افراد مختلف خدمات مختلف و گوناگونی را تعهد نمایند آنوقت مجموع اقدامات متعدد افراد جامعه سبب رشد و پشرفت امرالله شود چه که فی الحقيقة یک فرد از عهده انجام کلیه امور عاجز است وهمه افراد هم نمیتوانند فقط به یک امر مشغول باشند. درک این نکته برای حصول رشد و بلوغی که برای جامعه ضروری است اهمیت بسیار دارد زیرا جامعه مورد تقاضای وانتظارات گوناگون قرار می‌گیرد.

مقصد از نظمی که حضرت بهمالله ارائه فرموده‌اند حل و فصل مشکلات و تعیین مسیر پیشرفت و ترقی جامعه است. تعداد احباب هنوز کمتر از آنست که بتوان امکانات موجود در نظام اداری را که به تأسیس آن مشغولیم به نحو شایسته عرضه نمود. جلوه و ظهور فواید و آثار این نظام بدون افزایش قابل ملاحظه تعداد مؤمنین میسر و مقدور نیست. نظر به شرائط کنونی عالم اثبات ضرورت و فواید نظام اداری بهائی بیش از پیش ضروری بنظر میرسد. این بسی و واضح است که کسانی که زبان به نکوهش و ذکر عیوب نظم قدیم میگشایند و حتی حاضرند که نظم کهن را منسخ و معدوم سازند خود از ارائه نظم و ترتیبی که بتواند جایگزین نظم قدیم شود عاجز وقارنند. از آنجا که مقدار است نظم اداری بهائی نمونه والکوئنی برای جامعه آینده باشند. قابل رویت شدن این نمونه والگو سبب امیدواری و دلگرمی افراد مأیوس و ناامید خواهد بود.

تاکنون از نظر ورود تعداد کثیری از طوائف و نژادهای متعدد به ظل شریعه آلهیه موفقیت‌های درخشانی نصیب جامعه بهائی گردیده است. البته این اقدامات باید تقویت و ادامه یابد و منجر به اقبال تعداد بیشتری از افراد طوائف و قبائل و نژادهایی شود که تابحال به امر آلهی اقبال نموده‌اند کوشش در اقبال افراد سایر از طوایف واقوامی که هنوز در ظل شریعه آلهیه وارد نگشته‌اند نیز باید وجهه همت قرار گیرد. با این همه جنبه دیگری از تنوع نیز باید تحقق باید زیرا بدون آن امر آلهی چنانچه شایسته است قادر به مقابله و مواجهه با اوضاع واحوالی که در پیش است نخواهد بود. جامعه بهائی گذشته از این که از تنوع در نژادها و طوایف و قبائل مختلفه برخوردار است. نیازمند آنست که به تبلیغ و تسجيل تعداد

روزافزونی از نفووس مهمه وفاصل وافراد برجسته ومتاز در شئون وامور مختلفه جامعه انسانی پردازد. تسجیل تعداد قابل ملاحظه‌ای از این قبیل نفووس یکی از وجوه حتمیه تبلیغ جمهور است واین امری است که نه تنها باید بیش از این مورد غفلت قرار گیرد. بلکه باید به نحوی جدی وقاطع در برنامه اقدامات تبلیغی منظور شود تاپایه واساس امر تبلیغ توسعه وتحکیم یابد وجریان دخول افواج تسريع گردد. اقدام در این مورد چنان عاجل وحائز اهمیت است که لازم میدانیم از هیئت‌های مشاورین قاره‌ای ومحافل روحانی ملی دعوت کنیم تا در حین مشاورات وطرح نقشه‌های تبلیغی بدین امر اساسی توجه خاصی مبذول نمایند.

امور جامعه بشری به مرحله‌ای رسیده که برای حل مشکلات شدید اجتماعی هرروز بیشتر از پیش از طریق کسب نظریات مشورتی یا تقبل اقدامات ضروری از جامعه بهائی تقاضای مساعدت می‌شود. این خدمتی است که به کمال مسرت می‌پذیریم ولیکن لازم است که محافل روحانی محلی وملی اصول وموازن امر آله‌ی را بطور کامل ودقیق مراعات نمایند. با توجه روز افزون عمومی به آئین آله‌ی ضروری است که مؤسستات امری در بهبود اجرای وظائف محوله سعی بلیغ نمایند یعنی اولاً اصول وحقایق اساسیه امر بهائی را به نحوی دقیق‌تر عملی نمایند وثانیاً خودرا بیشتر باروح حقیقی وآداب صوری تشکیلات امری تطبیق دهند وثالثاً به نتائج مؤثر ومفید امر مشورت عقیده واعتماد راسخ‌تری داشته باشند تا در اثر این نحوه عمل ورفتار جوامعی که تحت رهبری ودلالت آنان قرار دارند چنان به حیات معنوی واخلاق واطوار ملکوتی متخلّق گردند که آشفته ومائوس جامعه بشر شوند.

- این که صلح اصغر درآینده‌ای نه چندان دور تحقق می‌یابد واین که مؤسستات محلی وملی نظم اداری بهائی مرتبأ بر تجربه وتأثیر ونفوذ خود می‌افزایند. واین واقعیت که نقشه‌های مربوط بساختمان اینه اداری باقی‌مانده در حول قوس کرمل به مراحل پیشرفته‌تری رسیده است کل این شرائط امید بخش مدل بر قرب ظهور وقایع همزمانی است که حضرت ولی امرالله بدان اشاره فرموده‌اند وهیچ ناظر صادقی قادر به انکار آنها نتواند بود.

از آنجا که جامعه بهائی در طلیعه قوای خلائق‌ای که در جهان امروزی در کار است قرار گرفته وبه علم ودانائی حقیقی دسترسی دارد باید بیش از پیش در فکر اجرای نوایای آب سماوی باشیم. آن سادچ رحمت از مکمن عز مکرمت مساعی خاضعانه عبادش را به امطار فضل وعنایت تأیید می‌فرماید وقوه واقتدارش را بافتوات وانتصارات لاتعد ولاتحصی به اثبات میرساند. در اعتاب مقدسه علیا از قبل افراد وآحاد اهل بها واز صمیم قلب وفؤاد برکات لاریبیه متتابعه مالک اسماء را رجا وتمنا نمائیم.

بیت‌الدل علم

ترجمه پیامهای بیت العدل عطش خطاب به عموم محافل روحانی ملی

موافق اپریل و مه ۱۹۹۰

یاران عزیز الهی

ارتباط مابین اشخاص که مایل به اخذ وکیل هستند و نفوosi که واجد شرائط لازم و حاضر به قول چنین خدماتی میباشند موجبات انتخاب و تعیین مهاجرین و مبلغین سیار واجد شرائط را بنحوی مجدد فراهم سازند. نحوه اجرای این منظور به اختیار هر یک از محافل روحانی ملی کذاشته میشود تا با توجه به اوضاع و احوال جامعه تحت اشراف خود و مرجحاً با مشورت با اعضای هیئت های مشاورین یا نمایندگان آنان. حکیمانه ترین و مؤثرترین طریق را برای تحقق این امر برگزینند. امید چنانست که طرقی که اتخاذ میگردد حتی الامکان یاران الهی را در اجرای این مسئولیت روحانی بنحوی که جمال اقدس ابھی اراده فرموده اند یاری و یاوری نماید.

البته برای افراد احباب همواره این امکان وجود دارد که به منظور اجرای این حکم الهی از صندوق توکیل بین المللی استفاده نمایند. بنابر این اشخاص که در انتخاب وکیل جهت اجرای این تکلیف دچار اشکال میشوند همواره میتوانند تبرعات خود را منظم ، مرتب به صندوق توکیل بین المللی پرداخت نمایند تا وظیفه و مسئولیت روحانی خود را در قبال تبلیغ امرالله و نشر فتحات الله انجام داده باشند.

مسئولیت اداره این صندوق به عهده عصبه جلیله دار التبلیغ بین المللی محول گردیده و دار التبلیغ بین المللی به نوبه خود از طریق لجنات قاره ای مهاجرت که اخیراً انتخاب آنها تجدید شده و به اطلاع یاران رسیده ، کمک های لازم را تخصیص خواهند داد. چند ماه قبل طرح های کوتاه مدت مهاجرتی اعلام گردید و این طرحها در همه جا با شور و اشتیاق فراوان مورد استقبال قرار

بیست و پنج سال قبل هنگامی که بیت العدل اعظم صندوق توکیل بین المللی را در ارض اقدس تأسیس نمود از یاران الهی دعوت شد تا با تقدیم تبرعات به صندوق مذبور به اقدامات مهاجرتی و اعزام مبلغین سیار در سراسر عالم کمک نمایند. در پیامی که به مناسبت تأسیس صندوق توکیل بین المللی انتشار یافت به این کلمات دریات که از قلم اعلیٰ عز نزول یافته استشهاد گردیده بود:

... جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لائق این مقام اعلیٰ است با آن قیام نماید والا ان یأخذ وکیلا لنفسه فی اظهار هذا الامر الذى به تزعزع کل بنیان مرسوم و اندکت الجبال و انصرفت الفوس ...

از این حکم الهی به صراحة معلوم میشود که مسئولیت ترویج و انتشار امرالله در مرحله اولی با افراد احباب است و هر فرد بهائی چنانچه قادر به انجام این وظیفه نباشد مکلف است نفسی را تعیین نماید تا بجای او به ابلاغ کلمة الله پردازد.

بسیاری از یاران از زمان نزول این حکم محکم الهی موفق به قیام به اجرای این امر شده اند تعداد کثیری نیز برای انتخاب نفسی که بتواند بالنیابه از طرف آنان به خدمات تبلیغی مشغول شود دچار اشکال گردیده اند.

حال که عالم بهائی به سرعت به انتهای نقشه شش ساله نزدیک میشود موقع آن فرا رسیده است که محافل روحانیه ملیه از طریق ایجاد

با تلاوت ادعیه مبارکه تائیدات الهیه را برای اجرای بلا انقطاع این مشروع جلیل مستلت نمودند. سپس طرح تفصیلی مربوط به توسعه قسمت شرقی طبقه اصلی که برای حصول تناسب و تساوی با قسمت غربی تهیه شده مورد ملاحظه قرار گرفت.

مکان این مشروع جلیل را حضرت بهاء الله پنفسه المقدس برای بنای مرقد مبشر شهیدش اختیار فرمود و حضرت عبدالبهاء بکمال عزت ساختمان آن را آغاز نموده، و با تحمل مشقات بی پایان بنای اولیه را بنیاد فرمود و عرش مطهر حضرت باب را در آن مستقر ساخت سپس حضرت ولی امرالله ساختمان مقام اعلی را بکمال جدیت ادامه داده بنای اصلی را تکمیل و آن را به رواق خارجی و قبّه ذہبی آراستند و با تأسیس نه طبقه تحتانی، مقام اعلی را به خیابان کلنی آلمانیها مرتبط ساختند. چنین مشروع جلیلی اکنون به مرحله نهائی وارد گشته تا با توسعه و تزئین نه طبقه موجود و بنیان نه طبقه دیگر دامنه جبل کرمل تا رأس آن را به بنای یادبودی مجلل مزین سازد.

از یاران عزیز در جمیع نقاط دعوت می کنیم تا با پذل مساعی مجدانه این طرح مقدس را که اکنون بصورتی تفکیک ناپذیر با اینه حول قوس کوه کرمل ارتباط یافته بنحوی شایسته اکمال و اتمام بخشنده و مراتب وقوف و آکاهی خود را از عظمت و اهمیت موهبتی که ظهور و جانشانی حضرت رب اعلی نصیب جامعه بشری ساخته به منصه ظهور رسانند و ایمان و تعهد خود را به صلای حضرت بهاء الله در لوح کرمل که مبشر تأسیس مقرر سلطنت الهیه بر فراز آن جبل مقدس است اثبات نمایند و با تبرّعات کریمانه خود وعود حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله را برای استقرار مؤسّسات فخیمه امر اعظم الهی بر جبل الرّب متحقّق سازند.

بریعت علی عشر

گرفت. در هر مورد که کمکی جهت تکمیل هزینه مربوط به اجرای این قبلی طرح ها یا طرح های مربوط به مهاجرت دراز مدت و سفرهای تبلیغی مورد نیاز باشد ممکن است از صندوق توکیل بین المللی تقاضای مساعدت شود. بنابر این محافل روحانیه ملیه باید هزینه کامل طرح هائی را که نیازمند به کمک مالی است برآورد نمایند و تقاضای خود را برای بودجه تکمیلی به لجنه های قاره‌ای مهاجرت ارسال دارند.

موقعیت کنونی چنین ایجاد می کند که پیروان اسم اعظم صمیمانه و با شور و اشتیاقی تازه و خلوص و انقطاعی جدید به این میدان خدمت قدم گذارند. امید و دعای این مشتاقان آنست که فرد فرد یاران با قیام و مشارکتی عمومی به اجرای این امر مهْم پردازند و کسانی که خود به انجام این حکم صریح الهی قادر نیستند این تکلیف روحانی را از طریق تقدیم تبرّعات لازم به صندوق توکیل بین المللی انجام دهند و بدینوسیله موجباتی فراهم آرند که سایرین بتوانند مراحل باقیمانده نقشه شش ساله را مظفرً بپایان رسانند.

با تحيات ابدع ابهی

بریعت علی عشر

(۲)

با شعف و سرور بی پایان به پیروان جمال قدم جل اسمه الاعظم در سراسر عالم بشارت مینهیم که صبح روز ۲۳ ماه می یعنی یکصد و چهل و شش سال پس از اظهار امر حضرت باب عملیات ساختمانی توسعه و تکمیل طبقات مقام مقدس اعلی آغاز گردید. به مناسبت این واقعه تاریخی حضرات ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم و جناب علی اکبر فروتن و اعضای بیت العدل اعظم و مشاورین عضو دارالتبیغ بین المللی و فریبیرز صهبا مهندس معمار طبقات و مدیر اجرائی طرح ساختمانی قوس کوه کرمل به مقام مقدس اعلی و مقام حضرت عبدالبهاء مشرف و

سخن درباره الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء

الواح مبارکه وصایا سند جلیلی است که حضرت ولی "امرالله آنرا بعنوان "دستور نظم بدیع عالم" و "ولید عهد و میثاق یعنی وارث شارع و مبین شریعت الله" و "متمم کتاب اقدس" در رساله دور بهائی ستوده‌اند.

الواح وصایا با کتاب مستطاب اقدس و کتاب عهد ارتباط ووابستگی مستقیم دارد و به اعتباری تبیین و اجرای اوامر صادره در کتاب عهد حضرت بهاءالله است.

اساس مطالب وارده در این اثر جلیل را که در عین اختصار حاوی حقائق و دقائق متعدده است میتوان چنین خلاصه کرد:

۱- تعیین تکلیف اهل بها پس از صعود حضرت عبدالبهاء و وصیت حضرتش در باره مقام ولایت امر الله و بیت عدل عمومی

۲- تفهیم اهمیت وحدت اهل بها در ظل عهد و میثاق و بیان عوامل لازمه آن و ذکر عواملی که با این اصل اساسی که حافظ و حامی امر الهی است به مخالفت برخاسته و یا در آته ممکن است برخیزد.

۳- بیان اهمیت تبلیغ و انتشار امر و هدایت مردم که هدف از ظهور امر الهی است.

۴- لزوم ایجاد اتحاد عالم انسانی به مدد تحقیق اخلاق و آداب بهائی و محبت حقیقی که تنها وسیله نجات عالم است.

۵- بیان اساس عقائد اهل بها.

الواح مبارکه وصایا در سه قسمت و احتمالاً در مراحل مختلفه از قلم حضرت عبدالبهاء جلـ ثنائه صادر شده است.

قسمت اول در حدود سال ۱۳۲۱ (۱۹۰۴ م) متعاقب اقدامات هیئت تفتیشیه اول مرقوم شده زیرا در آن لوح ذکر هیئت تفتیشیه مزبور و گزارش غرض‌آمیز آن مذکور است. توضیح ذیل قسمت اول در خصوص اینکه "این ورقه مدّتی در زیر زمین محفوظ بود..." را نیز در زمان صدور قسمت دوم مرقوم فرموده‌اند. با توجه به مطالب و لحن بیان مبارک این قسمت در دوره هیئت تفتیشیه دوّم (۱۳۲۴ - ۱۹۰۷) عزـ صدور یافته است.

ابتداًی صدور الواح وصایا در بیت عبدالله پاشا مدینه عکا است زیرا هیکل مبارک هنوز در آن تاریخ به حیفا انتقال نفرموده بودند.

بمنظور اطاعت امر مشورت که منصوص الواح جمال قدم بود از همان ابتدا احبابی مخلصین که مرکزیتی داشتند در باره تبلیغ و خدمت ورعایت امور و احوال ضعفای جامعه با یکدیگر مشاورت و همفکری داشتند و متدرجاً آمادگی تأسیس بیوت عدل منصوص در کتاب اقدس نضج میگرفت اما مجالس شور با عنوان محافل روحانی برای نخستین بار در دوره حضرت عبدالبهاء تشکیل شد و در

اوائل نحوه انتخاب بر اساس انتصاب بود و حضرت عبدالبهاء در ضمن الواح نازله اصول مشورت و راه و رسم خدمت را هدایت میفرمودند، در طهران حضرات ایادی عضویت دائمی داشتند. ایادی امر الله در دوره حضرت عبدالبهاء منحصر به حاج ملا علی اکبر شهمیرزادی، آقا میرزا علی محمد ابن اصدق، آقا میرزا حسن ادیب و حاج میرزا محمد تقی ابن ابیر بود که حضرت بهاءالله به این مقام و عنوان تعیین فرموده بودند. حضرت عبدالبهاء در ایام میثاق کسی را رسماً به این عنوان انتخاب نفرمودند. اما بعضی از وجوده ممتازه دوستان را که در خدمت و نشر نفحات مشار بالبنان بودند در تذكرة الوفا باین لقب مفتخر فرمودند بجز جناب ابن اصدق که تقریباً هفت سال بعد از صعود حضرت عبدالبهاء حیات داشت بقیه ایادی در ایام حضرت عبدالبهاء از عالم جسمانی درگذشتند.

قسمت زیادی از الواح مبارکه وصایا در بارهٔ اعمال ناقضین یعنی میرزا محمد علی و دستیاران اوست. میرزا محمد علی که در آثار مبارکه بعنوان غصن اکبر ستوده شده بود از همان ابتدا یعنی بلاfaciale پس از صعود جمال اقدس ایهی ادعای استقلال و خودسری داشت و خود را همتراز و شریک حضرت عبدالبهاء تصور میکرد و مرکزیت و مرجعیت امر الله را نوعی موقعیت و مقام خاندانی می‌انگاشت و خود را از اطاعت مرکز عهد آزاد می‌پنداشت و با دیگر برادران و خویشاوندان و بعضی از طائفان حول و مجاوران ارض اقدس در خفا سر و سری داشت و به نکته‌گیری و اعتراض سری و علّتی نسبت به مرکز امر یعنی حضرت عبدالبهاء مشغول بود. با اینکه این اعمال بر حضرت عبدالبهاء پوشیده نبود تا مدت چند سال این رفتار را تحمل فرمودند و مخالفت اغصان را پرده‌پوشی نمودند اما بالآخره خود آنان آسوده ننشستند و افکار و رفتار خود را از خلال نامه‌ها به احبابی ایران اظهار و ابراز کردند.

توقّع و انتظار میرزا محمد علی که هنوز در جامعهٔ یاران ملقب به غصن اکبر بود آن بود که هم‌شأن و همانند حضرت غصن اعظم بطور مستقلّ مرجع امور باشد و اگرچه حضرت عبدالبهاء او را در جمیع شئون مورد توجه و حرمت میداشتند مع ذلک مرجعیت امر الله که بحکم صریح کتاب اقدس و تنصیص کتاب عهدی منحصر به غصن اعظم بود وظیفه‌ای نبود که در آن شریک و مثیلی پیش بینی شده باشد.

احبابی ایران در قبال انتظارات و القایات میرزا محمد علی و اعون او قاطعاً جواب منفی دادند و اگرچه بعضی از نفوس خودخواه از این رهگذر امیدی برای خود تصور کردند ولی اکثریت اطاعت مرکز میثاق را بدون قید و شرط متذکر شدند و احترام غصن اکبر را در ظلّ حضرت غصن اعظم و بعد از اطاعت از حضرتش دانستند.

چون تمہیدات و اقدامات میرزا محمد علی بی‌نتیجه ماند ناقضین به نشر اکاذیب، تحریف آیات و جعل الواح منسوب به حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء پرداختند و بدین وسائل نسبت ادعای ظهور جدید به حضرت عبدالبهاء دادند. تأکیدات متعددهٔ حضرت عبدالبهاء در ضمن الواح دائر بر مظہریت کلیه حضرت بهاءالله و اظهار عبودیت و بندگی بدون قید و شرط حضرتش در آستان جمال قدم این تهمت و افترای ناقضین را بی‌اثر ساخت.

ناقضان چون از رخنه در داخله امر الهی مأیوس شدند با دشمنان خارج و عملال حکومت عثمانی همدست شدند و با گزارشیای بی‌اساس راجع به ارتباط حضرت عبدالبهاء با دول خارجی باعث بروز مشکلات عدیدهٔ جدیده گشتند و بر اثر همین اقدامات در دو نوبت از مرکز حکومت عثمانی

ماهورین مخصوص برای تحقیق به عکا و حیفا آمدند حتی خود ناقصین نیز از این توطئه‌ای که چیده بودند بی‌نصیب نماندند و تحت فشار و زحمت قرار گرفتند.

عدم رضایت حضرت عبدالبهاء از اعمال ناقصین که در سراسر الواح وصایا به الحان مختلف حتی بصورت مناجات منعکس است مربوط به نتایج و اثرات منفی آن در باره امر مبارک است زیرا از جهتی دشمنان خارج این امید را در دل پروراندند که امر دستخوش انشقاق و انفراط خواهد شد و بیوفایان امر حضرت باب نیز که در دوره^۱ جمال قدم قطع امید کرده بودند دوباره آرزوی آن نمودند که امر الهی را مضمحل و متلاشی بینند اما از همه بدتر آنکه اهل نظر و انصاف که ناظر ترقی جامعه^۲ بهائی بودند از انتظاراتی که از این نهضت روحانی جدید داشتند نگران و افسرده گشتد. باری اگرچه این نگرانی دیری نپائید و دوباره در ظل^۳ قیادت حضرت عبدالبهاء جامعه^۴ بهائی روحی جدید یافت اما بقیمت مرارت ایام حیات و تأسف اوقات حضرت عبدالبهاء این طوفان پایان یافت. اینست که در الواح وصایا راجع به میرزا محمد علی میفرمایند "تیری نماند که بر سینه این مظلوم نینداخت، زخمی نماند که روا نداشت، زهری نماند که در کام این ناکام نریخت".

غصن اکبر در ایام اشراق شمس ظهور یعنی دوره^۵ جمال قدم مطالب و مراسلاتی به قزوین نوشت که حکایت از ادعّا و اظهاراتی داشت که او را تالی و شریک در مقام ظهور معرفی مینمود و تقليد و تشبّه به آیات مبارکه می‌خواست کرد و خود را بنام سلطان روح (۱) نامید. احبابی قزوین به امتحان افتادند و واقعه را به ساحت اقدس عرض کردند و کسب هدایت و تکلیف نمودند حضرت بهاءالله در لوحی صریحاً در باره^۶ غصن اکبر فرمودند "اگر آنی از ظل^۷ امر منحرف شود معذوم صرف خواهد بود".

اگرچه به اعتباری همان زمان بعلت صدور کلمات و مراسلات مدّعیانه میرزا محمد علی مشمول این بیان صریح بود مع ذلك جمال مبارک عفو و صفح فرمودند. اما بعد از صعود مبارک مجدد غصن اکبر در مقابل نص^۸ صریح کتاب عهد که تبیین آیه کتاب اقدس بود اجتهاد کرد و خود را از اطاعت مرکز عهد فارغ و آزاد دانست و نقض عهد و میثاق نمود و عملاً از اوامر الله منحرف شد. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا موارد انحراف او و ناقصین را می‌شمارند و باستاناد این مطالب و بر اساس بیان صریح حضرت بهاءالله سقوط غصن اکبر را از شجره^۹ الهیّه اعلام میفرمایند. البته غصن را شایسته آنست که از طراوت و سرسبی و نمو^{۱۰} و ترقی همواره بهره‌ور باشد ولی شرط آن اتصال به شجره اصلیّه است اما اگر منحرف شود از برکت ارتباط و اتصال محروم گردد و بیقین بخشکد و شاخ تر، هیزم خشک شود اینست که در آثار بهائی غصن اکبر ناقض اکبر شد و چون از فیض و برکت بی‌نصیب گشت به عنوان و لقب جدیدی شیرت گرفت و خطب اکبر شد.

ناقصین خود را موحد میدانستند و ثابتان بر عهد را مشرکین مینامیدند و "بهانه توحید جعلی"^{۱۱} را که حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا اشاره فرموده‌اند چنین ساخته و پرداخته بودند که حضرت عبدالبهاء چون جامعه را بتوجه و اطاعت به مرکز عهد موظف میدانند مدّعی شرکت در مقام جمال قدم هستند و خود را شریک حق دانسته‌اند و نکته حیرت‌آور اینست که متقابلاً در بین

جامعه غیربهائی نیز چنین وانمود میکردند که حضرت بهاءالله یکی از اقطاب و شیوخ تصوّف بوده که در ظلّ اسلام مردم را تربیت میفرموده ولی حال حضرت عباس افندي دستگاهی ترتیب داده و برای اینکه شخصاً مرجعیت حاصل فرماید در حق ایشان غلوّ کرده و حضرت بهاءالله را صاحب شریعت و دیانت جدید میدانند و ما را نیز بعلت اینکه با این موضوع موافقت نداریم از خود میرانند.

یکی دیگر از اقدامات ناقضین که در الواح وصایا بآن اشاره شده فتوای قتل حضرت عبدالبهاء است ناقضان این فتوی را مستند به آیه مبارکه کتاب اقدس مینمودند و مکتوبی که در قسمتی از الواح وصایا مذکور است نوشته میرزا شعاعالله پسر میرزا محمد علی است که در تمام عمر بتنوع مختلف همدست و همکار پدر و دیگر ناقضان بود.

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس میفرمایند " من يدعى أمراً قبل اتمام الف سنة كاملة انته كذا بـ مفتر نسئل الله بـ يوئيـه على الرجـوع ان تـاب اـنه هو التـواب و ان اـصرـ على ما قال يـبعـث عـلـيـه مـن لا يـرحـمـه اـنه شـدـid العـقـاب من يـأـولـ هذه الـايـه او يـفسـرـها بـغـيرـ ما نـزـلـ فـي الظـاهـرـ اـنه محـرومـ من رـوحـ اللـهـ و رـحـمـتـهـ الـتـى سـبـقـتـ الـعـالـمـينـ ". ناقضان حضرت عبدالبهاء را مصدق این آیه معرفی میکردند تفسیر و تأویل ناقضین از دو جهت اشکال اصولی داشت نخست آنکه این آیه در بارهٔ کسی است که ادعاًی ظهور مستقلی نماید و این در مورد حضرت عبدالبهاء که خود را همواره عبد بها بدون هرگونه قید و شرطی معرفی میفرمود مصدق نداشت و دیگر اینکه حکم قتل و اعدام هرگز از قلم جمال قدم صادر نشده بود و این توجیه و تأویل ناقضان بود، مهمتر از همه اینکه تأویل این آیه نمی شده بود.

دققت در متن دو مناجاتی که در لوح اوّل قبل و بعد از اعلان سقوط و طرد میرزا محمد علی ناقض اکبر صادر شده نشان میدهد که حضرت عبدالبهاء به چه اندازه از اعمال ناشایسته ناقضین افسرده‌خاطر بوده و تا چه حد نگران عدم موقفيت احبا در این امتحان روحانی بوده‌اند.

حضرت عبدالبهاء بنا بر آیات کتاب اقدس مرکز توجه و رجوع احباء الهی و مبین حقائق آن کتاب و دیگر آثار جمال اقدس ابهی بودند و البته تبیین و تفهم کتاب عهد حضرت بهاءالله نیز قسمتی از این قدرت و اختیار بود. حضرت عبدالبهاء غصن اکبر را هم بوظیفه اطاعت و توجه به مرکز عهد مذکور داشتند و او نیز که بالطبعه مأمور به اطاعت و انقیاد بود دارای رتبه و مقامی بود که اگر به اطاعت و تمکین به مرکز امر و مرجع منصوص موقق میشد پس از حضرت غصن اعظم مرجع اهل بها میبود. حضرت عبدالبهاء او را به این نکته که بالآخره چنین فرصتی برای او مقرر و معین است مذکور داشتند (۲) تا سبب خسaran خود و جمعی نگردد و رخنه در بنیان امر الله نیاندازد ولی غور او را از این مقام محمود محروم ساخت و در آن هنگام که محک شایستگی این مرتبه علیا اطاعت بدون قید و شرط مرجع و مرکز عهد و پیمان بود به ادعاهای بی اساس به مخالفت پرداخت و به دسیسه و دشمنی قیام کرد اما پس از صعود حضرت عبدالبهاء به بیت مبارک آمد تا خود را بعنوان جانشین حضرتش معرفی نماید و احباء بهداشت حضرت ورقه علیا از پذیرفتن او حتی در بیت خودداری نمودند.

دو مطلب اساس مباحث الواح وصایا است که همواره مرتبط و همراه مذکور شده: نخست ولایت امر

الله و دوم بیت عدل عمومی. اگرچه مقام ولایت امر بطور ضمنی و تلویحی در کتاب اقدس آنجا که ذکر "اوّاق مختصه للخیرات" نازل شده با اشاره به اغصان منظور گشته ولی حضرت بهاءالله شخصاً این مؤسسه جلیله را تأسیس نفرمودند بلکه مقام ولایت مخلوق امر و اراده حضرت عبدالبهاء است.

بر حسب آثار جمال اقدس ابی و فحوای بخش مهمی از الواح وصایا که راجع به اصول عقائد اهل بهاست "اساس عقائد اهل بها روحی لهم الفدا حضرت رب اعلى مظہر وحدانیت و فردانیت الہیة و مبشر جمال قدم، حضرت جمال ابی روحی لاحبائے الثابتین فدا مظہر کلیتہ الہیة و مطلع حقیقت مقدّسہ ربّانیہ و مادون کل "عبد له و کل" بامرہ یعملون" و در دنبال این خطاب بلا فاصله چنین نازل "مرجع کل" کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی" (۳)

در هنگام صعود حضرت بهاءالله عالم انسانی هنوز به مرحله‌ای نرسیده بود که قابل قبول تجلیات عنایت و هدایت الہی در ظل بیت عدل عمومی گردد. فرصتی که لازم بود تا جامعه بهائی آماده قبول چنین نعمتی شود که حق بمناسبت "بلوغ عالم انسانی" مقدّر فرموده ببرکت وجود دو شخصیت ممتاز و مافوق بشری حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله فراهم آمد و بهمین علت است که این کیفیت که بنفسها مرحله تبیین و تربیت است در عهد این دو هیکل ملکوتی استمرار یافت. بیان حضرت ولی امرالله در اثر نفیس و بی‌نظیر حضرتش "دور بهائی" این نکات را بخوبی روشن می‌سازد: "... اعظم از کل این اسماء عنوان منبع سرالله است که حضرت بهاءالله در توصیف آن حضرت اختیار فرموده‌اند و با آنکه بهیچوجه این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد مع‌الوصف حاکی از آنست که چگونه خصوصیات و صفات بشری با خصائیل و کمالات الہی در نفس مقدّس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متّحد گشته است" حضرت عبدالبهاء حائز مقامی است که در ادیان معتبره عالم بی‌نظیر و مثیل است میتوان گفت که آن حضرت عصری را که خود منتبه بآن بود (عصر رسولی) ختام بخشید و عصر ثانی را افتتاح فرمود که ما حال در آن قائم بخدمتیم" حضرت عبدالبهاء راجع به وظائف ولایت امر الله در الواح وصایا میفرماید اوست میّن آیات الله و این عیناً عبارتی است که آن حضرت در موقع اعتراض ناقضین میثاق به مقام تبیین از نصوص مبارکه حضرت بهاءالله اختیار فرموده و در رد "آنان اظهار میداشتند..." ولایت امرالله در ظل صیانت جمال ابی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی و در وظیفه و حق تبیین تعالیم بهائی شریک و سهیم حضرت عبدالبهاء میباشند" تبیین آیات و کلامات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء که منحصراً به ولی امر الله عنایت شده مستلزم آن نیست که او را در رتبه و مقام آن هیاکل مقدّسہ قرار دهد".

مجموع این بیانات صادره در رساله دور بهائی حکایت از این نکته لطیفه داردکه عهد و زمان حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در ظل عنوان مقام تبیین مرحله تربیت و هدایت جامعه بهائی بقوه الهام ربّانی است. نص بیان جمال قدم در کتاب عهدی نیز که بعد از حضرت غصن اعظم غصن دیگری نیز تعیین فرموده و به دو مرجع اکتفا میفرمایند و برای بعد از آن مرجعی از اغصان معین نمی‌نایند میتوان گفت که تلویحاً حاکی است که تبیین در مدّتی معین خاتمه خواهد پذیرفت ولی دوره تأسیس و تمکن ادامه خواهد یافت. تعمق در لوح مبارک غصن این

نکته بدیع را خاطرنشان میسازد که نخست از اصل قدیم یعنی جمال قدم غصن امر منشعب شده و سپس از آن غصن کریم فرع جلیلش بر عالم سایه‌افکن خواهد بود "قل قد نبت غصن الامر من هذا الاصل الذى استحكمه الله فى ارض المشية و ارتفع فرعه الى مقام احاط كل الوجود فتعالى هذا الصنع المتعالى المبارك العزيز المنبع".

تقدیر و اراده الهی چنین بود که میرزا محمد علی از این فیض عظمی محروم گردد و مصادق ماظلمناهم ولکن انفسهم یظلمون شود و غصن ممتاز مبارکی که حاکی از اتحاد دو شجره اعلی و ابی است مبعوث گردد تا یکبار دیگر وحدت این دو ظهور جلوه‌گری نماید. در بیانی حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب وحید کشفی میفرمایند: "اغصان محصور در اشخاص نه تسلسل دارد هریک ثابت مقبول و هریک متزلزل ساقط چنانکه در الواح و زیر منصوص است" انتخاب حضرت شوقی افندی به مقام ولایت امر الله همچنانکه از لحظه مقدمات و اساس سابقه‌ای عمیق در آثار مبارکه داشت از لحظه شخصیت فردی حضرتش نیز کیفیتی منحصر بفرد را حائز بود. یادداشتی که از یک ناظر غیربهائی باقی مانده نشان میدهد که حضرت عبدالبهاء با چه احاطه و وسعت نظری آتیه خدمات حضرت ولی امرالله را بدیده فوق بشری ملاحظه میفرمودند و چگونه حامل ودیعه امانت الهیه را از بین نواده‌های خویش برگزیدند (۴).

در الواح وصایا بعد از تعیین حضرت شوقی افندی به ولایت امر امکان استمرار مقام ولایت چنین بیان شده است: "توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدّسه مبارکه ابیات شده و از اقتران دو فرع دوچه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیة الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله است و مبین آیات الله و من بعده بکرا" بعد بکر یعنی در سلاله او.

در این مقام تدبیر الهی منع و رد میرزا محمد علی و دیگر اغصانی است که از سلاله حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء موجود بودند و اگر تشبتات میرزا بدیع الله که با نقاب تزویر و به امید آتیه توبه مینمود و خود را به مرکز میثاق وابسته میداشت منظور گردد حکمت این دستور واضح خواهد شد. حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس بطور عام ذکر اغصان فرموده بودند (آیه مبارکه مربوط به اوقاف مختصه للخيرات) و اگرچه در کتاب عهد صراحة بیان شده که حقی در اموال ناس برای آنان مقدر نشده ولی احترام آنان بر اهل بها تکلیف عمومی است. خطاب زیر از قلم اعلی مبین این حقیقت است که ثبوت بر امر الهی تنها شرط حفظ مقامات و مراتب در ظل امر است "مُقْبَلِينَ إِلَى اللَّهِ إِذْ حُرُوفٌ وَ مَرَأَيَا وَ اثْمَارٌ وَ اغْصَانٌ وَ أُوراقٌ مُحْسُوبَنَدَ اَكْرَ ثَابَتَ بَاشَنَدَ وَالاَ يَرْجِعُ التَّورُ إِلَى مَقْرَهُ وَ الْمَلَكُ إِلَى مَلْكُوْتِهِ وَ الْمَلْخُوقُ إِلَى حَدَّهُ وَ مَقْرَهُ". بیان مبارک کتاب اقدس راهکشای تأسیس مقام ولایت است تا اگر مساعی اهل بها قابل و جاذب تأییدات ملکوت ابی نگردد و بیت العدل تأسیس نشود سلسله الهیام و هدایت برقرار ماند حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایا بر همین اساس امکان استمرار مقام ولایت را به تبیینات دقیقه تحکیم فرموده‌اند بهمین جهت حضرت ولی امرالله در خطابی به احبابی غرب تصریح میفرمایند که بین الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و کتاب مستطاب اقدس هم آهنگی کامل موجود است (۵).

کسی نمیداند که اگر مقدمات تمکن امر در عالم و تأسیس بیت العدل اعظم به هدایت حضرت ولی امرالله و همت اهل بها در موعد محتموم فراهم نیامده بود حق جل جلاله چه اراده

میفرمود اما پیش‌بینی و مآل‌اندیشی ملهمانه حضرت عبدالبهاء با اشاره "و من بعده بکرا" بعد بکرا که امکان استمرار مؤسسه ولایت را میسر میساخت کاملاً معلوم و معین است آیا نمیتوان گفت که حضرتش نظر به حکمت‌های بالغه حقائق آتیه را در حجابی از تدبیر الهی از انتظار احبابیش پنهان نموده بود و یا آنکه ختم دوره ولایت را به رأی العین میدید معذک نظر به ضعف و ناتوانی عباد آنرا صریحاً اظهار نمی‌فرمود؟

حضرت عبدالبهاء درست دو هفته قبل از صعود لوحی خطاب به احبابی امریکا صادر فرمودند که این بیانات در آن مندرج است : "باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیبه قطع مینماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند..." محتملاً این بیان اشاره به میرزا محمد علی ناقض اکبر و حضرت غصن ممتاز شوقی افندی است که مصدق آن پس از صعود تحقق پذیرفت. اما چون این بیان فقط یک مصدق داشت حضرت عبدالبهاء با دستورالعمل زیر قblaً امکان سوء استفاده از آن را سد و منع فرموده بود باین مفهوم که هیئت نه نفری منتخب ایادی باید "همیشه به خدمات مهمه ولی" امرالله مشغول باشند... و بالاتفاق یا باکثیریت آراء باید غصن منتخب را که ولی "امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدق و غیرمصدق معلوم نشود".

آیا نمی‌شاید گفت که حضرت عبدالبهاء که در آثار جمال اقدس ابیه به القاب مخصوصه "من طاف حوله الاسماء" و "سر الله" مخصوص شده و بنا به بیان حضرت ولی "امرالله" خصوصیات و صفات انسانی با علم و احاطه فوق بشری(۶) در وجود مبارکش مجتمع و متعدد گشته نظر به همان فضائل و کمالات موهوبی الهی میدانستند که ولی "امر دیگری برای آتیه نخواهد بود لذا امور را بنابر الواح وصایا چنین معین فرمودند که اگر در زمان صعود حضرت شوقی افندی ولی "امرالله" بیت عدل اعظم هنوز تشکیل نشده باشد مجمع ایادی منتخب که در ارض اقدس در خدمت حضرتش هستند موقتاً مرجع امور و حافظ وحدت جامعه بهائی شود و تشکیل بیت العدل عمومی را که جزء اهداف الواح وصایا بوده بسامان رساند، همچنین بحکمت ربّانی مطلع بودند که بنا بر سنت الهی نفوسي بادعای مرکزیت و ولایت قیام خواهند کرد.

گوئیا در علم الهی همواره مقدار چنین بوده که در هر عهد نفوسي بادعای خودسری برخیزند که در دوره قبل مرجع خدمات مهمه بوده‌اند تا ثابت شود که مرکز امر همواره یکی است و همیشه مبرّی از نسبتها و مقامات و روابط ظاهره است و اساس امر بر وحدت کلمه و روش امور بر مشورت در ظل مرکز واحد بنا شده است. اکنون میتوان دریافت که بیان حضرت عبدالبهاء که هیئت نه نفری ایادی "بالاتفاق یا باکثیریت آراء باید غصن منتخب را که ولی "امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند" باین منظور نبوده که مثبت مقام ولی "امر ثانی شود بلکه مانع ادعای مدعيان گردد.

شاید اگر حضرتش در هنگام صدور این دستورالعمل بصر بصیرت عطا میفرمود ممکن بود دریافت که مدّعی و مخالف بیت عدل که تنها مرجع مورد انتظار بود باید از جمع برگزیدگان یعنی ایادی امر الله برخیزد چه که در امر مبارک بعد از ولی "امر در آن ایام"، مقام و مرتبه‌ای اجل و اولی از آن نبود، علی‌الخصوص که همه اغصان ساقط شده بودند. در این باره حتی در قسمت اوّل الواح وصایا اشاره‌ای نیز موجود است که میفرماید "اگر نفسی از ایادی و غیرایادی تمرّد نمود و اشقاد خواست عليه غضب الله و قهره زیرا سبب تفرقی دین الله گردد"

امتحانات الهی که هرگز در آن تعطیلی نیست چارلز میسن ریمی را در این وسوسه چنین آزمود که چون حضرت ولی "امرالله او را بعنوان رئیس شورای بین المللی بهائی برگزیده‌اند و شورای جلیل الشأن مذبور را بعنوان مرحله جنبی بیت عدل اعظم ستوده‌اند و بنا بر الواحوصایا رئیس لاینزعزل بیت عدل ولی "امرالله خواهد بود و بیت عدل نیز طبق وصایای حضرت عبدالبهاء و تمہیدات و ترتیبات حضرت ولی "امرالله قرار است تشکیل گردد پس او باراده ضمنی حضرت شوقي اندی ولی "امر منصوص الهی، بالقوه ولی "امر ثانی است. ناگفته پیداست که توجیه و تفسیر میسن ریمی از لحاظ منطقی ناصوابست.

باتوجهه باینکه میسن ریمی نیز از جمع حضرات ایادی مقیم ارض اقدس بوده حکمت بیان مبارک که ولی "امر ثانی باید بتصدیق مجمع ایادی رسیده باشد واضح میگردد زیرا مشار الیه هرگز چنین ادعائی در مقابل دیگر حضرات ایادی علیهم بهاء الابهی نتوانست کرد که حضرت ولی "امرالله او را برگزیده‌اند چنانچه آنان نیز او را تصدیق ننمودند و لذا عملاً شخص مشار الیه خود نیز باین حقیقت ملزم بود که ادعائی بی پایه و اساس نموده است.

اگر از انتصاب میسن ریمی بریاست شورای بین المللی اراده حضرت ولی "امرالله همان بود که او بعداً ادعا کرد جمع ایادی مسلماً آن حقیقت را کتمان نمیکردد اما حضرات ایادی علیهم بهاء الله بالاتفاق این مسئله را مردود شناختند. سرّ بیان مبارک که "صدق از غیرصدق" معلوم نشود" این نکته است که حتی در این مورد هم که اختلاف نظر باستاند اینکه حضرت عبدالبهاء امکان وجود موافق و مخالف (صدق و غیرصدق) ولی امر ثانی را در الواح وصایا تصریح فرموده و بطور ضمنی آنرا مجاز دانسته‌اند محتمل است، چنین پیش‌آمدی واقع نشد بعبارت اخربنیان موضوع چنان متین بنا شده بود که چنین توجیهاتی هرچند بظاهر فریبنده باشد مقبول اهل نظر نمی‌تواند بود. حضرت ولی "امرالله در توقیعی به یکی از نقوص غربی در بیان این موضوع اشاره میفرمایند که این مطلب نه بمفهومی است که در بادی نظر بتصوّر می‌آید زیرا باعث تصادم اختیارات (Conflict of authority) خواهد بود و این نیز خود شاهد دیگری بر این نکته است که تنها دستور مذبور به جنبه نفی موضوع ناظر بوده و فقط برای ردّ مدعيان بی‌اساس است.

حضرت عبدالبهاء در مورد دیگری نیز ختم دوره اغصان و عدم جلوس ظاهري ولی "امرالله برگرسی" ولایت را به بیان واضح‌تری تصریح فرموده‌اند در لوح خطاب به جناب حاج ملا" علی اکبر ایادی چنین نازل: "قبل از الف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست ولو مقام ولایت باشد" (۳)

باتوجهه به این مقدمات میتوان دریافت که اگرچه مؤسسه ولایت امر در دیانت بهائی ابدی است بنا بر شواهد لطیفه از آثار مبارکه، ولی "امرالله نفس وحید یکتائی بود که جانشین و خلفی نداشت. اینکه حضرت ولی "امرالله میفرمایند "بدون این مؤسسه (ولایت امر) وحدت امرالله در خطر افتاد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی دهور احاطه دارد بالمره بی‌نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنیته منتخbin ضروری است سلب شود" ناظر به این نکته است که "دو مؤسسه نظم اداری حضرت بهاءالله اساسی من عندالله است و وظائf خطیر و ضروری و مرام و مقدسشان مکمل یکدیگر". تعمق در این مطالب دقیقه مارا بین نکته هدایت مینماید که "هدف مشترک و اساسی این

دو مؤسسه آنست که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس مظہر ظہور سرچشمہ گرفته است حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند و بمقتضای زمان قوانین غیرمنصوصه را تشریع نماید" این دو مؤسسه جلیل القدر اگرچه در وظائف مذکوره سهیم و شریکند ولی "هريق منفردا" در حدود اختیارات معینه وظائف خود را انجام میدهد... و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال ننماید... با یکدیگر متناقض نیست و ببیچوچه از مقام و اهمیت دیگری نمی‌کاهد... و نمیتواند به حدود مقدّسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدادی نخواهد نمود".

دققت در این نکات دقیقه که از کتاب مبارک دوربهائی استشهاد شد ما را به حقیقتی رهنمون است و آن کیفیت وجودی مؤسسه ولایت امر و بیت عدل عمومی است وظیفه ولایت امر که حفظ وحدت امر و شمول فیض هدایت و تعیین و تبیین حدود وظائف تقنینیه امناء بیت عدل است بر اساس بیانات و تبیینات حضرت عبدالبهاء در خصوص اساس عقائد اهل بها و صدور منشور نظم بدیع عالم یعنی الواح وصایا و اقدامات حضرت ولی "امرالله" بمنظور استقرار نظم اداری کلاً در طی ۳۶ سال دوره ولایت که متمم عهد مرکز میثاق است تحقق یافت و مؤسسه ولایت امر در ظل هدایت حضرت شوقی افندی به نقطه کمال واصل گردید و جنین نظم بدیع به مرحله‌ای رسید که بیت العدل اعظم الهی تأسیس شد به عبارت اخیر حضرت ولی "امرالله" مقدمات و شرایط تأسیس بیت عدل را ایجاد فرمود و ریاست مقدّسه لایتعزل آنرا بوسیله تبیین آثار و الواح و تشریح و تفکیک و تعیین وظائف آن معهد اکرم احرار فرمود. رکن دوم یعنی بیت عدل عمومی نظر طبیعت استمراری تحوّلات عالم انسانی و تکامل مداوم روحانی بشر مؤسسه‌ای دائمی است زیرا باید "حدود و احکام غیرمنصوصه تشريعی و اداری امر الله" را که شارع اعظم متعمداً در کتاب اقدس نازل نفرموده تکمیل نماید".

در اسلام نیز دو مرجع کتاب و مبین، منصوص بود حضرت بهاءالله در کتاب ایقان میفرماید " نقطه فرقان در آخر امر فرمودند که آنی تارک فیکم الشقلین کتاب الله و عترتی... حجت منحصر شد بدو یکی کتاب و دیگر عترت، عترت که از میان رفته پس منحصر شد به کتاب... ملاحظه فرمائید که همین فرقان را مقرر و مقدار فرموده برای هدایت کل من فی السموات و الأرض" (۷) واقعیت تاریخ حاکی از اینست که دوره عترت یعنی ائمه فقط تا سال صعود امام حسن عسکری ادامه یافت و پس از آن فقط کتاب قرآن رهبر اهل ایمان بود. ائمه اطهار در مدّتی معهود وراث علم و شارح حقائق قرآن بودند و برای اداره جامعه اصول دیگری معین نشده و ترتیب عهد و میثاقی میسر نگشته بود. متمم حدیث یعنی "انهما (کتاب الله و عترتی) لن یفترقا" تأکید و تضمین پیغمبر اکرم از استمرار هدایت الهی در دور اسلام در ظل کتاب و مبین کتاب است و با اینکه دوره تبیین در زمان معین به اراده الهی بپایان رسید مع ذلك ارتباط و پیوستگی این دو رکن هرگز بریده نشد و چنانکه ملاحظه میشود این کیفیت از سنن ثابت است که در دور اسلام نیز سابقه داشته است.

در امر بهائی نظر بحصول قابلیت در عالم انسانی حق به تأسیس مرجعی جلیل چون بیت العدل عمومی بر عالم منت نهاده و آنرا به بشارت "یلمهم ما یشاء" مطمئن و ممتاز فرموده است. در باره روابط مؤسسه ولایت امر الله و بیت العدل اعظم اشارات زیر را میتوان در دور بهائی

زیارت کرد "... دو رکن اساسی الواح وصایای حضرت عبدالبهاء... بیکدیگر متصل و هریک . بشارع آئین و مرکز میثاق مرتبط... این دو مؤسسه لاینفصم ... اختیارات و وظائفشان مکمل یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نوایا همواره متعددند." بیت العدل اعظم نیز مکررا در خصوص کیفیت ارتباط لاینفصم دو مؤسسه تبیین (ولایت امر) و تقنین (بیت العدل) در دستخطهای صادره اشاره و تأکید فرموده است.

در پیام مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ خطاب به یکی از محافل ملی این بیان صادر: "احبّا باید بدانند که بیت العدل عمومی قبل از وضع هر قانون با کمال دقّت و بطور کامل جمیع نصوص مبارکه نازله (الواح مقدسه جمال اقدس ابی و حضرت نقطه اولی و حضرت عبدالبهاء) و توقیعات حضرت شوّقی افندی ربّتانی را در آن خصوص مورد مطالعه قرار میدهد. تبییناتی که بقلم ولی امر محبوب مرقوم گشته شامل موضوعات بسیار وسیعی است و مانند آن نصوص مبارکه واجب الاطاعه است.

نکاتی که مذکور شد بطور کلی از فهم احبتا باراده الٰی و تدبیرات دقیقه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله فی الجمله دور ماند چه که مقتضای حکمت آن بود که تا موعد آن نرسد پرده از این سر مکنون برداشته نشود زیرا هنوز جامعه اهل بها آماده دریافت این رمز و راز نبود. سطوت و قدرت مودوعه در این دو طلعت ملکوتی همه را از درک مقام ممتاز و منحصر بفرد حضرتشان و توجه بآتیه باز میداشت.

با توجه به این حقیقت یکبار دیگر معنی این بیان حضرت بهاءالله بهتر فهمیده میشود: "ولكن قدّرنا ظهور الكلمة و ما قدر فيها بين العباد على مقadir التي قدرت من لدن علیم حکیم و جعلنا حجاب وجهها نفسها و كذلك کنا قادرین و انتها لو نتجلى على العباد بما فيها لن يحملنها احد بل يفرّن عنها كل من في السموات والأرضين".

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "احبّا الٰی و اماء رحمان باید بدانند که در هر حرکت و کلمه‌ئی که از عبدالبهاء صادر حکمتی عظیم موجود اگر چنانچه بنظر غریب آید این از عدم اطلاع بر حکمت آنست".

بزرگترین هدف الواح وصایا تثبیت مقام حضرت ولی امرالله برای آتیه نزدیک و بیت عدل عمومی یا اعظم برای دور بهائی است و در این خصوص انذارات شدیده که حاکی از محرومیت و عدم مقبولیت مخالفان این دو مقام منبع است مکرر شده و بانواع تذکرات تصریح و تأکید گردیده صراحت این بیان مبارک حائز اهمیت مخصوصی است که در لوحی خطاب به جناب ناطق میفرمایند: "در این کور اعظم بیت العدل مرجع، آنچه را که بیت العدل حکم فرماید تکلیف ناس همان است.

به ولی امرالله اختیار مطلق در اداره جامعه، مرجعیت بدون قید و شرط و حق تبیین فریداً وحیداً تفویض شده است. ایادی امر الله در ظل حضرت شوّقی افندی ولی امرالله و در خدمت او هستند و وظیفه آنان تبلیغ و حفظ و صیانت روحانی جامعه بهائی است.

بنابر بیان الواح وصایا بیت عدل عمومی مرجع تشریع و مصدر کل خیر و مصون از خطأ است. اعضای آن می‌باید به انتخاب عمومی اهل بنا از سراسر جهان برگزیده شوند و شرط صلاحیت آنان که باید همواره مورد توجه انتخاب کنندگان باشد آنست که مظہر تقوای الهی - مطلع علم و دانائی - ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند. بیت العدل مسئول احدهی از افراد منتخبین نیست، ملهم از عالم غیب جمال ابھی و مسئول همان ذات کبریائی و مقام الهی و در ظل صیانت و عصمت جمال اقدس ابھی و حضرت رب اعلی است بیت عدل عمومی مرجع کل عالم و وظائف مقدّسه اش تقین قوانین غیر منصوصه، رفع اختلاف و حل مسائل مبهمه است.

۱- لوح حضرت عبدالبهاء - نقل از رحیق مختوم ذیل (فریاد برآورده که مدّعی ظهور جدیدی پیدا شده)

Bályuzi, H.M.'Abdul-Bahá p.60

۳- لوح مبارکی از قلم حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب ایادی امرالله ملا علی اکبر شهمیرزادی در ایام هیئت تفتیشیه صادر شده که از لحاظ مضامین و مطالب به الواح مبارکه وصایا شباخت کلی دارد و در جلد سوّم مکاتیب مبارک صفحه ۴۹۸ چاپ شده است. لوح دیگری نیز خطاب به جناب حاج میرزا محمد تقی ابن خال اکبر نازل که در آن ایشان را باجرای وصایای مبارکه و مراقبت در تشکیل بیت العدل عمومی مأمور میفرمایند. صدور این لوح مبارک در دوره هیئت تفتیشیه بوده و در آن این بیان مبارک نازل که "عبدالبهاء در خطری عظیم" ولی نظر به اراده الهیه و رفع خطر اعداء اجرای مفاد لوح مبارک ضرورت پیدا نکرد.

۴- خاطرات Dr. J. Fallscheer - نقل در گوهر یکتا ص ۱۹

World Order of Bahá'u'lláh p. 4 - ۵

۶- در این قسمت در متن ترجمه موجود دوربهائی تغییری بکار رفته و بجای " خصائل و کمالات الهی " علم و احاطه فوق بشری آمده است. اگرچه ترجمه منتشر رساله مبارک مزبور در کمال اصالت و لطافت و زیبائی است معذک تغییر فوق باین جهت بکار رفت تا بیان مبارک که است وضوح روشنتری داشته باشد. superhuman knowledge and perfection

۷- از احادیث مقبول الطرفین است که " انتی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی و انتها لن یفترقا حتی یردا علی "الحوض". این حدیث را بالفاظ متفاوت و مفهوم واحد در کتب معتبره شیعه و سنّی نقل کرده‌اند - برای اطلاع بیشتر میتوان به کتاب الغدیر تألیف علامه عبدالحسین احمد الامینی النجفی مراجعه کرد.

مراجع مطالعه:

۱- دوربهائی Dispensation of Bahá'u'lláh

Bályuzi, H.M. 'Abdul Bahá. -۲

۳- فیضی ، محمد علی - حضرت عبدالبهاء

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHÁ'Í WORLD CENTRE

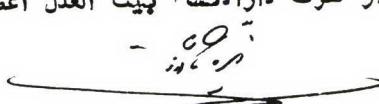
Department of the Secretariat

۱۴۶ ۱۱ شهربانی

۱۹۹۰ ژانویه ۲۹

هیئت مجله تحریریه مجله عدلیب
دامت تائیداتها

حسب الامر معهد اعلى موادی از دو مکتوب جناب ابوالفضل به تاریخ
۲۶ جمادی الاخری و ۲۵ ربیع الاول ۱۲۲۱ ه ق پرای آن هیئت مجله بواسطه زائر
اعتاب مقدسه جناب دکتر منصور ریاضی ارسال میگردد تا لذی الاقتناء در آن مجله
شریف طبع فرمایند. برای اصلاح خواسته‌گان مجله شرحی مختصر در پاره این
دو مکتوب نیز نوشته شده که آن هم ضمیمه میباشد.

با تقدیم تحيّات
از طرف دارالاثاء بیت العدل اعظم


مقدمه

دو مکتوب ذیل از جناب آقا میرزا ابوالفضل گلپایگانی در خصوص واقعه دوم شهادی یزد
است که معمولاً بنام ضوحاً یزد در تاریخ از آن نام پرده شده است.
شرح مقدمات وقایعی که باعث پرور این حادثه حزنگیز گردید در این مختصر میسر
نیست. این فاجعه از شانزدهم ربیع الاول ۱۲۲۱ قمری (۱۲ چون ۱۹۰۲) آغاز گردید و
تا پیست و سوم ربیع الثانی امتداد یافت و با شهادت عده زیادی از احبابی یزد و نقاط
مجاورة آن از جمله تفت و اردکان و منشاد و هنزا و عزآباد و پنادک پایان یافت. خاندانها

متلاشی گردید و زنان و اطفال بی مسر و سامان شدند و نفوس بسیاری مجبور به ترک وطن و زندگی گشتند و مردم جامل که به طمع مال و مثال پهیجان آمده بودند خانه‌ها را غارت کردند و آنچه را نتوانستند پنهان نهادند و خایم و بی‌ارزش ساختند.

جناب ابوالفضائل ثامن اول را دو ماه و دومی را سه ماه بعد از واقعه یزد مرتقب داشته‌اند. جنابش در آن ایام ساکن امریکا و در آن سرزمین وسیع مشغول نشر نفحات پوده است. فحوای مطالب پنوعی است که معلوم میدارد این دو ثامن به ارض اقدس و یا نواحی مجاوره نوشته شده است ولی مخاطب دقیقاً معلوم نیست. از اینکه ذکر نمره‌گذاری مراسلات شده معلوم می‌شود به یک شخص و احتمالاً جناب حاج سید تقی مشادی است. مشار الیه حسب الامر حضرت عبدالبهاء مأمور وصول و ایصال مراسلات و ساکن پورتسعید بوده و نظر به وسعت و کثرت مراسلات آنها را با ردیف و شماره مشخص مینموده است.

در خاتمه مکتوب اول ذکری از جناب خان و کتاب حجج‌البهیه شده، مقصود از جناب خان علیقلی خان نبیل‌الدوله است و کتاب حجج‌البهیه از تألیفات جناب ابوالفضائل است که تحت عنوان The Bahá'í Proofs توسط جناب نبیل‌الدوله به انگلیسی ترجمه شده است.

دو مطلب در این مراسلات حائز اهمیت مخصوصی است یکی وسعت و احاطه نظر جناب ابوالفضائل در باره اهمیت وقوع شهادتها و بیانات پر جامعه احباب و تجلیل و ستایشی که معظّم له نسبت به مراتب روحانی شهاده‌فی سبیل الله ابراز می‌فرموده و نتایج و ثمرات روحانیّه‌ای که از آن یاد نموده است. دوم مراتب خلوص و اشتیاق ایشان به قربانی و اتفاق جان در سبیل امر جانان همچنانکه دیگر شئون را فدا فرموده بود چه که جناب ابوالفضائل را با معه کمالات و معارف خلقی و اکتسابی که در ظل کلمه الهیه حاصل شده بود فرستهای پهزرگ در پیش بود که در مجتمع و معاهد علمی از جمله جامع الزهر به متقامات عالیه فرهنگی ارتقاء یابد و در صفت پیشروان علم و ادب نشیند و از شئون ظاهره سهمی فراوان حاصل کند. با اینهمه خدمت و پندگی آستان را بر مقامات و موقعیت‌های ظاهره اختیار فرمود و پكمال قدرت و شهامت در عین مادگی و بساطت به عبودیت امر الهی پرداخت و به مقامی رسید که حضرت عبدالبهاء در حق او فرمودند "احباب باید در زندگی میرزا ابوالفضائل را مثل اعلی خود قرار دهند".

مراجع مطالعه: لوح حضرت عبدالبهاء در باره وقایم یزد:

مکاتیب جلد سوم، ص. ۱۴۶ - ۱۲۲.

زندگانی میرزا ابوالفضل گلپایگانی، تألیف روح‌الله مهرابخانی نشر دوم.

تاریخ شهدای یزد، تألیف جناب حاج محمد طاهر مالمیری.

روحی للطافک الفداء بعد الحمد لله القدس الابهی و الثناء على حضرت من طاف حوله الاسماء عرض میشود که پس از مراجعت از گرین عکا در نظر بود که وقایع این خطا را کما ینبیغی معروض دارد ولی از سوء حق از یوم ورود پوششطون الى حال مجدداً به توبه مبتلا شده الى حال دو سهل نمک فرنگی هم صرف شده است ولی بوجهی اثر صحت ظاهر نیست تا حق جل جلاله چه اراده فرموده باشد. حال مقصود از عرض این صفحه این است که لااقل وصول مراسلات شریفه آنحضرت را عرض نموده باشد تا بعد آنچه به اراده الله پیش آید از صحت و ستم و فوت و حیات لایام به. مراسلات آنحضرت تا نمره ۱۶ متواتراً وصول یافته و از محتویاتش اطلاع حاصل شده در خصوص مصائب وارده بر احباب الله در ایران اگرچه فوق سبر و سکون است ولکن از جهتی دیگر ملاحظه فرمائید که دلیل بر شدت علو امر مبارکت در سنه ۱۲۰۹ که هفت نفس را در یزد پدرجه شهادت رسائیدند فدوی از سمرقند به بخارا خدمت حضرت حاجی میرزا محمود افنان روحی فداء معروض داشت که این کمال افتخار احباب الله یزد است و دلیل بر علو امر الله که یکدفعه هفت نفس مقدم جان فدا میکنند، حال ملاحظه فرمایند که هفت نفس کجا و مفتاد نفس کجا یا لیت کنت معهم و افزوی بفوزهم و افدى بپنی و روحی لاستقامتهم و اشتعالهم. باری قسم بر ب العزّ ابداً چشم قوت رویت و ادام قوت تحریر ندارد لذا از تفصیل معترض میطلبید رجا آنکه از قبل این فانی لاشی در محضر القدس اطهر حضرت عبدالبهاء روحی و ذاتی و کینونتی لتراب اقدام احبابه الفدا عرض رقیت و عبودیت معروض دارید و عرض کنید که یا غایة املنا چه میشد اگر از این جامی که در یزد به دوستان عطا فرمودی رشحه نیز باین لاشی معدوم عطا میفرمودی، تعالی لیس هذا بعزيز من الطافک و مواهیک اسأل الله تعالى ان يجعلنا اهلاً لهذا المقام الاعلى. از صعود حضرت زین المقربین روحی لصفاته الفدا الم بر الم و حزن بر حزن افزود حشرنا الله تعالی بفضله من احبابه الثابتین و اولیائه الرأسخین زیاده چه معروض دارد ادام الله تعالی ایام عزکم و مجدکم بهمنه و جوده و احسانه والسلام.

في ٢٦ شهر جمادی الآخری ١٤٢١

ابوالفضل

یا حبیبی و سیدی رجا آنکه این فانی را از دعا فراموش فرمائید ادام الله عزکم.
ابوالفضل

مجدداً عرض می شود که چون در گرین عکا نفووس عدیده از اهالی پستن در مجالس حاضر میشند و کثیری از ایشان کتب حجج البهیه را خریدند لذا جناب خان صلاح دانستند که در پستن توقف نمایند شاید انشاء الله تعالی از پیزوری که کشته شده است پوستان جدیدی ترتیب داده شود ولی جناب آقا میرزا احمد با فدوی مستند و مشغول زحمات فانی رجا آنکه از محضر مبارک برای جناب خان و جناب آقا میرزا احمد و این لاشی تأیید و توفیق طلب فرمائید.

ابوالفضل

روحی للطافک الفدا، بعد حمد الله و الثناء على مطلع میثاق الله عرض میشود که مدّتی است که نقل و انتقال و امراض نگذاشته است که فدوی لااقل رسول ارقام آن حضرت را معروض دارد ولی حق جل جلاله شاهد است که از کمال و تمیلی نیست بل از عدم امکان است. در هر صورت رقیمه کریمه مورخه ۲۷ جمادی الثاني آن حضرت در تمره ۱۹ در یوم دو شنبه ۲۱ شهر ربیع ثیره ۱۷ و ۱۸ و كذلك الواح مقدسه و سواد الواح مقدسه که مرحمت فرموده ارواحنا له الفدا که اعظم آمال است غایت سور و حبیور روی داد و مراسلات سابقه پر آن هم تقریباً ثیره ۱۷ و ۱۸ و گشت از حوادث شرق اگرچه فوق حد التقریر از مرحمت و عنایت آن حضرت ارسال داشته بودند تماماً رسول یافت و فوق حد التقریر از مرحمت و عنایت آن حضرت امتنان و تشکر حاصل گشت از حوادث شرق اگرچه فوق حد صبر و سکون است معدنک دلتنه کشید کل اینها برآمین عظمت و قوت و سطوت کلمه الهیه است عما قریب خواهید دید که از اثر همین دماء مقدسه چگونه انوار امر الله ساطع شود و جمیع آفاق شرق و غرب را منور فرماید. خیال میرسد که سابقتاً هم خدمت آن حضرت عرض نموده باشم که در سفر اول در ایامی که در محضر مبارک مشرف بودیم یومی ذکری از الواح مبارکه در میان آمد که بمحبب عدم فرست شرح آن ممکن نیست فرمودند عما قریب نمودی امر تبلیغ درگیرد که فرست نوشتن لوح نمائند فدوی معروض داشت که بهمین زودی فرمودند بهمین زودی، خلاصه فدوی حال ۲۸ سال است که به امر مبارک مشرف است چندین مرتبه ملاحظه نمود که هر وقت شهادتی روی داد و یا حبس اولیای الهی و قوع یافت پر مراتب اشتعال احباء الله و میل اغیار به استماع کلمة الله افزود و اقبال نام به امر الله زیادتر شد. فدایت شوم امر کوچکی نیست که در یک شهر مدد و هفتاد نفس شربت شهادت نوشند غایت افتخار دوستان یزد است که این مقدار از نفوس از میان ایشان به مقام اعلی نائل شدید و موجب نضرت و طراوت سده امر الله گشته است. مکتوب مولای حقیقی و پدر روحانی حضرت حاجی میرزا حیدر علی روحی فداء هم رسول یافت و زیارت شد انشاء الله تعالی چواب عرض خواهد شد. حال احباب الله در این پلاس بسیار خوبست و البته مشتعلاند زیاده چه معروض دارد رجا آنکه خدمت جمیع دوستان از قبل فائی عرض خلوص ارادت و رقیقت ابلاغ فرمائید ادام تعالی تأییداتکم.

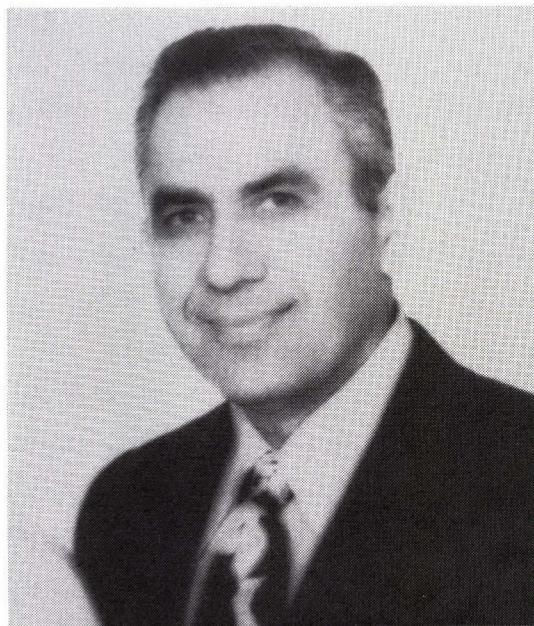
فى ۲۵ شهر ربیع ۱۴۲۱

ابوالفضل



تاریخ زرین شهادت

شید محمد حبیب اللہ تحقیقی علیہ رضوان اللہ



چندین بار باو تهمت جاسوسی زدند ولی چون کارمندی باسابقه ولایق و در کارش ماهر وجدی بود و رؤسایش از او کمال رضایت را داشتند این تهمتها چندان مؤثر واقع نشد اما عضویت او در محفل روحانی تبریز و خدمات امیریش و همچنین عضویت خانم ایشان در محفل باسمت منشی و سایر فعالیت‌های امری آنان سبب شد که در یکی از روزهای آبانماه ۱۳۵۹ پاسداران انقلاب اسلامی بمنزل ایشان هجوم آورده و آنچه که اوراق و مدارک امری بدست آوردند با خود برندند. پس از این اتفاق دوستانش باو میگفتند که مأمورین آرام نخواهند نشست و دیر یا زود برای دستگیری شما خواهند آمد لهذا بهتر است تغییر محل بدهید ولی نامبرده با کمال خونسردی به کار خود ادامه داده و ابدًا ترس و واهمه ئی بخود راه نمیداد و در پاسخ دوستان با همان لبخند و قبسم شیرین که همواره بر لب داشت پاسخ میداد که هرچه اراده الهی باشد همان واقع خواهد شد. این وضع با تفنهای تهدید آمیزی که گه گاه بانها میشد ادامه داشت و آنان متوكلاً علی الله بزندگی خود مشغول بودند. جناب تحقیقی در نوروز سال ۱۳۶۰

جناب حبیب اللہ تحقیقی فرزند حسین و مادرشان سلطان در سال ۱۳۰۶ شمسی در شهر یزد متولد شد پدر ایشان دارای کسب و تجارت مختصراً بود که چون توفیقی در زمینه کسب و کار بدست نیاورد لهذا با خانواده خود و چهار فرزند که حبیب اللہ اولاد ارشد ذکور خانواده بود باهواز مسافت نموده و در آن شهر ساکن شد. حبیب اللہ در آنجا بمدرسه رفت و مراحل ابتدائی و متوسطه را ببیان رسانده و چون علاقه وافری به تحصیل علوم داشت بدانشکده نفت در آبادان وارد و پس از اتمام دوره تحصیلی دو سال نیز برای دوره تكمیلی و تخصصی از طرف شرکت نفت به انگلستان اعزام و در مراجعت در پالایشگاه آبادان بکار گمارده شد . در نوروز سال ۱۳۳۵ در حالیکه ۲۹ سال از عمرش میگذشت با دوشیزه منیزه هویدائی فرزند علاءالدین و مليحه خانم ازدواج نموده و حاصل این ازدواج دو فرزند ذکور بنامهای سیروس و کورش میباشد که هم اکثرون در شهر فیلadelفیا پنسیلوانیا (ایالات متحده) مشغول تحصیل میباشند. نامبرده در سال ۱۳۴۶ شمسی از طرف شرکت نفت به پالایشگاه شهر ری نزدیکی طهران منتقل گردید و مدت ده سال در آنجا بخدمت مشغول بود و سپس در سال ۱۳۵۶ برای بکارانداختن پالایشگاه نفت تبریز با آن شهر بلانگیز اعزام گردید و چون مسئولیت قسمتی از پالایشگاه تبریز را بایشان محول نموده بودند همیشه وظایفش را بعنوان احسن انجام میداد بطوریکه مورد تقدیر روساء و باعث حسادت حاسدین شده بود تا آنجا که بعد از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی

همان سال بود یکی از احبابی تبریز با تلفن اطلاع میدهد که ایشان از زندان انفرادی بزندان عمومی انتقال یافته و امکان ملاقات موجود است که والدین جناب تحقیقی فوراً عازم تبریز شده و این بار بملقات فرزندشان نائل میگردند و بطوریکه آنان تعریف میگردند روحیه جناب تحقیقی بسیار قوی و ظاهراً شاد و لبخند همیشگی بر لبانش نقش بسته و ابداً تغییری در وضع ظاهری او دیده نمیشده و از سخنانش معلوم بوده که راضی برضای الهی و شاکر درگاه جمال اقدس ابھی است. این ملاقات بیش از چند دقیقه نبوده و والدین پس از مراجعت به طهران جریان ملاقات و استقامت و ایمان و تسليم و رضای ایشان را برای منیژه خانم و سایرین تعریف میکنند. صبح روز چهارشنبه سوم مردادماه ۱۳۶۰ شمسی ازتبریز اطلاع میدهند که حبیب الله تحقیقی ساعت ۱۱ شب قبل پس از یک رشته محاکمات محکوم پمرگ شده و حکم اعدام در باره ایشان اجرا گردیده.

جناب تحقیقی مرد مظلوم و آرامی که در زندگی هرگز کسی را نیازد و جز خدمت بجماعه و امرالله هدف و مقصدی نداشت در حالیکه ۵۳ سال و ۹ ماه از سنش میگذشت در مقابل جوخه آتش قرار گرفت و شربت شهادت نوشید و بملکوت ابھی شتافت.

همسر مهربانش این واقعه را با تمام قوت قلب و ایمان آنچنان تحمل نموده بود که حتی یک قطه اشک هم از دیدگانش جاری نشد. در تماس تلفنی که این عبد از آمریکا با مشارالیها گرفت و بنامبرده تسليت گفت و قوت قلب داد و این مکالمه حدود ۱۵ دقیقه بطول انجامید کوچکترین لرزش و یا گرفتگی صدا در وی احساس نشد بلکه اظهار داشت که من این واقعه را پیش بینی میگردم و اکنون که مشیت الهی حبیب را بافتحار شهادت در راه امرش مباری نموده منهنم بآن افتحار میگتم و شرمنده هستم که چرا لیاقت شهادت با او را

شمسی بدفتر کارگزینی شرکت نفت تبریز احضار و حکم بازنشستگی او را بدستش دادند که این موضوع باشرایط سن و سالهای خدمت و احتیاج مبمری که موجود ایشان در پالایشگاه تبریز بود غیرمنتظره و زنگ خطری برای دستگیری آنان بود. بهر حال چون مقارن عید نوروز بود تصمیم میگیرند که برای گذراندن ایام نوروز و دیدار والدین و دوستانشان عازم طهران شوند، روز دوم نوروز ۱۳۶۰ وارد طهران میشوند و پس از گذراندن ۱۳ نوروز با وجود اصرار والدین و دوستان که در طهران بمانند به تبریز مراجعت مینمایند یکروز پس از ورود ایشان به تبریز پاسداران انقلاب اسلامی بمنزل هجوم آورده و در حالیکه همسرشان منیژه خانم برای خرید ارزاق از منزل خارج شده بودند جناب تحقیقی را دستگیر و با خود میبرند و چند نفر از پاسداران در منزل کمین میکنند که خانم ایشان را نیز بمحض ورود دستگیر کنند همسایه ها که از این ماجرا باخبر شده بودند با وجود اینکه همگی مسلمان بودند ولی چون همواره مورد مهر و محبت این خانواده قرار میگرفتند بفکر نجات منیژه خانم میافتدند و یکی از آنها که بیشتر با این خانواده دوست و نزدیک بوده سر کوچه میایستد و بمحض اینکه مشارالیها ظاهر میشود موقع را اطلاع داده و او را با خود بمنزل خودشان برده و شبانه ترتیب مسافرت ایشان را به طهران میدهند در حالکه هنوز پاسداران در منزل در کمین برای دستگیری بوده اند.

جناب تحقیقی بمدت دو ماه در تبریز در زندان انفرادی و منوع الملاقات بود و کسی از فامیرده اطلاع نداشت والدینش در طهران بقصد ملاقات ایشان عازم تبریز میشوند ولی متأسفانه هر چه کوشش مینمایند موفق به ملاقات پسرشان نمیشوند. مقامات زندان میگویند خانمش باید باینجا بپاید و هردو باهم محاکمه شوند. ناچار والدین با دلی اکنده از غم و اندوه رهسپار طهران میگردند. پس از مدتی که او است تیرماه

یکی از دوستان غیر بهائی جوانی را به بنده معرفی کرد و اظهار داشت که ایشان از محصلین اعزامی با ایگلستان و اخیراً برای ادامه خدمت در پالایشگاه مراجعت نموده اند. آراستگی و وقار و حسن خلق و رفتار این جوان چنان در بنده تأثیر نمود که در دل آرزو کردم ایکاش او هم بهائی بود و میتوانستم از معاشرت و مجالستش بهره مند گردم. چند روز بعد که در احتجال جوانان شرکت نموده بودم بعنتاً چشمم با ایشان افتاد با خوشحالی زاید الوصفی بملاقاتش شتافتم برای هر دوی ما عجیب و غیرمنتظره بود یکدیگر را در آغوش فشدیم و من از اینکه بآرزویم رسیده بودم جمال مبارک را شکر نمودم. بعداً که بیشتر در تشکیلات امری با آن شهید مجید آشنا و مجالس شدم بیشتر با خلق و ملکات فاضله او بی بردم. چهره خندان و اخلاق بهائی او را هرگز از یاد نخواهم برد.

روانش شاد.

نداشتم الحمد لله که حبیب عاقبت بخیر شد و تاجی بر سر گذاشت که در زندگی نصیب همه کس نمیشود. والدین حبیب پس از وصول خبر شهادت به تبریز عزیمت نموده و جسد نامبرده را تحويل و در گلستان جاوید همان شهر دفن نمودند. شرح حال و شهادت جناب حبیب الله تحقیقی چندی پس از وقوع شهادت از طرف جناب محمد علی فیضی ناشر نفحات الله به عندلیب واصل گردید که چون عکس هماره نوشته‌مزبور نبودزا در بایگانی عندلیب در قسمت انتظار ضبط شد تا اینکه اخیراً جناب حمام الدین هویدائی ساکن شیکاگو برادر خانم آن شهید مجید یک قطعه عکس بضمیمه شرح مختصری فرستادند و نگارنده که مأمور تنظیم و تلخیص این دو نوشته بود چون در گذشته افتخار همکاری با آن روح پاک را از دوران خدمت در شرکت نفت آبادان داشت اضافه میکند که در سالهای ۴۹ - ۱۹۴۸ میلادی که تازه با استخدام شرکت نفت در آمده بودم روزی

دلدادگان حلبخانه ایران (از جنبه های مختلف آن)

بسر بر آن روز لک شد تو بجه	نژن لطف تو و آیت صغر تو بجه
ز آن بان شکر خد عذر تو بجه	در گرچه شکوه ز در در نکم در نش
چرا مر طلب پر طاز دیگه تو بجه	طپید قفسه سینه مرغ دل هم در
هر بار عدم گیور شکر تو بجه	در مر شک فشان شد نه لذت
چو س یه موش و هر آه پا پار تو بجه	بیا هم این دل هر حالم زر عشق
به لام من چنین آن هم بی هر تو بجه	بزرم عشق اگر آسمان حرام بجه
تین معادر اند نه لام نز تو بجه	ولم ز غیر تو حالم و پر ز غممه عشق
ه بار آن اور پیقت مر تو بجه	ملا چشم و هر سر ز شر ت عن عمر
	اگر ه رفت سر د جان به عشق بجا
	بیا چشم لست پایه خوب بخواه تو بجه

خا مُشی

<p>وقار است و نا اهل را پرده پوش بوقت گفتن گفتن بوقت خاموشی</p> <p>در دیده ندیدی چو گل پیش هن <small>سعدي</small> گرچه آنجا جمه عضا حاشم ماید بود و گوش</p> <p>ما سخن داشته گوای مرد بخودان خیوش زبان رازگفتم رخامش کند <small>حافظ</small></p> <p>کرشان آتشت بهره بخزد و دغست <small>فردوسي</small> پشیان گنست از خوشی کسی <small>ایم خسرو وحشی</small></p> <p>در سخن گنگی به از سخن گفتن <small>سنای</small> تاخوانست مرد همیچ <small>مودودی</small></p> <p>آدمی محظی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان</p> <p>مولوی</p>	<p>توران خامشی ای خداوند ہوش دو چیز طیر عقدت دم فربختن</p> <p>چوغنجه گرت بسته بودی ڈن در حرم عشق نوان زدم اگفت دشید</p> <p>بر بساط نهتہ دنان خود فرسو شی سرطانیت هر آنکس که داش فرامش کند</p> <p>گوی آن سخن کا مذرو سو غست پشیان گرفت ارادیدم بسی</p> <p>در سخن ذرا بایدست سفنت تا پرست مکوازه پیچ باب</p>
---	--

بُحْر طُولِ در بارهِ عَيْدِ اعْظَمِ رَضْوان

«از حباب میرزا محمد ناطق علیہ رضوان ہے»

آمد از غیب بقا شمس جمال احدي ، طلعت وجه صمدی، مخزن فیض ابدی، حضرت موعود امم، مشرق اسرار قدم ، منزل آیات هدی، مطلع انوار خدا ، پیوه صباؤت ، همان جلوه گرطور و همان بارقه نور و شده ارض و سماء تازه و عالم پراز آوازه و هم زینت کرمل شد و هم شوکت لبنان شد وهم ارض مقدس بصفا آمد و صهیون بنشاط آمد و آمد آب جاوید، همان صاحب باقی که در انجیل بیان کرده به تمثیل که باغض برگرفتند و رسولانش براندند و یکانه پسرش را سردار کشیدند کنون مالک باغ آمده خود بھر تصرف که زبیگانه بدست آرد و آن باغ بیاراید و اشجار ببار آرد و امروز همان است و همان وعده عیان است که منصوص بتورات و به انجیل و بقرآن فصیح است و همان نور مسیح است، همان صاحب تاک است، همان گوهر پاک است، همان مالک دین است، همان حق مبین است که آورده بصد وعده وفا را.

مزده ای فرقه عشاقد که هنگام وصال است نه ایام ملک است . زاندوه برآئید و سوی عیش گرائید که ان دلبر دلچوی دلارا که نهان بود از انتظار و خفی بود ز افکار و بسی در طلبش جامه دریدند و سحر آه کشیدند و از او نام و نشان هیچ تدیدند و بصد مهر و وفا از کرم و لطف و صفا پرده پرانداخته از عارض و در دایره جمع، شده شمع و بصد جلوه عیان است و به عاشق نگران است و هزاران ز محبان وفا دار سویش رخت کشیدند و دل از خویش بریدند و به مقصود رسیدند و کنون مرحله ماست که از جان بشتابیم و ره دوست بیائیم و گل وصل بچیم و رخ یار ببینیم و در آن بزم نشینیم و به میخانه وحدت زکفش جام بنوشیم و در آن روضه وصل ابدی راه بپوشیم و بهم راز بگوئیم و از آن نعمه جان بخش وز العان روان بخش دلی قازه نمائیم و زدل زنگ دوئیت بزدائیم و در صلح و محبت بکشائیم که خود داده صلا شاه و گدا را.

شعر بمناسبت عید سعید رضوان

نور پاش است یا اولی الباب
ظاهران یار بی حجاب و نقاب
روز وصل است و شادی احباب
نم نمک قطره ها چکد زسحاب
بادصبح است در ایاب و ذهاب
زاله گلزار را کند شاداب
ارمغان هوا است بوی گلاب
بارش از ابرو و جویها پر آب
دلربائی کند رشیخ وزشاب
چشم شهابی نرگس است بخواب
پرده برداشته دریده حجاب

روز عید است و شمس عالمتاب
روز عیش است و موسم شادی
ماه اردی پشت و موسم گل
از سحاب عنایت یزدان
زینت باغ نرگس و نسرین
بلبلان نعمه خوان بوقت سحر
از شمیم هزار خرمن گل
از صبا غمze از درختان رقص
برلب جوی خیری و ختمی
باغ پر لاله و پر از سنبل
غنجه گل هم از نسیم سحر

می دمد سیزه تازه و سیرآب
 قدسیان میزند چنگ و رباب
 زانکه دلدار داده "اذن ایاب"
 قاب داده، نموده دل بی قاب
 هر سحر میبرد، صبا اطیاب
 به به ازاین نشاط دور شباب
 پای کوبند جمله این اصحاب
 فارغند عارفان رزرب شراب
 در شب قار با رخ مهتاب
 ساقیا ساغرت پر از می ثاب
 گفته با مردمان برسم خطاب
 هادی کل منم براه صواب
 کور چشم است کافر مرتاب
 مقصدش او بود بنص کتاب
 اوست ربّ و خلائقند تراب
 اوست محبوب جمله احباب
 اوست دانا مسبب الاسباب
 گر بمیرد بغیط زاغ و غراب
 زمزم معرضان طنین ذباب
 که پرون است از شمار حساب
 ملتجي گشته ایم برآن باب
 تو بتائید خود گشا ابواب
 تشکانیم و روی مابر اباب
 که یقین است اصل استصحاب
 تو رهائی به بخش از این غرقاب
 سنگ خارا کند دُر نایاب
 صاف و پاکیزه عاری، از گرداب
 بحر رحمت نباشدش پایاب
 غوطه ور شو بپر و گوهر، یاب
 عمرها بگذرد چو تیر شهاب
 بین این دو، تو حال را دریاب
 با سروسینه و قدم بشتاب
 ما دگر خاطی و برى ز ثواب
 باد فرخنده برهمه احباب

میچمد سرو، میخرامد بید
 نشنیدی که در چنین روزی
 که بهاری دگر پدید آمد
 گیسوان سیاه مشکینش
 هم زگیسوی عنبرین بویش
 به به از این بهار روح افزا
 دوستان جمع و مجلس آرایند
 از شراب وصال سر مستند
 محفل عاشقان مزین باد
 مطربا پرده ای زنو بنواز
 روز وصل است و یار نادیده
 که منم مظہر جلال خدا
 مقبلانند عاشق دیدار
 آچه فرموده نقطه اولی
 که "پھاء اللہ است من يظهر"
 اوست معبد عالم و آدم
 اوست مالک جهانیان مملوک
 عندبیان گلشنش خشنود
 بلبلان مست این گل حمرا
 فضل و احسان او همی دانیم
 یا بھا بندہ ضعیف توام
 ما عجز و نیاز آمدہ ایم
 تو بنوشان، زجام احسان
 بهمه حال بخششت شامل
 ما که واما نده ایم و غرق هوس
 زانکه دانم نسیم رحمت تو
 دوستان بحر رحمت است بموج
 رو ببحر عنایتش آرید
 در عبودیت است رحمت او
 پر بھا فرصتی است هر دم عمر
 رفت دیروز و نیست فردائی
 بھر اجرای امر بیت العدل
 اوست ملهم بھرچه فرما پید
 عید رضوان و عید گل امروز

تورانتو رضوان ۱۴۷ بدیع

فانی روح الله مدیر مسیحائی

«از جا ب دکتر ماشا آمده مرشّف زاده»

اختتام ولاست امرالله «قسمت دوم»

پاسخ مخصوص اجها

میباشد بطوریکه هیچ یک قادر نیستند که ادعای نمایند کاملاً بحکم موبدعه آن پی برده و باسرار مکنونه بصیر شده باشند نسل آتهه مهتواند قیمت و اهمیت این شاهکار الهی را که ید قدرت خلائق آن برای نصرت و غلبه امر اطہرش در عالم ایجاد نموده استنبط کند فقط نفوosi که پس از ما پا بعرصه وجود میکذارند درک خواهند کرد که چه حکم عجیبه و اسرار غریبیه ای در تشکیلیت العدل و ولاست امر موجود است.

نقل از مائدۀ آسمانی جلد ششم باب دوم ردیف
ب - ترجمه

قبل از ورود در هرگونه اظهار نظر باید این حقیقت اساسی را بخاطر بیاوریم که در امر مبارک هر گونه تعبیر و تفسیر و تأویل نصوص صریحاً منوع گردیده که علت آن نیز محض حفظ و صیانت امر مبارک و اتکاء بوحدت کلمه و جلوگیری از تشیت و اختلاف آراء است.

حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی میفرمایند: آیاکم یاقوم ان تحرروا کلمات الله عن مواضعها ان اشهدوا بما شهد الله ثم کونوا اخواناً على سُرُرِ متقابلين ان اتحدوا على شَانِ لایجدد بینکم روابط الاختلاف و باتحادکم يظهر امرالله بين بربته و تثبت آثاره بين عباده و تبرهن انواره بين العالمين. اميد چنانست که کل بكلمه جامعه مجتمع شده بذکر و ثنای حق مشغول شوند و بكمال انقطاع در ارض ظاهر گردند و بشأنی بنار حب الهی مشتعل شوند که کل

قبلاً بایستی این نکته اساسی را یادآور شد که یک فرد بهائی اساساً بمظہریت حضرت بهاءالله و مقام مبینیت حضرت عبدالبهاء و ولاست حضرت ولی امرالله معتقد است و بالنتیجه حضرت بهاءالله را دارای عصمت کبری و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله را دارای عصمت فائضه میداند. بعبارة اخري یک فرد مؤمن بهائی این سه وجود مقدس را عالم باسرار و مصون از خطأ میداند.

بنابراین اعتقاد راسخ ما بهائیان اینست که حضرت عبدالبهاء میدانستند که حضرت شوقي افندی دارای فرزندی نخواهند بود و حضرت شوقي افندی نیز میدانستند که اولین و آخرین ولی امر بهائی میباشند. پس باید اولاً معتقد شویم که آنچه را که حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا فرموده اند و بعداً بحسب ظاهر مصداق و مورد پیدا نکرده صرفاً محض حکمت‌های بالغه الهیه بوده و ثانیاً با استفاده از سائر نصوص مبارکه باید تحقیق نموده و ببینیم آیا بقدر وسع و استعداد خود در حال حاضر میتوانیم عل و موجبات قانع کننده‌ای برای نزول آن نصوص بیابیم. بدینی است که هرچه از نظر زمانی از وقایع بعد از صعود مبارک دور تر شویم آن عل و موجبات برای ما روشن تر خواهد گردید بطوری که این مطلب برای نسلهای آتیه حل شده خواهد بود. حضرت ولی امرالله در توقيع مبارک ۷ فوريه ۱۹۲۹ خطاب بمحلل روحاني ملی آمريكا میفرماید: "ابناه عصر حاضر زماناً بسيار نزديك باين اسناد و الواح و مؤسسات

سؤال کنند. این است حکم فاصل". مکاتیب مبارک جلد سوم صفحه ۰۳۳ پس از توجه بنصوص مبارکه فوق الواح مبارکه وصایا را زیارت میکنیم تا ببینیم چه قسمتهایی از آن صحیفه مبارکه بحسب ظاهراجرایش ممکن نگردیده است بقرار ذیل الف - "و من بعده بکراً بعدیکر یعنی در سلاه او": ب - "باید ولی امرالله در زمان حیات خویش من هویشه را تعیین نماید". ج - "ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند... و این نه نفر یا بالاتفاق یا باکثیرت آراء باید غصن منتخب را که ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدق و غیر مصدق معلوم نشود". د - "ولی امرالله رئیس مقدس این مجلس (بیت العدل اعظم) و عضو اعظم ممتاز لایتعزل واکر در اجتماعات بالذات حاضر نشود نائب و وکیلی تعیین فرماید واکر چنانچه عضوی از اعضاء گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود ولی امرالله صلاحیت اخراج او را دارد بعد ملت شخص دیگر انتخاب نماید" حال ببینیم اگر بالفرض حضرت شوقي ربائی ارواحنا فداء فرزند ذکوری داشتند و اورا بولایت امر منصوب میفرمودند چه اشکالاتی ایجاد میشد. اولاً آن غصن میباشد توسط مجمع ایادی تصدیق شود و با در نظر گرفتن نص "اعضاء بیت عدل و جمیع اغصان و افتان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع رابه ولی امرالله داشته باشند اگر چنانچه نفسی مخالفت نمود مخالفت بحق کرده و سبب تشییت امرالله شود". لابد غصن مذبور مورد تصدیق همه اعضاء قرار میگرفت در اینصورت تصدیق معنی واقعی نمیتوانست داشته باشد و بنابراین تصدیق لزومی نداشت. و ثانیاً اگر یک یا چند نفر از

بحرات آن مشتعل شده بشطر قدس ناظر گردند و آنچه از آیات الهی ادرارک نشود از معدن و مبداء آن سؤال نمایند مقصود از این کلمه آن که مبادا در معنی کلمات ما بین احباء الهی اختلاف شود و بدانند که کلمات الهی کل از نقطه واحده ظاهر و باو راجع ایاکم ان تشهدوا الاختلاف فیهن اکر چه بظاهر مختلف نازل شود در باطن بكلمه واحده و نقطه واحده راجع و منتهی."

كتاب بدیع صفحه ۴۰۵

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لاطافه الفداء میفرمایند: "باید دقّت در تصویص الهی کرد و احکام شریعت الله مجری داشت و از تأویل عرفا و تشویق حکما احتراز و اجتناب کرد زیرا نفووس را منجمد و کسل ولابالی و پریشان و سرگردان نماید..."

مائده آسمانی جلد ۹ صفحه ۱۸

و باز میفرماید: "...التماس از احباء الهی دارم که سبب اختلاف در این امر که جوهر تقدیس است نگردد و اسرار و رموز و اشارات سریه را روا ندارند امرالله ظاهر و مشهود است الحمد لله در این کور اعظم امر مصّح و مشرح غیر مستور و مرموز. نه مراتب شریعت و طریقت حقیقت و نه مظاہر ظاهر و مظاہر باطن از بیمزگهای متصرفه موجود بل کل این مسائل بصریح آیات الله مذموم و مردود..."

مکاتیب مبارک جلد ۱ صفحه ۲۴۶

و همچنین میفرماید: "...اگر دو نفس در مسئله ای از مسائل الهی جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هردو باطل اند حکمت این امر قطعی الهی این است که در میان دو نفس از احباب الهی جدال و نزاع نشود بنها یافت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند اگر اندک معارضه ای بیان آید سکوت کنند دیگر ابداً طرفین تکلم ننمایند و حقیقت حال را از مبین

گردید. مهمتر آن که حضرت شوقی ربانی ارواحنا فداء خود میدانستند که فرزندگاندارند و بحسب ظاهر هم در طول حیات عنصری خود نشان داده اند که دلسوزتر از آنحضرت نسبت با مر مبارک کس دیگری نیست پس باید معتقد بود که آنچه انجام شده مِن عند الله و مبتنی بر حکمهای بالغه الهیه بوده است کسانی که در این موارد موشکافی مصراوه میکنند یا آنقدر نادانند که استغفارالله خود را دلسوزترزا در مقام مبین منصوص با مر مبارک میدانند یا این که جزو مفسدینی هستند که مژورانه میخواهند اذهان کسانی را که تجربه و پختگی لازم را در امرالله ندارند مشوش نمایند و در پاره این دسته اخیر است که حضرت عبدالبهاء در همان الواح وصایا فرموده اند:

البته هر مغدور اراده فساد و تفرقی نماید صراحةً تیکوید که غرض دارم لابد بوسائلی چند و بهانه چون زر مغشوش تشیت نماید و سبب تفرقی جمع اهل بها گردد... ای احبابی الهی بجان بکوشید تا امرالله را از هجوم نفوس غیر مخلصه محافظه نمائید زیرا چنین نفوس سبب میشوند که جمیع امور مستقیم معوج میگردد و مساعی خیریه پر عکس نتیجه میهد" (الواح وصایا) بطرکلی با مطالعه و دقت در الواح مبارکه وصایا باین نتیجه میرسمیم که مدام که ولایت امرالله بنشکیل بیت العدل ضرورتی نداشته است. ذیلًا تا آنچه که از هدایت نصوص مبارکه و تاریخ میتوان استنباط نمود بذکر دلائل نزول نصوص مربوط به چهار اشکال قبل الذکر پرداخته میشود:

اول حفظ جان حضرت شوقی افندي ربانی ارواحنا فداء: انبیاء و اولیاء الهی همواره در معرض انواع بلایا و ابتلاءات بوده و در طول حیات با خطرات جانی مواجه بوده اند در این دور مبارک این مسئله بنحو بارزتری تظاهر گرده است. مراجعه بتاریخ امر شاهد این مقال

اعضاء مخالفت در تصدیق نمایند در حقیقت مخالفت با حق کرده اند و بایستی از امر اخراج شوند و ضمناً مصدق و غیر مصدق اگر برای دیگران نامعلوم باشد برای نفس ولی امر که دارای عصمت موهوبی است معلوم خواهد بود. ثالثاً اگر احیاناً غصن منتبه ولی امرالله مورد تصدیق اکثریت مجمع ایادی قرار نگیرد و آن حضرت ایستادگی فرموده و غصن دیگری وجود نداشته باشد تکلیف چه خواهد بود؟ اتفاقاً در زمان هیکل مبارک یکی از احباب غربی بنام رکس کینگ راجع بمسئله تصدیق سؤال نموده است و جوابی را که عنایت فرموده اند در مجله بهائی نیوز فوریه ۱۹۵۵ بدین مضمون درج است. "دستور الواح وصایا مستلزم تفویض چنین اختیاری به ایادی امرالله نیست که بتوانند ما فوق رأى ولی امرالله ارائه رأى نمایند قصد حضرت عبدالبهاء ایجاد تصادم اختیارات در امر مبارک نبوده است (مضمون). این جواب هیکل مبارک نیز مؤید رعایت اصل عصمت و اختیارات تامه مقام ولایت امراست. رابعاً شرکت ولی امر در جلسات بیت العدل اعظم بعنوان رئیس لاینژل و لزوم اطاعت جمیع اعضاء از آنحضرت و اختیارات منصوصه آنحضرت در عزل هر کدام از اعضاء مستلزم آن خواهد بود که کسی را قادر مخالفت با رأى ایشان نباشد بنابراین مسئله مشورت در امور اصالت خود را که مبتنی بر آزادی افکار و نظرات اعضاء است بکلی از دست داده و فقط صورت فرمایته خواهد داشت. بدیهی است که چهار اشکال فوق مورد توجه و نظر مقام مصون از خطأ حضرت عبدالبهاء و هم چنین حضرت شوقی افندي ربانی روح العالمین لهما الفدا بوده و باید بعنوان یک بهائی ایمان و اعتقاد داشته باشیم که در نزول چهار مورد فوق در متن الواح مبارکه وصایا حکمت های بالغه الهی منظور و مستور است که در قرون وعهود آتیه بر اهل بهاروشن خواهد

مجدالدین و غیره همه در قید حیات بودند و بفرموده حضرت ولی امرالله مانند "خفاشان بحرکت آمدند واز حفرات یاس بیرون دویدند و جوانی نمودند و عربده ای انداختند . سالار نقض که سر در جیب خمول برده بود فقدان درع اعظم الهی را غنیمت شمرده علم بر افراحت و پای بفشرد و بحکم قداصطفينا متمسک گشت و پنشر ارجیف و تحریک و تدلیس و تخدیش اذهان مشغول شد تا بنیان الهی را که پقوه بازوی همایون غصن یزدانی و سلوک و رفتار و بیان معجز شیمش در عالم امکان محکم و استوار گشته از بنیاد پرآزاد و امور مستقیمه را معوج تماید و زحمات ۲۹ ساله آن مولای فرید را هدر دهد. و عالمی را بخسران اندزاد، مشتی از نفوس موهومه واهیه سافله باوگرویدند و در ایجاد رخنه و انشقاق در جامعه بین المللی پیروان نیر آفاق همت بکماشند. زعیم ثانی و جمعی از بُلها و بُلداء از خویش واعوان در حول مقام مقدس مجتمع گشتد و بجسارت تمام مفتاح آن مقام را از پاسبان و باغبان روضه مبارکه غصب نمودند و بولاة امور و روئای شرع متولّ گشتد و پنشر ارجیف و هذیانات و کلمات لایمن ولایغنى مشغول شدند و ادعای اولویت در تولیت مطاف ملاء اعلی و قبله اهل بها نمودند...". (توقيعات مبارکه نوروز ۱۰۱ بدیع صفحه ۶۹) شمه ای از اشکالاتی که هیکل مبارک حضرت ولی امرالله پس از جلوس براریکه ولایت با آن مواجه بودند عبارت است از : سرکشی ناقض اکبر و همدستان او، قیام ناقضین جدید در ایران و انتشار نشریات وردیه های قبیح و افترا آمیز آنان ، ضبط بیت مبارک در بغداد بوسیله شیعیان ، توقعات بیجا و ناروای بستگان مبارک مخصوصاً معمرین آنان ، توقعات و اظهار نظرهای معمرین احباً بصورت

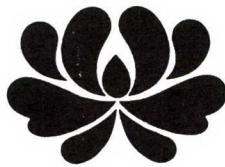
است. حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلى در باره بلایای واردہ بر هیکل مقدس خود میفرماید: "هیچ شامی در مقعد امن نیاسودم و هیچ صحی براحت از فراش سر برداشتم قسم بجمال حق که حسین برمظلومیتم گریست و خلیل از دردم خود را بنثار افکند... غلام حرکت مینماید در حالتیکه معینم قطرات دموع من است و مصاحیم زفات قلب و ایسم قلم و مؤسم جمال و جندم توکلم و حزیم اعتمادم...". (لوح مریم) حضرت عبدالبهاء نیز همواره از دست ناقضین در خطر جانی بودند چنانچه در الواح وصایای مبارکه میفرمایند: "میرزا محمد علی چون منحرف از ظل امر شد و نقض میثاق نمود و تحریف آیات کتاب کرد و خلل عظیم در دین الله انداخت و تشییت حزب الله نمود و ببعضاء عظیم قیام برآذیت عبدالبهاء کرد و بعد از بینایت براین عبد آستان مقدس هجوم کرد تیری نمایند که بر سینه این مظلوم نینداخت زخمی نمایند که روآنداشت زهری نمایند که در کام این ناکام نریخت... چه انحرافی اصعب از تسلیم آیات و کلمات و مکاتیب بحکومت است که بر قتل این مظلوم قیام تمایند چه انحرافی اشد از تضییع امرالله و تصنیع و تزویر مکاتیب و مراسلات افترائیه است که سبب وحشت و دهشت حکومت شود و نتیجه سفك دم این مظلوم کردد... مرکز بغضا در فکر قتل عبدالبهاء و این بخط میرزا شاعر که در طی این وصیت است ثابت و واضح و محقق که بکمال تدبیر در صدد قتل هستند... ای یاران عزیز الان من در خطری عظیم و امید ساعتی از حیات مفقود...". حضرت ولی عزیز امرالله وقتی که بر طبق الواح وصایا بولایت امر منصوب شدند جوانی ۲۴ ساله بودند و ناقضین عهد و پیمان حضرت عبدالبهاء روح ماسوه فدا از قبیل میرزا محمد علی ، بدیع الله شاعر الله و

نظم جهانی بهائی

ترجمه مفاد منجیت ارتوغیات مبارک حضرت ولی محبوب امر الله

با مقدمة از مردم محترم جذب ہوئند فتح عظم

بهائی که در ظل معفل روحانی ملی بهائیان کانادا بخدماتی بدیع مفتخر است تقدیم مینمایم و جمیع حقوق را با آن مؤسسه عالیه که در غیاب نشریات بهائی در ایران به ترویج حقائق و مبادی آئین حضرت پهاء الله مفتخر است واگذار مینمایم اگر مقبول آن مؤسسه افتد این بنده را که همواره در آرزوی ارتباطی معنوی با یاران ایران بوده است منتی عظیم نهاده اند.



دوستان عزیز میتوانند کتاب فوق را مستقیماً از مؤسسه معارف بهائی سفارش دهند و یا از نمایندهان فروش نشریات مؤسسه خریداری فرمایند.

قیمت با جلد مقوایی ۱۸/۰۰ دلار و با جلد شمیزی ۱۱/۰۰ دلار است.

نقل از صفحه قبل

پیشنهادهای گستاخانه، ادعای ناقضین بر املک امری و ایجاد مزاحمت در دوائر فلسطین، اصرار بعضی از معمرین احباء در تشکیل بیت العدل اعظم و بسیاری ناملایمات دیگر که از حوصله این مقال خارج است. در مقابل این اشکالات و لطمات آن غصن مبارک ممتاز الهی مانند جبل متین ایستادگی فرمود بشانی که تمام ارباب توقع سرجای خود نشسته و از گلیم خود پا را فراتر ننمودند و کسانی هم که متنبه نشدند گرفتار عدل الهی و طرد اداری یا روحانی گشتند.

بعته دشمن بعد

توقیعات منیعه حضرت ولی امر الله بزبان فارسی در اختیار یاران ایران بوده و هست و کل از عظمت آن آثار اگاهند و از انوار هدایتش برخوردار. اما لای شاهواری که در توقیعات آن بزرگوار بزبان انگلیسی نهفته است از دسترس اغلب فارسی زبانان بیرون است و این بنده همواره آرزومند بود که ایرانیان علی الخصوص جوانان بهائی که فرصت آموختن زبان انگلیسی را نیافته اند از آن گنجینه حصه ای یابند و در پرتو هدایتش میدان فهم و ادرکشان را از حقائق و مقاصد امر بهائی وسعت بخشند. اما در عین حال میدانستم که ترجمه آن آثار گهربار را قلمی سحار باید تا چنانچه شاید، از عهد برا آید و این ناتوان را توانایی آن نیست که قدم در چنین شاهراهی نهد که گذرگاه شهسواران است و مجال مردان میدان، لهذا متوجه ماندم که چراغ اشتیاق را چگونه برافروزم تا از آن آفتاب عالمتاب شراره ای بنظر صاحبان بصر آید و پس از تامل بسیار بر آن شدم که گرد ترجمه آن شاهکارها نگردم و فقط سعی کنم مفاد توقیعات مبارکه را باندازه وسع خود بزبانی که در خور فهم عموم باشد بفارسی در آورم و این اوراقی را که ملاحظه میکنید نتیجه چنان کوششی است که در بحبوحه مشاغل معهود و در ضمن فراغت محدود فراهم آمده و معلوم است که چون بضاعت مزجات با قلت اوقات همعنان گردد نتیجه کار از لغتش و خطای خالی نباشد و این را نیز به عفو و کرم خوانندگان و امیکذارم و پوزش میطلبم و تصحیحات لازم را به آینده موکول میدارم.

این مجموعه را با کمال حضوع به مؤسسه معارف

پاسخ

(قسمت پنجم)

« از جواب دکتر هوشگفتار »

ملا^عکه ، شیطان ، اجنه و مراقب پیامبرها بعنوان واسطه بین خالق و مخلوق کرده و بقیه کتاب یک تجزیه تحلیل آماری ساده از نحوه جمع آوری قرآن و تشریح مقداری مطالب خاص مندرجه در آن است. شاید هم تعمدا فقط تمایلی به تشریح جنبه های خاصی از قرآن را داشته است و بعضی مطالب را مخصوصاً ندیده گرفته است. از جمله راجع به مطالب عرفانی و مسائل مربوط به وحدت وجود که اشاراتی راجع به آنها در قرآن هست هیچ اظهاری نکرده است. از دید من مسئله که مطرح است آن است که در بررسی هر موضوع یا شیئی یا مطلبی از چه دیدی به آن می نگریم و با چه نیتی آن را تشریح میکنیم . گاهی از اوقات در تشریح موضوعی توجه به نکات مثبت داریم و نکات منفی را ندیده میگیریم. گاهی از اوقات هم برعکس عمل میکنیم و نکات منفی همان موضوع را تشریح میکنیم و نکات مثبت را ندیده میگیریم. بندرت هم ممکن است که بعنوان یک تحقیق علمی همه نکات آنرا چه مثبت و چه منفی با یک دید بیطرف و بی غرض تشریح کنیم. معمولاً این حالت سوم بسیار نادر و کمیاب است و شاید یک ماشین، یک کمپیوتر، یک موجود بی احساس و مطلق^ا بی طرف بتواند چنین تشریحی بعمل آورد. ما انسانها معمولاً غرض و طرفیت داریم و بطور ناخود آگاه در تشریح مطالبی که به نحوی بازنگری ما مربوط است بعلت داشتن یک مبنای فکری پیش ساخته تمایلی به تشریح بعضی مطالب و ندیده گرفتن بعضی مطالب دیگر نشان میدهیم. مؤلف کتاب راهنمای محتویات قرآن نیز چنین کرده است. همانطور که میدانید ریشه افکار عرفا طبق اظهار خودشان از قرآن سیراب میگردد و بدایع آثار آنها از

سرور گرام و دوست ارجمند. نامه بسیار آموزنده آن جناب رسید. مشحون از لطف بی پایان بود و خیلی خوشحالم کرد. کتابی تازه بهمراه آن اهداء فرموده بودید که رسید. عنوان آن (راهنمای محتویات قرآن) یکدنیا از لطف شما متشرکم. مرقوم فرموده بودید که یک دانشمند و محقق مبرز ایرانی تحت اسم مستعار آنرا نوشته است ، خواندن آن برای هر ایرانی و همه مسلمانان و پیروان دین محمدی از واجبات است و موضوع آن تجزیه و تحلیل کامل مفاد قرآن میباشد و توصیه فرموده بودید که برای تحقیق در باره مفاد قرآن کتاب مناسبی است. حدس زدم که احتمالاً اطلاعات و قضاوت شما در باره اسلام و طرح سوره های مکی و مدنی در کتاب های شما نتیجه مطالعه این کتاب است و آنرا برای تائید طرز قضاوتنان در باره اسلام و بالمال کلیه ادیان فرستاده اید. باید آنرا خواند و استفاده کرد. لذا طبق توصیه شما آنرا از ابتدا تا انتها مرور کردم. وقت کافی برای خواندن تمام مطالب آن فعل^ا نداشتم. این مرور هم بیشتر بخاطر اطلاع از مباحث مطروحه در کتاب بود و لا نسبت به قرآن و مفاد آن زیاد بیگانه نیستم. اگر عقیده مرا در باره این کتاب جویا باشید باید معروض دارم که نویسنده کتاب واقعاً زحمت کشیده و این کتاب با حواشی مفصل آن برای کسانیکه قصد بررسی متون قرآن را دارند بسیار با ارزش است. مؤلف کتاب با حوصله و دقت بسیار و با طرز جالبی از دید خودش قرآن را تشریح کرده است. البته به همه جنبه ها توجهی نداشته و نکاتی چند مورد بی مهری او بوده است. در فصل دوم خیلی مختصر و سطحی اشاراتی به خدا، خلت ،

چیزی گشت که نمیدانیم چیست (یک چیز نو چیزی است که قبلاً نبوده و شناخته نیست) این سؤال کمپیوتر بسیار سؤال جالبی است. کمپیوتر یک دستگاه ساخته شده بر اساس منطق است و همه فعل و افعالات آن منطقی است. یک ماشین منطقی چیزی را که نمیداند چیست نمیتواند بداند چیست تا آنرا جستجو کند. از دید علمای مادی آدم هم یک حیوان منطقی است. با قبول این اصل که ما فقط و فقط یک حیوان منطقی هستیم و چیز دیگری پشت آن نیست پس این حیوان منطقی هم چون آن ماشین منطقی قدرت فهم و تشخیص هیچ چیز نوی را ندارد. سؤالی که اینجا مطرح میشود این است که پس اینهمه افکار و عقاید نو که موج تمدن فلسفی پسر بوده از کجا آمده است. علمای مادی اینها را نتیجه استنتاجات منطقی میشمارند اما سؤال کمپیوتر در پاره جستجوی حیات جدید بطلان گفته آنها را تائید میکند. عده از فلاسفه هم به تناسخ متول شده اند و میگویند چیزهای نو را روح ما که قبلاً بوده وعارف بر آنهاست بتدریج بخاطر میآورد اما دلیل قاطعی برای صحت این طرز تفکر ندارند. عرفاً آنرا آموزش الهی از طریق پیامبران میشناسند و تاریخ را شاهد بر صحت این مدعای میگیرند. در اینجا ناچارم این توضیح مختصر را برای رفع سوء تفاهم اضافه کنم که منظور از چیزهای نو و افکار نو که موج تمدن فعلی پسر بوده کشف التریسیته و قوه بخار و ساختن تلویزیون و نیروگاه برق اتمی نیست. همانطور که مستحضرید اینها پدیده های مادی و فیزیکی موجود در جهان بوده اند که با استفاده از متدهای منطقی و به کمک عقل پسر به آنها دست یافته است و ترکیب و ترتیب آنها بر اساس همان متدهای منطقی صنایع موجود را پدید آورده است. آنچه مورد نظر است اخلاق و مبادی روحانی و معنوی است که اصولاً ارتباطی با عقل ندارد و نمایشگر مرحله بالاتری از منطق

اشارات موجود در آن مایه گرفته است. این قسمتها قرآن آنقدر ارزش اجتماعی، اخلاقی و فلسفی دارد که مؤلف کتاب چند سطری را با آن اختصاص میداد بخصوص اینکه همین قسمتها زیر بنای تمدن اسلامی را ساخته است و شامل تعليمات اجتماعی، اخلاقی و روحانی دیانت اسلام است و بدون اینها شاید بشر هنوز در دوران جاهلیت پسر میبرد.

از دید الهیون آنچه که ما یاد گرفته ایم و با آن تمدن مان را ساخته ایم از معلم اول از واسطه خلق با خالق از پیامبر زمان آموخته ایم که علم او موهبت الهی بوده و ارتباطی با دانش بشری نداشته است. در تائید این موضوع سقراط میگوید که اگر تنها دانش ما وسیله آموختن باشد آنوقت با تکیه بر این دانش اصولاً ما قدرت فهم و درک هیچ چیز نوی را نداریم چون تشخیص ما محدود به دانستن چیزهایی است که قبلاً آنها را دانسته ایم و چیزی را که نمیدانیم چیست بعلت مجہول بودن شرایط و مشخصات آن نمیتوانیم بدست آوریم و نسبت به آن آگاهی پیدا کنیم. بعبارت ساده تر ما چیز نوی نمیتوانیم یاد بگیریم چون نمیدانیم آن چیز نو چه چیز است مگر اینکه معلمی در میان باشد و تعلیمی بدهد. امیدوارم موضوع خیلی غلیظ و غیر قابل هضم جلوه نکند. به کمپیوتری که در درون یکی از سفینه های فضائی عازم یکی از کرات تعابیه کرده بودند دستور دادند که بدنبال حیات نو *New life* در آنجا بگردد. منظور حیاتی بود غیر از حیاتی که ما میشناسیم و در کره زمین وجود دارد. قبلًا با اعزام سفینه دیگری و به کمک مطالعات قبلی دانسته بودند که حیات بآن فرمی که روی زمین هست در آنجا نیست. کمپیوتر در دنبال این دستور پرسید که آن حیات نوئی که من باید دنبال آن بگردم چگونه حیاتی است. جواب دادند نمیدانیم. کومپیوتر پرسید چگونه میشود دنبال

یک حیوان تفاوت اصولی چندانی نداشته است و بقول یکعدده از علماء و فلاسفه مادی فقط یک حیوان عاقل ناطق بوده است. آنچه احساسات روحانی، مبانی اخلاقی، و ذخائر معنوی که ما الان داریم حس میکنیم و یاد گرفته ایم نتیجه منطق و عقل آن حیوان ناطق نیست بلکه نتیجه استعداد یاد گیری او و نتیجه وجود معلمین روحانی و تعالیم اخلاقی آنهاست که در طی حیات چند هزار ساله اش باو کمک کرده اندتا به مرحله امروزی رسیده است.

به کتاب مورد بحث برگردیم. آن آموزش الهی که عرفا در قرآن دیده اند جایش میان صفحات کتاب ارسالی خالی است. معهذا از حق نیاید گذشت. مؤلف رحمت بسیار کشیده و اطلاعات جالبی تهیه کرده است. من برای نامه های شما و اشاراتی که باین کتاب فرموده بودید تصور میکردم که کتاب به نیت تحقیق و تخفیف اسلام نوشته شده است در حالیکه از مرور آن چنین احساسی بمن دست نداد. از بعضی تعبیر و اشارات که بگذریم مطالبی که ذکر کرده همه تشریح واقعیت و صحیح است. البته اگر شرایط زمان و مکان را در نظر بگیریم .

مرقوم فرموده بودید که یکی از دوستان فاضل و با تجربه در علوم روانشناسی نوشته است که (به بررسی سه مسئله علم و ایمان و روان آدمی علاقمند شده و امور علمی و فیزیکی را از امور مذهبی و احساساتی جدا نمیداند و این هر دو را جنبه از روح عظیم انسانی میشناسند) و اضافه میکند که (عده معتبرانه از فیزیک دانان درجه اول معاصر نظرات خود را راجع به پیدایش و وجود با نظرات عرفا یا MYSICS یکسان دیده اند و متوجه شده اند که یکنوع وحدت بر همه امور حاکم است.). موضوع بسیار جالب و شایسته تحقیق و تدقیق است. خاطرم میآید که انشtein و هایزنبرگ هردو زیر بنای وجود را در سطح پائین تر از عوامل مشکله اتم فرمولهای ریاضی می بینند که ماهیت

و عقل در حیات یک انسان است. تعریفی که از عقل شده میگوید عقل وسیله جلب منفعت و دفع ضرر است. بنابراین عقل فدایکاری را تجویز نمیکند. عقل مساوات و مواسات را تجویز نمیکند. حیا، شرف، انسانیت و عدل در پیشگاه عقل و آدم عاقل مفهومی ندارند. محبت و عشق در قاموس عقل و منطق حماقت و جنون است. برای قوم یهود این یک پدیده کاملاً نو و بی سابقه بود که باو گفتند همسایه ات را دوست بدار و به پدر و مادرت احترام بگذار. تا آن تاریخ تلاش آدم ها مصروف تنازع برای بقا میشد. اثرات آن طرز تفکر تا اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم هم در میان قبایل دور از تمدن مشهود بود. اسکیموها بر اساس عقل و منطق وقتی پدر یا مادر پیرشان از رفتن و کوچ کردن به مردم قبیله باز میماند مقداری غذا و سوخت بعنوان سهم او برای او میگذارند و بی کار خودشان میرفتند. کسی به آنها یاد نداده بود که میشود محبت داشت و رنج دیگران را بدوش کشید. قربانی کردن اولاد یا هر انسان دیگری در بین قبایل بدوي آفریقا و آسیا علامت فقدان عدل و محبت بین آن آدم های منطقی است. موسی برای اولین بار به قوم یهود و از آن طریق به نوع بشر آموخت و تعلیم داد که همسایه ات را دوست بدار، به پدر و مادرت احترام بگذار. مسیح فدایکاری و ایثار نفس را تعلیم داد. محمد برادری و برابری مُمتنین را مطرح کرد. اینها مبانی اخلاقی هستند که عطیه الهی بوده اند و از طریق پیامبران به بشر اهدا شدند. تربیت اخلاقی و معنوی بشر نتیجه ماشین منطقی وجودش نیست. این ماشین منطقی مثل آن کمپیوتر سفینه فضائی هیچ چیز نوی نمیتواند پیدا کند. بیائید این حقیقت عربان را قبول کنیم که بشر با آنکه نوع ممتاز است ولی در طی عبور از مراحل مربوط به تکاملش زمانی هم بوده است که طرز عملش با طرز عمل

و فیزیک دان های مادی که میگویند متافیزیک وجود ندارد و همه چیز از ماده و تحت سلطه علم فیزیک است خیلی از چیزها وجود دارند که قابل اندازه گیری و بررسی بوسیله علم فیزیک نیستند. تمام پدیده های روانی و احساسی، اراده ، عقل، محبت و عشق، فداقاری و امثال اینها که تظاهرات روان آدمی است با نضام قوای معنویه آدمی چون قوه حافظه ، قوه متخیله، قوه متفکره و قوه مدرکه وجود دارند که خارج از حیطه علم فیزیک و دور از دسترس وسائل اندازه گیری آزمایشگاههای فیزیک هستند و بالطبع متافیزیک را تشکیل میدهند چگونه است که فیزیک دانان برای صدھا سال منکر وجود متافیزیک بودند و حالا علیرغم عده از همکاران خود که هنوز هم منکر متافیزیک هستند عده معتبرابه از آنها نظرات خود را با نظرات عرفایکسان می بینند.

من از زاویه دیگری باین مسئله نگاه میکنم و خوشبختانه بهمان نتیجه میرسم که دوست فاضل و با تجریه شما در علوم روانشناسی رسیده است وقتی برای اولین بار رابطه ماده و انرژی بصورت $E=mc^2$ مورد بحث قرار گرفت و ارتباط ماده و انرژی قطعی شد طرز تفکر فلاسفه مادی در باره اینکه همه چیز از ماده است مورد تردید قرار گرفت و وقتی علم روان شناسی نتایج مثبت از فعل و افعالات روانی انسان نشان داد قطعی شد که وجود تنها مادی نیست. بخشی که مطرح شد این بود که آیا ماده و انرژی از یکطرف و روان از طرف دیگر دو چیز متمایز هستند یا تظاهرات یک چیز واحدند. آنوقت وحدت وجودی که عرفا از آن یاد میگردند بخاطرآمد. بموازات این مسائل برای سالهای متعددی قانون علیت هندسه اقلیدسی و مکانیک نیوتونی حاکم بر روابط فیزیکی بود. مطالعات فیزیکی روی هسته اتم در اوائل قرن بیستم نشان داد که قانون علیت بآنگونه که ما از آن یاد میکنیم در فعل و افعالات هسته حاکم نیست و ناچار قوانین ریاضی مربوط به احتمالات را

مادی ندارند و مفاهیم عقلی هستند و فیثاغورث زیر پنای وجود را اعداد که حقایق معقوله هستند میشناسد. توافقی بین این دو طرز تفکر وجود دارد. البته در اینجا مسئله تعریف Definition مطرح است باین معنی که وقتی فیزیک دان ها و عرفا از پیدایش، وجود، وحدت حرف میزنند آیا هردو گروه آنها راجع به یک چیز صحبت میکنند یا از چند چیز متفاوت تحت یک اسم واحد حرف میزنند. در مورد فوق معمولا وقتی عرفا از پیدایش و وجود حرف میزنند مورد نظر آنها واجب الوجود و علت غائی است و فیزیکدان ها در این مورد به مکانیسم و نحوه ترکیبات نظر دارند. برای من جالب است که این دو نوع طرز تفکر چگونه میتوانند هم آهنگ باشند. یقین دارم که شما در این باره اطلاعات مبسوطی در اختیار دارید. بسیار خوشحال خواهم شد اگر تعریفاتی که از پیدایش وجود شده و در دسترس شماست لطفاً برای من بنویسید. مطالعه کتب فیزیک، روان شناسی، فلسفه برای من بعلت قلت معلومات جز تشیت افکار و سرگردانی روانی چیزی ببار نیاورده است. امیدوارم کمک شما مسئله را برای من روشن ترسازد. موضوع اصولاً مربوط به هم آهنگی و توافق مسائل فیزیکی با امور متافیزیک است که چون آب و روغن هیچ وقت سازش نداشته اند. تا آنجا که بخاطر میآورم فیزیک از طبیعت بی شور و روابط مادی بین عوامل و پدیده های طبیعی حرف میزند. تعریف علم فیزیک آنگونه که در کتاب لغت آمده است میگوید که (فیزیک علمی است که با قوانین و پدیده های طبیعی کار دارد و حالت و مشخصات ماده و انرژی را بررسی میکند باستانه آنچه از این قوانین و پدیده ها و حالات و مشخصات که مربوط به مواد زنده و تغییرات شیمیایی است). این را هم میدانیم که فیزیک بوسیله اندازه گیری و انجام تجربیات آزمایشگاهی مسائل را بررسی میکند. از این تعریف من نتیجه میگیرم که برخلاف ادعای فلاسفه

است که تا بحال کتابهای *Worlds perspective* متعدد در باره مباحث مادی و متأفیزیک منتشر کرده است. مقدمه بعضی از کتابهای این سری را هم که در کتابخانه موجود بود مرور کردم و سرگیجه گرفتم. منبع اطلاعات از هر جهت فراوان است. تا بخواهید جور واجور کتاب نوشته اند. مکتب فلسفی ساخته اند و بدنبال مرید میگردند سوای سوداگران کتاب هر کس اعتقادی به هر قسمی از مسائل مادی، علمی، فلسفی و روحانی داشته کتابی نوشته است. یک عدد سعی کرده اند خدا را تشریح کنند و عده دیگر مکانیسم ایمان را بررسی کردند. آنقدر کتاب نوشته اند که خواندن آنها عمر نوح میخواهد و بفرض محال اگر توانستیم همه آنها را بخوانیم به یک آشفتگی فکری که معلوم نشد و نقیض بودن عقاید و افکار نویسنده ها است دچار خواهیم شد. از میان اینهمه نویسنده انتخاب یکی از چند نفر از آنها بعنوان اینکه خواندن دارد کار بسیار مشکلی است. براساس چه معیاري و چگونه میشود یک نویسنده را بر دیگری ترجیح داد. معیار انتخاب چه خواهد بود؟ آیا چشم بسته باید بدنبال اسم و شهرت نویسنده رفت؟ تجربه من نشان میدهد که بیشتر کتابهاییکه مضامین متأفیزیک دارد چکیده طرز تفکر و قضاوت افرادی است که سعی میکنند چیزی را تشریح کنند که نمی دانند چیست و پس از ساعتها خواندن و خواندن در آخر کتاب بدون یک نتیجه گیری مثبت به ما میگویند (بنابراین مسئله مبهم و شایسته مطالعات بیشتری است). من بعنوان آکاهی از نحوه افکار آنها کتابهایشان را میخوانم اما تا بحال چیز مثبتی از آنها یاد نگرفته ام و آنعدد از فلاسفه را که توفیق خواندن کتابهایشان دست داد سرگردان یافتم. بعدهم باین نتیجه رسیدم که چرا از سرچشمه و منبع فیاضی که عرفا نوشیده‌اند نتوشیم و چرا گفته کسانی را که الهام بخش نویسنده های این کتابها بودند مطالعه

جاگزین آن کردند. در تخریب هسته اتم نتیجه بخورد نوترون های آزاد با هسته شروع تشعشعات آلفا، بتا و گاما است که منجر به شکستن هسته میگردد. اطلاعات ما میگوید این بخورد تابع قانون علیت نیست و مولود شانس و احتمال است. اما از طرف دیگر همه میدانیم در خلقت وجود که سرآپا مملو از روابط ظریف و دقیق بین عوامل متشکله وجود است و فعل و افعال همه چیز طبق قوانین تدوین شده بسیار حساس و قطعی انجام میگیرد شانس و احتمال که همان مفهوم تصادف را دارد بی معنی است. لغات شانس و تصادف پوششی برای جهل ما است. ما هرچه را که نمیدانیم و علت آنرا نمی فهمیم به تصادف و احتمال منسوب میکنیم اما واقعیت غیر از این است. مطالعات جدید روی پدیده های زیر اتمی *Subatomic* نشان میدهد که قوانین ریاضی حاکم بروجود است و با بصورت دوباره قانون علیت اهمیت خود را باز مییابد. در این حال مسئله علت غائی مطرح میشود. سلسله علت و معلوم به بینهایت نمیرود. یک جائی یک چیزی به یک نحوی علت غائی است. آن چیست؟ توجه دارید که این عرفا نیستند که با مطالعات زیراکومی دنبال علت غائی یا علت العلل *Principal cause* میگردند. اینها فیزیکدان های جسوری هستند که دنبال فهمیدن حقایق اند. بنابراین جای تعجب نیست که عده متابهی از فیزیک دان های درجه اول معاصر نظرات خود را راجع به پیدایش و وجود با نظرات عرفا یکسان دیده اند و متوجه شده اند که یکنوع وحدت بر همه امور حاکم است.

بدنبال تهیه کتابهاییکه جهت مطالعه توصیه فرموده بودید به کتابخانه این دانشگاه رفتم و از کتابهای مزبور فقط دو کتاب را پیدا کردم . اینجا دانشگاه کوچکی است و کتابخانه آن چندان بزرگ نیست. در مقدمه یکی از آنها نوشته بود که این کتاب جزو سری *-tives*

چند خبر از شیلی فرستنده سرکار خانم فرشیدی ویسفی

۱ - اجازه برنامه تدریس امر بهائی در کلیه مدارس شیلی پس از سالها کوشش مغل روحاً ملی از طرف دولت در ماه جون ۱۹۸۹ تصویب شد. شیلی اولین کشوری است که برنامه امر بهائی را در مدارس سراسر کشور برسانیت شناخته.

۲ - در ماه ژانویه و فبریه از یکی از پروژه های تبلیغی دسته جمعی از جنوب شیلی در بین بومیان آن منطقه تقریباً ده نفر از جوانان حدود یکهفته شرکت کردند و ۱۰۵ نفر تصدیق امر نمودند. تقریباً همزمان در شهر *Rancagua* رنگاگوا در مدت پنج روز حدود شش نفر از جوانان موفق شدند شصت نفر را با مر حضرت بهاء اللہ هدایت نمایند. خانم شهناز راسخ عضوهایات معاونت از اوروگوئه برای راهنمائی و شرکت در این برنامه بشیلی سفر کردند.

۳ - برنامه رادیو بهائی در محل سرخ پوستان روزانه ۱۰ ساعت برنامه های فرهنگی و خدمات اجتماعی و امری و تزئید معلوماتی اجراء می کنند و حدود سیصد هزار نفر شنونده دارد.

۴ - در ماه آپریل در یک سفر تبلیغی دو نفر از احباب ایرانی به همراهی یکی از مبلغین پرجسته امرالله که گوینده رادیو و تلویزیون میباشد از سه شهر جنوبی شیلی بنامهای : *Concepcion* - لوس آنجلس و *Kanepisyon* به مدت پنج روز ادامه یافته و موفق به ملاقات احباب و اجرای برنامه های تبلیغی گشتند.

جلسات عمومی و تبلیغی که عموماً در محلهای عمومی برگزار شده بود با جلسات تبلیغی خصوصی در منزل احباب الهی تا بعد از نیمه شب ادامه پیدا کرده و متنه به تصدیق چند نفر شده و عده ای مشتاق امر و مطالعه بیشتر گشتند.

نکته‌یم. آیا از درک و فهم خودمان اینقدر ناامیدیم و حتماً تجزیه و تحلیل یک فرد بشری چون خود ما باید راهنمای ما باشد. بعد هم از دیگران انتظار داریم که مقلد و دنباله رو و مرید یکی بدتر از خودشان نشوند و گوسفند وار زندگی را به لجن نکشند. توجه دارید که موضوع مکاتب فلسفی و اعتقادی مطرح است نه اکتشافات علمی فیزیکی و ریاضی.

در پریده روزنامه که بهمراه نامه خود ارسال فرموده بودید خواندم که آقای *Mornwood* در ایالت *Oregon* آمریکا در باره تشریع ذات و ماهیت خدا و یا شاید فطرت و سرشت و طینت خدا میدهنند. روان متزلینگ و برتراندراسل شاد باد. من ندانستم درسی که درباره فطرت و ذات خدا میشود داد چگونه درسی است. اگر شما اطلاعاتی در این باره دارید لطفا برای من بفرستید یکدنیا ممنون و متشکر خواهم بود.

در خاتمه اجازه میخواهم از سلیقه کنگکاو و متجلس شما که هر مسئله و پیشنهاد را بخطاطر بهبود وضع دنیا و مردم آن مورد بررسی قرار میلهدید و هر کتاب و طرحی را مطالعه میفرمائید استفاده کنم و کتاب پیوست را که یک آمریکائی بهائی بنام *Stanwood Cobb* در سال ۱۹۳۴ تحت عنوان *Security for failing World* نوشته حضورتان تقدیم کنم. شاید دید خاص نویسنده در باره مسائل اجتماعی بشر و راهی که برای وصول به ایجاد یک دنیای بهتر پیشنهاد میکند برای شما جالب باشد و خوشحال خواهم شد اگر نظریات خودتان را در باره این کتاب مطرح فرمائید. با آرزوی سلامتی و سعادت برای شما و همه بستگان، بامید دیدار.



خاطره‌ی از سفرت محمد باقر خان و هفغان و چکامه شوریده « فصیح الملک »

معنی‌الیه است بدست این عبد رسید که مربوط به ایامی است که حضرت عبدالبهاء در اروپا تشریف داشته اند و آن را برای درج در مجله عنديبيه تقديم مينمایم.

برای اينکه توضیح بیشتری راجع به مضامین وارد در آن قصیده داده شود ذکر سببی را نیز لازم میدانم . آفغان که به تاریخ ایران در دوران سلطنت قاجاریه آشنائی دارند میدانند که مشتخت ترین دوران سلطنت آن دودمان در ایران دوره سلطنت محمدعلی شاه قاجار بود و دنباله آن تشنج و عدم ثبات حکومت به دوره سلطنت احمد شاه نیز ادامه یافت. در آن پرهه از زمان بواسطه ضعف حکومت مرکزی و بروی کار آمدن دولت‌ها یکی بعد از دیگری و عدم ثبات و پایداری آنها و اختلافات سیاسیون و مداخلات اجانب در امور داخلی ایران بی‌نظمی و اختلال شدید در اداره امور ایالات و ولایات ایران از هرگوشه بچشم می‌خورد و این اختلال در فارس بواسطه وجود ایلات و عشایری که پیوسته در رفت و آمد بودند بیش از هرجای دیگر ایران مشهود و ظاهر بود . در این گیرودار که فریاد مردم فارس بواسطه وجود ناامنی‌ها و سرقت‌ها و قتل و کشتارها و راهبندی‌ها در طول طرق و شوارع بشدت بلند بود در کابینه مستوفی‌الملک رضاقلی خان سالاری معظم که بعد از فوت عمومیش به لقب نظام‌السلطنه ملقب شده بود و در کرمانشاه حکومت می‌کرد نامزد حکومت فارس شد بسال ۳۰ - ۱۳۲۹ هجری قمری. او میخواست از این فرصتی که بدست آورده راه جنوب ایران را برای فعالیت خود باز

در یکی از مجلات پیام بهائی یادداشتی به نقل از خاطرات دانشمند فرزانه جناب دکتر داوودی عليه بہاءالله و رضوانه را باین مضمون زیارت کردم که بر عهده ما است که از بزرگان عالم امر در گذشته ایام به بزرگی یاد کنیم و خاطره ایام حیات آن بزرگواران را ارج نهیم زیرا ما مدیون مساعی جمیله آنانیم که بر عرفان امر الهی توفیق حاصل نموده ایم و باین کنز لاتقني دست یافته ایم " آنچه بخاطر مانده مطلبی باین مضمون بود که در اعماق قلبم تأثیری شدید گذاشت و برآنم داشت که محفوظاتی را که از بزرگان عالم شنیده ام و یا در مطاوی اوراق و مکاتبات خانوادگیم مشاهده نموده ام ولو اینکه کوتاه و مختصر باشد بر روی کاغذ آورم تا آن خاطره‌ها محفوظ بماند و باشد که دینی را که از آنها برگردان است ادا کرده باشم.

ما بهائی‌های ایرانی عموماً با اسم شاعری از مردم شیراز به لقب فصیح الملک و به تخلص شوریده که از هردو دیده ناپینا بود بمناسبت قصیده ای که در رثای حضرت عبدالبهاء و قصیده دیگری که در رثای حضرت ابوالفضل سروده است آشنائی کامل داریم و شرح احوال آن شاعر شیرین زبان را در کتاب شعرای قرن اول بهائی تألیف متصاعد به ملکوت ابھی ذکائی بیضائی زیارت نموده ایم.

اخیراً به همت جناب عباس دهقان مقیم لندن قصیده دیگری از آن مرحوم که مخاطبیش مرحوم آقا میرزا محمد باقر خان دهقان شیرازی والد

شافت.

مُخبرالسلطنه هدایت در کتاب خاطرات و خطراتش می نویسد: رضا قلی خان نظام السلطنه به فارس رفت از راه بهبهان که قبلًا صولت الدوله را ملاقات کرده باشد. با او ساخت. قوا و نصرالدوله را گرفت بسعی قونسل انگلیس قرار شد پفرنگ بروند در راه برجسب مواعده کسان صولت الدوله بر سر آنها ریختند نصرالدوله را کشتند و قواه الملك فرار کرد و خودش را به قونسلکری انگلیس رسانید.

در آن وقت معلوم شد که حکمت تلگراف فوری هیکل مبارک چه بوده است زیرا اگر مرحوم دهقان در شیراز بود بمخاطرات شدیده گرفتار می شد و پای امر بمیان می آمد و بلوا برآه می افتاد و معلوم نبود که عاقبت آن چه خواهد شد.

مرحوم دهقان بزیارت اعتاب مقدسه مشرف شد و چون در آن اوقات حضرت عبدالبهاء در اروپا تشریف داشتند به پاریس احضار ش فرمودند و در اروپا همه جا در رکاب مبارک بود و مورد احسان و عنایات مالانهایه هیکل اطهر، با وجود مبارک به پرتسعید مراجعت فرمودند. سفر مرحوم دهقان بواسطه تشنجات فارس بطول انجامید و تا حصول آرامش کلی و رفع مخاطره از او اذن مرخصی نفرمودند.

از جمله نفوی را که مرحوم دهقان در حضور مبارک یاد کرد و از حضور مبارک رجای عن و صون در حقش فرمود مرحوم شوریده شیزاری علیه الرحمة و الرضوان بود و گویا لوحی بافتخار و اعزازش نازل شده است که بمناسبت آن الطاف و عنایات بی حدود حصر حضرت مولی الوری قصیده ای سروده که ذیلاً بنظر خوانندگان گرامی میرسد تا اثرش باقی و یادش جاوید و برقرار باشد.

کند و لازمه این کار از میان برداشتن قوا و نصرالدوله که از مخالفان او بودند بود و برای از میان برداشتن آنها از میان بردن چند نفر دیگر که با قواه الملك صمیمی و یکانه بودند را لازم میدانست که توقيف و یا کشته شوند و یکی از آنها مرحوم آقا میرزا محمد باقر خان دهقان از رجال سرشناس و مشهور و شناخته شده بنام دیانت بهائی در شیراز بود که از لحاظ مادی و معنوی مشارِ بالبنان در میان یار و اغیار بودو با اسم بهائیت شهرت کامل داشت.

نظام السلطنه باین سبب از طریق بهبهان به براز جان آمد که با مشاوره با صولت الدوله قشقاوی که از دشمنان سرسخت خاندان قواه الملك بود به مشاوره و کنکاش پردازد و با مشورت با او ترتیب گرفتاری قوامی ها و طرفداران آنها را بدهد. هنوز نظام السلطنه در کرمانشاه بود که تلگرافی از حضور مبارک حضرت عبدالبهاء به بشیرالسلطان رئیس پست فارس مخابره گردید باین مضمون که "محمد باقر خان معجلًا از شیراز عزیمت ارض مقصد نماید و بدون فوت وقت عازم شود" مرحوم بشیرالسلطان اعلی الله مقامه دیگر مجال فرصت بمرحوم دهقان نداد که بر حسب معمول راجع بمسافرتش با قواه الملك مشورتی نماید و در ظرف یکی دو روز معزی اليه را روانه بوشهر ساخت.

مرحوم دهقان در براز جان به نظام السلطنه و صولت الدوله رسید. صولت الدوله از نظام السلطنه خواسته بود که از این موقعیت استفاده کنیم و دهقان را توقيف کنند ولی نظام السلطنه این رأی را نپسندیده بود و گفته بود برای اینکه دست رسی بقوام الملك و نصرالدوله بسهولت انجام پذیرد بهتر است مزاحم دهقان نشویم و بگذاریم برآه خودش برود و چون اراده مطلقه حضرت مولی الوری به حفظ و وقايت مرحوم دهقان بود از آن خطر رهائی یافت به بوشهر رسید و عازم هندوستان شد و بارض اقدس

بی مایه ساز اینهمه سودا چه میکنی
 با سخت بازوan توana چه میکنی
 شرح حدیث و امق و عذرها چه میکنی
 وصف بیاض غرّه غرّا چه میکنی
 شرح سواد شعر مطرا چه میکنی
 بهبوده وصل دوست تمّنی چه میکنی
 پس خوض در حقیقت اشیا چه میکنی
 از طمطران حادثه پروا چه میکنی
 تلفیق نظم و نثر مقفی چه میکنی
 بر آستان کعبه تولا چه میکنی
 با انس جاہل اعسی چه میکنی
 موسی صفت بسدره سینا چه میکنی
 با چون منی زمیر نگر تا چه میکنی
 گاهی به کعبه، گاه به عکا چه میکنی
 گاهی به دیر و گه پکلیسا چه میکنی
 اندر حشای مائی حاشا چه میکنی
 نادان چه داندی که تودانا چه میکنی
 اعداستند گوش بر اعدا چه میکنی
 نزد خدای خویش خدا را چه میکنی
 تعریف پشه در پر عنقا چه میکنی
 با آفتاب قصه حریا چه میکنی
 تو رشت را بماشته زیبا چه میکنی
 نا اهل را کلام حق القا چه میکنی
 زی چون منی تواین همه‌اهدا چه میکنی
 خس را قرین لولو لا چه میکنی
 با دیده ضریر تماشا چه میکنی
 یک ره مرا مپرس که تنها چه میکنی
 دیدی تو کاش خود که به دله‌چه میکنی
 ای طیroxش وصال تو بی ماجه میکنی
 ای قطره با کشاکش دریا چه میکنی

ای دل به چین زلف چلیپا چه میکنی
 با این همه تنگ دلی سست ساعدی
 آن کن بخود کز عشق بعال مسرشوی
 مات رخی نکشته به تقليد اينهمه
 موی بتی نديده بغايت چنین دراز
 ای مدعی تو عاشق جان دوستی برو
 گر بر وجود موحد اشیا مصدقی
 پروانه نجات ازاو گیر و رسته باش
 بالطف نعت فصیحان فارس
 زی آستان مولی عباسیان گرای
 تو باقر علومی و گویم که صادقی
 دیدی بچشم حضرت عبدالبهاء اگر
 زی بی کتاب بنده فرستاده‌ای کتاب
 گاهی بکوه لبنان گاهی به شهر مصر
 که در فرنگ و گامبه‌ایران گهی بروم
 لیکارتؤی به صدجا یک جافرون نهای
 گفتی که گفته‌اند سفر کرده‌ای به عذر
 اکنون تو چشم کن سوی ابرار کاین خسان
 گویند بنده را زغایت ستوده ای
 زهار نام بنده در آن استان مبر
 با پادشاه نام چه میرانی از گدا
 تو کور را به آئینه چون میکنی بصیر
 سودی به دستخط همایون سرم بعرش
 بر بی نوا تو اینهمه منت چه مینهی
 خر مهره را برابر لولو چه مینهی
 با پست مرمشاهده را نور چشم و دل
 دستور اگر بود هله زی دوستان گرای
 دلهای جمع بی تو پریشندو جمله ریش
 ما بی تو میکنیم همی موبیه از فراق
 جا کرده‌ای به ظل خداوندگار خویش

کر بازگوئیم که تو را شیوه غلت است
 با نشر این چگامه شیوا چه میکنی



بهترین طریقه تبلیغ امر حضرت بحث آئندۀ چیست؟ «از جانب ہوشانگ گھر زیر»

مهربانترین شخص عالم گردید. خالص ترین و پاکترین همه شوید. فقط و فقط طرفدار حق و حقیقت باشید و حیاتی کاملاً بر طبق اصول الهی دارا گردید. همسایگان خود را محبت کنید. در موقعیکه مریضند دیدن نمائید و چون در زحمتند راحتی بخشید بہر نحو که ممکن است بخدمتشان پردازید و از روی صمیمیت بآنها نشان بدهید که ایشانرا دوستدارید و از صمیم قلب مایل بخدمتگزاریشان میباشید. فقرا را بخشش کرده غذا برایشان بفرستید. هرچه دارید با سایرین قسمت کنید و آنچه خداوند برایتان مقدار فرموده راحی باشید. به کسانیکه بشما اطمینان دارند نهایت امانت و وفاداری ابراز دارید. هرگز جز طریق مهر و وفا نپویید. با طرز حیات خود به جهانیان نشان بدهید که گوهری در دل و روحی غیر از دیگران دارید. کار را بجایی رسانید که همه بگویند این شخص چه دارد که ما نداریم. به عالمیان نشان دهید که در عین رنج و محنت و در بچوحوه فقر و قنگستی و بیچارگی و فاخوشی چیزی در قلب دارید که تسلی روح شما است. به جمیع بفهمائید که شما را گنجی درد است که در گرداد بلاایا قلب را قوت و روان را آرامی و اطمینان بخشوده شما را مشعوف و پر نشاط ساخته قوى و مستحکم نگاهداشته و در برابر سختی و مصیبت راحی و خشنودتان میگرداند. وقتی چنین شد همه طالب میگردند که از آن گوهر ثمین گنج روان دارا باشند و چون حال بدین منوال گردد دیگر تبلیغ را زحمتی نیست فقط باید به طالبین بگوئید که این در گرانها چیست^(۱)

یکی از اماء موقعه مؤمنه غرب موسوم به انبیاء رودت که افتخار حضور در محضر حضرت عبدالبهاء نصیبیش گردیده مینویسد: چه افتخار بزرگی داشتم که روز آخر اقامت حضرت عبدالبهاء در آمریکا بحضور مبارکش مشرف گشتم. مرا سؤالی بود که مدت‌ها میخواستم از محضر انور بنمایم ولی بیم آن داشتم که در جواب مرا مأمور نطق و خطابه بپرسیم و در هر محل بنمایند. لذا دیری گذشت که این سؤال در قلبم پنهان بماند تا آنکه روز آخر بخود آمده گفتم فی الواقع شرم آور است که از موقعیت استفاده ننمایم چون بحضور رسیدم فوراً فرمودند آیا کسی سؤالی دارد؟ بیدرنگ پرسیدم بهترین طریقه تبلیغ امر حضرت بهاء الله چیست؟ چهره مبارک تغییر کرد و با لحنی بس مهیمن بیانات ذیل را فرمودند: «اولین قدم ایجاد روحانیت در قلب است و بعد دارا شدن حیات بهائی حیات بهائی حیات بهائی. طریقه بdst آوردن این عطش تفکر و تمتع در باره حیات جاودانی یعنی دار عقبی است. کتب مقدسه و کلمات انبیاء را بخوانید و تحصیل کنید و تفکری مخصوص در آیات‌حضرت بهاء الله بنمایید.

دعا و تفکر این دو عامل مهم را فراموش ننمایید خیلی وقت صرف این دو کار نمائید البته با این ترتیب رفته رفته آن عطش و طلب در قلب شما جایگیر خواهد شد و فقط پس از تحصیل این کیفیت است که میتوانید دارای زندگانی بهائی گردید.

برای اینکه حیات بهائی دارا باشید باید

در الواح و آثار مبارکه زیات میکنیم که "اقلًا هر یک از دوستان باید در مدت یکسال یک نفس را تبلیغ نماید، اینست عزت ابدی اینست موهبت سرمدی... هدایت یک نفس بهتر از کره ارض و من علیها است" (۴)

در تبیین و تشریح این بیان مبارک باید ناظر به آثار و الواح دیگری بود که طریقه اینکونه تبلیغ را چنین بیان میفرمایند: "اگر هر نفسی از احباء با نفسی از غافلین طرح دوستی اندازد و بکمال مهربانی با او معاشرت و مجالست نماید و در ضمن باخلق و اطوار و حسن رفتار و تربیت الهی و وصایا و نصایح ربانی سلوک نماید البته کم کم آن شخص غافل را بیدار کند و آن نادان را دانا نماید" (۵) و در نص دیگر اشاره میفرمایند که: "هر یک از احباب الهی باید اقلًا در سال یکی را تبلیغ کنند. آنوقت درست میشود با او معاشرت و مجالست و مؤلفت و موافست نمایند، او را تبلیغ کنند اینست اسباب سرور احباب الهی اینست اسباب تائید احباب الهی"

مقصود اینست که باید از خواهشیان نفسانی و شئونات جهان ناسوتی کلّها منزه و مقدس گردیده اسیر دام الایش و تعلقات دنیه ظاهره و گرفتار بند علائق نالایقه باطله نگردیم بلکه به شیم و حل تقدیس و تقوی و اخلاق بهائی مزین شده با حسن سلوک و محبت خالص به مجالست و موافست پردازیم و با خضوع و خشوع و محیوت و اقطاع صرف در طول یک سال به معاشرت خود ادامه داده ایجاد انس و الفت نمائیم در این صورت است که استیحاش نفوس بروطوف شده خود طالب اصغاء کلام الهی میگردند، آنوقت باید در کمال محبت و وداد حقیقت امرالله را تفہیم نمائیم تا عاقبت قلوب نفوس بنور ایمان

به یقین مبین تبلیغ امرالله و ترویج کلمه الله از افضل و اشرف اعمال در این ایام محسوب و اعظم وسیله نزول تائید و شمول توفیق رب غفور و اوین فرضه مقدسه و وظیفه مهمه هر فرد بهائی است و نفوسيکه بر اعلى غرف عز قبول مستقر بودند جز تبلیغ و نشر نفحات الهی مقصد و آرزوئی نداشتند لذا لحظات عین عنایات جمال ابهی آنقدر شامل حاشان بود که آثارنا مأمور اعلى کلمه الله میفرمودند. آن عندلیبان حدیقه ابهی و طوطیان رضوان جان سعی بليغ و جهد جهيد مبذول میفرمودند تا نفسی را بشريعة سمحاء هدایت فرموده از سلسال رحیق مختوم که به يد عنایت سلطان قیوم جاری و ساریست بنوشانند و چون در بستان الهی نخلی باسق و در افق محبت الله نجمی بارق بودند به شیم و اخلاقی مزین و مطرز و به حسن رفتار و اطواری مشخص میگشتند که كلّ وجودشان شهادت بر تقدیس و پاکی قلوبشان میداد. بهمین سبب وقتیکه به مواضع حسته و کلمات لینه ناس را به شريعة عز احاديّه دعوت مینمودند بتدریج استیحاش نفوس زائل میگردید و مستعد قبول حقانیت این آئین نازنین می گشتند.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "اليوم تائیدات الهیه شامل نفوسي است که شب و روز به تبلیغ امر الله مشغولند و بنشر نفحات الله مألف، این است مغناطیس عون و صون و عنایت و موهبت حق" (۶) و نیز فرموده اند:

"اليوم اعظم امور و اهم شئون تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله است به جميع وسائل، به جهت این ترویج قیام باید نمود و اليوم این امر موید است و چند ملکوت ابهی ناظر این مقام و خادم این مقصد" (۷)

پرداخته و شهرت و اهمیت یافته ولی مشرب و اخلاقش مباین و مخالف کلام و قول او. حسنات آن نفس عاقبت قلوب نفوسی را بنور ایمان کاملاً دائماً بنور خواهد ساخت ولی سینهای این شخص بالآخره سبب شود که تمام مواعظش فراموش گردد بلکه بالعکس نتیجه بخشد! (۹)

و نیز میفرمایند "در حال حاضر زندگی کردن برای تبلیغ مانند شهادت در ایام اولیه امر است" (۱۰)

حضرت عبدالپیاء مرکز عهد و میثاق حضرت رب الآیات و البینات نظر عنايت و مرحمت مخصوص نسبت به مبلغین داشته و آثاراً باین بیانات احلى مخاطب فرموده اند: "الیوم تبلیغ امرالله اعظم امور است و هر نفسی قیام بر آن نماید فبحات معطره تربیت مقدسه از دور به مشام او رسد و حکم زائر یابد. تائیدات غیبیه احاطه کند و توفیقات صمدانیه رخ بکشاید" (۱۱)

بنابراین وظیفه ما مشخص و تکلیف ما معین است و پاسخ ما قیام به تبلیغ امر حضرت بهاءالله به جمیع وسائل و وسائط ممکنه در جمیع طبقات جامعه من دون وقفه و تأخیر است زیرا "الیوم باید هر فردی از افراد احبابی الهی فکر خویش را حصر در تبلیغ نماید چون چنین کند بعد از یکسال احتیاج نماید خود نفوس بدون تبلیغ بشاطی بحر احادیث بشتابند. یاران باید وقت را غنیمت دانند، دقیقه‌ای آرام نگیرند زیرا فرصت نخواهد ماند! (۱۲) شک و شباهی نیست که اگر بزیور اخلاق بهائی و شیم و اطوار رحمانی با خلق و خوبی ربانی در تحصیل کمالات معنوی که لازمه حصول روحانیت بمنظور تبلیغ امر حضرت بهاءالله است کوشان بوده و دقیقه‌ای اهمال و فتور نورزیم تائیدات الهیه و توفیقات غیبیه

منور گردیده از سلسیل هدایت مرزوق شوند اینست حقیقت تبلیغ که الیوم از مشرق اصبح ملیک اسماء اشراق فرموده زیرا "نفس استیحاش دارند باید نوع مجری داشت که اول استیحاش نماید بعد کلمه نفوذ نماید اگر نفسی از احباء با نفسی از غافلین مهربانی کند و در کمال محبت حقیقت امرالله را بتدریج تفہیم نماید که بداند اساس دینالله بر چه منوال است و مطلب چیست البته منقلب گردد مگر نادر نفسی که حکم رماد دارد و قلوبهم كالحجارة او اشدقه اگر بر این منوال هر یک از احباء نفسی را بکوشد تا هدایت نماید در هر سال نفس ماضعف شود" (۷)

اگر بر این نهج قیام بر تبلیغ نمائیم و موفق به هدایت نفسی شویم بشهادت قلم اعلیٰ حکم شهید یا بیم و اجر جزیل در ملکوت ابیه کیریم قوله الاحلى. "اگر نفسی الیوم سبب هدایت نفسی شود اجر شهید فی سبیل الله در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد اینست فضل پروردگار تو درباره عباد مبلغین ان اعمل بما امرت و لاتکن من الصابرین" حضرت ولی مقدس امرالله در مورد اینکه بچه وسیله و طریقه میتوانیم به تبلیغ امر حضرت بهاءالله بپردازیم میفرمایند: "باعمال و افعال تبلیغ امر حضرت بهاءالله نمائیم. تبلیغ باعمال حکمت قبول ننماید و تقیید و تحدیدی نداند. کل از وضعی و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته و دارند پس عذری از برای احدي باقی نماند... اگر نفسی امی و جاہل و از تبلیغ به نطق و بیان قاصر و باعمال و سلوک و رفتارش علت انتباه و تذکر و اقبال یک نفس گردد البته مرّجع و محترمتر و عزیزتر و بهتر از شخصی است که سالهای سال به تبشير و تبلیغ لفظی

شامل حال گردیده موفق به تبلیغ نفوس که اول فریضه هر نفسی است میگردیم.

Forel

فورل ، نابغه بهائی

"فورل بمن گفت که پس از آشنائی با تعالیم حضرت بهاء اللہ دریافت که آنحضرت دهها سال پیش اصولی را که من بآنها اعتقاد داشتم بیان فرموده اند لذا بجمعیع اهل بهاء پیوستم"

Stan Wood Cobb
استان وود کاب

" فورل یکی از بزرگترین انسان دوستان و یکی از باهوشترين افرادی بود که در زندگی خویش دیده ام. فورل نابغه بود که بحقیقت و قدرت تعالیم حضرت بهاء اللہ پی برد"

Martha Root

کتاب فورل نابغه بهائی تألیف دکتر نصرت اللہ محمد حسینی متضمن شرح حیات این دانشمند انسان دوست و لوح مفصل مبارک حضرت مولی الوری بافتخار وی و ترجمه این لوح بغایت نفیس که توسط حضرت ولی عزیز امرالله انجام گرفته توسط مؤسسه معارف بهائی اخیراً انتشار یافته است.

دوستان عزیز میتوانند کتب فوق را مستقیماً به مؤسسه معارف بهائی سفارش دهند و یا از نمایندگان فروش نشریات مؤسسه خریداری فرمایند.

کتاب دیانت بهائی با جلد مقوایی ۱۸/۰۰ دلار و با جلد شمیزی ۱۱/۰۰ دلار و کتاب فورل نابغه بهائی با جلد شمیزی ۷/۰۰ دلار است.



"حال بکوشیم تا باین شرایط و صفات مزین و مفترغ کشته جام طافع عرفان الهی را بر تشنگان عالمیان برسانیم. هر یک این شیوه مرضیه را پیش گیریم و این وظیفه مقدسه را انجام دهیم اجرمان در ملکوت ابھی عظیم است و ثوابمان جزیل" (۱۲)

مأخذ و منابع

- ۱ - رساله راهنمای تبلیغ ص ۸۶
- ۲ - مائدہ آسمانی جلد پنجم ص ۷۶
- ۳ - مائدہ آسمانی جلد پنجم ص ۷۷
- ۴ - گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۵
- ۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول ص ۲۵۵
- ۶ - رساله راهنمای تبلیغ ص ۷۶
- ۷ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول ص ۲۵۵
- ۸ - گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۵
- ۹ - توقيعات مبارکه جلد اول ص ۱۶۷
- ۱۰ - گلزار تعالیم بهائی ص ۳۶
- ۱۱ - مائدہ آسمانی جلد نهم ص ۳۷
- ۱۲ - رساله راهنمای تبلیغ ص ۱۵
- ۱۳ - توقيعات مبارکه جلد اول ص ۲۸

اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی بسان فارسی

دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی

این کتاب تألیف جنابان دکتر ویلیام هاجر و داکلاس مارتین میباشد که اخیراً بواسطه مؤسسه معارف بهائی بسان فارسی ترجمه و انتشار یافته است. قیمت آن با جلد مقوایی ۸ دلار و با جلد شمیزی ۱۱ دلار است.

ایقان و اطمینان

«از جناب روح سه ناطق»

برای روشن شدن این حالات ، در آثار مبارکه و نیز در تفسیر های مختلفه ذکر مثل آتش گردیده است، باین شرح :

در علم اليقین ، آثار آتش و اثرات آنرا می بینیم و حس میکنیم و یا در باره آن معلوماتی می شنویم و حکم بروجود آتش میکنیم و بوجود علمی آن مطلع میگردیم.

در عین اليقین ، بخود آتش میرسیم و بوجود عینی آن یقین حاصل میکنیم و خواص آنرا درک میکنیم و بعین اليقین واقف میشویم. در حق اليقین ، وارد آتش شده و حقیقت آتش را از درون احساس کرده و با حقیقت آن یکی میشویم و جزو آتش میگردیم و بحق اليقین میرسیم.

مرحله دیگری را هم ذکر کرده اند و آن نوراليقین است که در آن مرحله نور حقیقت بی پرده و حجاب ظاهر میشود و حقیقت آشکار میگردد.

جمال قدم جل ثنائه در کتاب مستطاب ایقان مطالب مشروحی برای مجاهدین و سالکین طریق حقیقت در نحوه وصول باولین مرحله یقین که علم اليقین است چنین میفرمایند:

باید در بدایت امر ، قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره ، پاک و منزه فرماید، و صدر را که سریر ورود و جلوس محبت محبوب ازلی است لطیف و نظیف نماید، و همچنین دل را از علاقه آب و گل ... مقدس گرداند، بقسمی که آثار حب و بعض در قلب تماند که مبادا آن حب او را بجهتی بدلیل میل دهد و یا

اولین شرط لازم و ضروری و اساسی برای یک شخص مؤمن و متعهد و متمسک و منصف ، در سیر و سلوك در امور ایمانی و عرفانی و حیات اجتماعی و تشکیلات اداری و غیره ، وصول به مرحله یقین و اطمینان میباشد. وسالک و مجاهد در این سیل نمیتواند بدون ایقان و اطمینان به مرحله کامل ایمان و عرفان و حقیقت و مقصود دست یابد.

در باره مفهوم و مقصود از یقین و مراحل مختلفه وصول بآن ، شرحی در کتاب مستطاب ایقان و نیز سایر آثار مبارکه و همچنین در ادوار گذشته و سالفه نازل و ذکر گردیده و جناب اشرف خاوری در قاموس ایقان توضیح مشروحی در این زمینه از قرآن کریم و احادیث ائمه هدی و تفسیرهای مختلفه علماء و مفسرین مرقوم فرموده اند که مفصل است و خارج از حوصله این مختصر میباشد بطور خلاصه بموجب آن تفسیرات :

آنچه را چشم سر ببیند علم خوانند. آنچه را چشم دل ببیند ، یقین خوانند و یقین علمی است که پس از شک حاصل شود. و برای وصول به یقین مراتب و مراحلی را تعیین نموده اند که از این قرار است:

علم اليقین - یعنی آدمی با استدلال عقلی ، معلوم را در یابد و یا استماع کند و یا آثار آنرا احساس نماید و از اثر، حکم برموده نماید. عین اليقین - یعنی معلوم را مشاهده کند و بعینه به مرحله یقین برسد و عینیت و موجودیت شئی را بنفسه ادراک کند و بفهمد.

حق اليقین - یعنی بحقیقت واحصل شود و حقیقت آنرا از درون درک کند و با حقیقت و مقصود یکی شود.

زائل شود و انوار علم و یقین همه ارکان وجود را احاطه نماید... بعین الله بدیعه در هر ذرّه بابی مفتوح مشاهده نماید برای وصول بر مراتب عین الیقین و حق الیقین و نور الیقین، و در جمیع اشیاء اسرار تجلی وحدانیه و آثار ظهور صمدانیه ملاحظه کند.

... قسم بخدا که اگر ... باین مقام بلند اعلیٰ واصل گردد رائجه حق را از فرنگهای بعیده استنشاق نماید... و چنان معیّز شود که حق را از باطل چون شمس از ظل فرق گذارد... انتهی .

بقول شاعر:

رسد آدمی بجایی که بجز خدانبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت در این مرحله است که آدمی در همه اشیاء و کائنات آثار قدرت و عظمت حق را احساس کرده و حق را در همه کائنات مشاهده مینماید، هرشیئی ببیند و هرگائی ملاحظه کند بجز حق مشاهده ننماید.

و بقول آن شخص عارف که میگفت:

"مردم خدا را جویند و نیابند و من غیر خدا را جویم و نیابم"

و نیز بقول شاعر

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هرورقش دفتری است معرفت کردگار

برای مطالعه بیشتری در این زمینه بهتر است که به کتاب مستطاب ایقان و نیز کتاب هفت وادی و سایر آثار مبارکه مشابه مراجعه نمود.

در جمیع اموریکه که ذکر شد، ایمانی ، عرفانی، حیات اجتماعی ، تشکیلات اداری و غیره، متأسفانه بشر اغلب از مرحله علم الیقین تجاوز نمیکند و حصول بمعلومات را به مجموعات از دیگران و یا محسوسات خویش و یا ظواهر امر کافی میداند و آنرا حقیقت میدانند و روی آن قضاوت میکنند و دیگر قدمی برای حصول به

بعض او را از جهتی منع نماید... باید در کل حین توکل بحق نماید...

... نفس خود را بر احدی ترجیح نمهد و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید...

... از تکلم بی فایده احتراز کند، چه زبان ثاری است افسرده و کثرت بیان سی است هلاک کننده ، ... نار لسان ارواح و افتدۀ را بگدازد... و اثر این ثار بقرنی باقی ماند...

... و غیبت را ضلال شمرد و باآن عرصه هرگز قدم نگذارد، زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند...

... و آنچه برای خود نمی پستند برای غیر نپستند...

... واز خاطئان در کمال استیلاء در گذرد ، و طلب مغفرت نماید، و بر عاصیان قلم عفو در کشد، و بحقارت تنگرد، زیرا حسن خاتمه مجہول است ، ای بسا عاصی که در حین موت بجوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و بملاء اعلیٰ شتابد، و بسا مطیع و مومن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و باسفل در کات نیران مقرر یابد...

... و این شرایط از صفات عالیّین و سجیّه روحانیّین است که در شرایط مجاهدین و مشی سالکین در مناهج علم الیقین ذکر یافت... سپس برای حصول به بقیّه مراحل یقین چنین میفرمایند: "... و چون بعمل (والذین جاهدوا فینا) مؤید شد البته بپشارت (لنھدینھم سبلنا) مستبشر خواهد شد، و چون سراج طلب و مجاهده و ذوق و شوق و عشق و وله و جذب و حب در قلب روشن شد، و نسیم محبت از شطر احادیّه وزید ، ظلمت ضلال شک و ریب

بقيقه را میبايستی صاحبینظران در آن بحث فرمایند. در واقع اساس بسیاری از مشکلات اجتماعی اینست که افراد فقط بسموعات و علم اليقین اکتفا میکنند و آنرا حقیقت میدانند و رحمتی از برای تحقیق و تحری حقیقت و وصول به عین اليقین بخود نمیدهند و یا شاید هم لزومی احساس نکنند و شاید هم عادت ندارند. اینست که در کتاب مستطاب ایقان ضمن مطلب مشروحی تأکید میفرمایند که باید: "گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنونات متعلقه پسبجات جلال و روح را از تعلق باسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فانیه پاک و مقدس نمود" و بعد تشریح میفرمایند که اقوال و اعمال دیگران چه عالم و چه جاگل هیچگاه میزان معرفت و وسیله وصول به حقیقت نخواهد بود.

و درلوحی دیگر میفرمایند: "...هرقولی لایق تصدیق نه و از هر نفسی اطمینان جائز نه ، باید اهل الله صراف حقیقی باشند مابین ناس خالص را از غیر آن بشناسند"

و نیز حضرت عبدالبهاء میفرمایند: "...نامه های شما رسید، دلیل بر آن بود که تحری حقیقت نمودید... و بدیده خود نظر میکنید نه بدیده دیگران و بگوش خود میشنوید نه بگوش دیگران و بوجдан خویش کشف حقایق میکنید نه بوجدان دیگران ، زیرا مقلد گوید فلان شخصی دیده است و فلان گوشی شنیده است و فلان وجودان کشف کرده است یعنی اعتماد بچشم و گوش و وجودان دیگران کند، از خود اراده ندارد ، حال الحمد لله شما قوه اراده، ظاهر نمودید"

مواردی که در حیات اجتماعی باعث میشود که فقط بسموعات و ظواهر امر اکتفا کنیم و با اطمینان کامل نظر دهیم و تحری حقیقت را لازم ندانیم و گوش و قلب و روح و چشم را پاک ننمائیم در چند مطلب میتوان ذکر نمود:

عین اليقین بزنیدار، در این باره در آثار مبارکه راهنمائي ها و تأکيدات و دستورات و نصائح زيادي زيارت ميشود که عباد را هدایت فرموده اند و تکرار همه آنها فرصت زيادي لازم دارد که فقط اکتفا به يك فقره ميشود: در کلمات مکنونه در باره انصاف چنین میفرمایند:

"احب الأشياء عندى الانصاف ..." و بعد بلافضله برای توفيق در انصاف میفرمایند: "...وانت توفق بذلك ان تشاهد الأشياء بعينك لا بعين العباد "

"و تعرفها بمعرفتك لابمعرفة احدفي البلاد..." کلمات مکنونه علاوه براینکه گنجینه اسرار است ، درس عمل و زندگی است ، درس حیات برای يك انسان کامل است ، و چون این کلمات مقدسه درس زندگی است و بفرموده مبارک " برای عمل نازل شده " و نیز نظر باینکه عمل کردن بموجب این نصائح مهمه احتیاجی به همت دارد لذا توصیه میفرمایند که بايستی :

"... تصرّع و زاري کنیم تا بموجب این نصائح الهی عمل نمائیم" یعنی حصول موفقیت در عمل و اجرا این نصائح الهیه محتاج تصرّع و زاري بدرگاه الهی است تا تائید شامل گردد، منجمله يكی از دروس مهمه زندگی که برای عمل نازل شده همان موضوع انصاف است که محبوب ترین شیئی نزد حق میباشد، و موقعی باآن موفق خواهیم گشت که هر شیئی را از دریجه چشم خود به بینیم نه از چشم دیگران و بمعرفت خود آنرا بفهمیم و درک نمائیم نه بمعرفت سایرین ، تا بالآخره بمرحله عین اليقین فائز گردیم.

البته مراتب وصول به يقین را مبایستی از کلیه جهات ، ایمانی ، عرفانی ، اجتماعی ، تشکیلات اداری و غیره مورد بحث قرار داد، ولی در این مقال ، منظور فقط جنبه اجتماعی میباشد و

هستند و یا از دوستانی که خیلی بانها اعتماد و اطمینان داریم و یا افرادی که مورد علاقه و ارادت ما میباشند، ولذا آنچه را که میگویند ما باور میکنیم و روی آن بعنوان یک قضیه مسلم و مستند قضاوت مینمائیم و با اطمینان اظهار میداریم که فلانی گفته است .

چه بسا آن بستگان عزیز و یا آن دوستان صمیمی نیز خود در اشتباه باشند . لذا اینست که دستور میفرمایند:

"...وَعِرْفُهَا بِمَعْرِفَتِكَ لَا بِمَعْرِفَةِ أَحَدٍ فِي الْبَلَادِ" علت سوم - اینست که امکان دارد در باره افرادی که مطالی بیان میگردد و مسموع میشود شفونده بعلی چندان میانه خوبی با آنها نداشته و یا در بعض موارد نسبت بانها حسادت هم داشته باشد و ، لذا آنچه میشنود ولو دروغ و تهمت و افترا و غیبت و مذمت و غیره باشد آنرا بعنوان یک سند و مدرک قاطع و مناسب و حقیقی فوراً گرفته و پیروز مندانه برعلیه او قضاوت کند و درگناه غیبت و افترا با گوینده شریک و سهیم گردد بعبارة دیگر آن کاری را کند که اگر دیگران نسبت باو انجام دهند ، داد و فریادش بلند میشود.

اینست که میفرمایند:

"لَا تَنْسِبُ إِلَى نَفْسِكَ مَا لَا تَحْبَبُ لِنَفْسِكَ" .

و نیز . . . ان تکن ناظراً إلى العدل اختر لدونک ما تختاره لنفسک علت چهارم - و بالآخره دلیل دیگری که فقط بمسنوات و ظواهر امر اکتفا میکنیم و زحمت تحری حقیقت بخود نمیدهیم و تفکر نمیکنیم اینست که اصولاً انسان منصف و محققی نیستیم و یا زود باور و ساده هستیم یا عادت به تحری نداریم و یا اصلاً حال و حوصله این کار را نداریم، هر کس هرجه بگوید باور میکنیم و قبول مینمائیم و اشاعات خیلی زود در اراده و افکار ما اثر میگذارد و آنرا ملاک قضاوت قرار میدهیم.

۱ - علت اول - مسموعاتی که از دیگران بدست مارسیده و یا آنچه را که خود احساس و گمان کرده ایم اتفاقاً و بمحاسب تصادف با ظواهر امر و بعضی وقایع و حوادث و گفتگوها موافق و مطابق میآید، آنهم غالباً وقایع و حوادثی که اصلاً با یکدیگر هیچ ارتباطی نداشته و ما خود آنها را بخاطر وجه تشابهی که داشته بهم مربوط ساخته و موضوع یا داستان یا قضیه ای را میسازیم که با مسموعات قبلی توافق پیدا کرده است ، آنوقت سبب یقین ما میگردد و برمما ثابت و محقق میشود و دیگر زحمت تحری حقیقت و رسیدن به عین اليقین را بخود نمیدهیم.

چه بسا حیثیت و شرف و آبرو و حقوق مسلمه مردمانی بیگناه در عالم بخاطر همین معلومات جاعله و جاهله و ناقص از بین رفته است و چه بسا محاکمات رسمی که در محاکم ممالک بزرگ و متمن جهان و با حضور بهترین قضاة و با دردست داشتن کامل ترن قوانین و بادلائل و شواهد و مدارک صد در صد (تصویر ظاهر) صحیح باعث شده است که بیگناهانی محکوم گردند و بعد از مدت‌ها و سال‌ها که از موضوع گذشته دلائل و مدارکی بدست آمده دال بر اینکه همه در اشتباه بوده اند، در این باره کتابها نوشته و مجموعه هائی تدوین نموده اند که موجود است. بنابراین اکتفا بمسنوات و علم اليقین (ولو با ظواهر امر موافق باشد) بدون اینکه تحری حقیقت شود و به عین اليقین برسد کنایی است که مخصوصاً در اجتماع باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و بیشتر در آن دقت و تفکر و تأمل نمود. اینست که میفرمایند:

"...ان تشاهد الاشياء بعينك لا بغير العياد"

علت دوم - اینست که گوینده معلومات یا از بستگان و عزیزان نزدیک و اهل خانواده ما

بدون دعا و مناجاة فائده ای خواهد داشت (زیرا بی عنایات خدا هیچم هیچ) لذا بار دیگر بیان مبارک تکرار میگردد تا در باره آن کمی بیشتر تفکر و توجه و تعمق و تأمل گردد و بحقیقت آن پی برده شود و امام عین قرار گیرد :

يا ابن الروح ، احـب الـاشـيـاء عـنـدي
الـاـنصـاف لـاـتـرـغـب عـنـه انـ تـكـنـ الـى رـاغـبـاً و
لـاـتـغـفـل مـنـه لـتـكـونـ لـى اـمـيـناً ، وـاـنـتـ تـوـفـقـ
بـذـلـكـ انـ تـشـاهـدـ الـاـشـيـاء بـعـينـكـ لـابـعـينـ
الـعـبـادـ وـ تـعـرـفـها بـعـرـفـتكـ لـاـ بـعـرـفـةـ اـحـدـ فـيـ
الـبـلـادـ ، فـكـرـ فـيـ ذـلـكـ كـيـفـ يـنـبـغـيـ انـ يـكـونـ
ذـلـكـ مـنـ عـطـيـّـيـ عـلـيـكـ وـ عـنـايـتـيـ لـكـ ، فـاجـعـلـهـ
امـامـ عـيـنيـكـ .

اطلاعیه

جناب نصرالله عرفانی اخیراً اقدام به نشر مجموعه اشعار خود "گلبرگ عرفان" نموده اند چون قصد ایشان ایNST است که وجود حاصله از فروش این کتاب به صندوق ابنیه قوس کرمل تقدیم شود، احبابی عزیز ایرانی که مایل به خرید این مجموعه میباشند میتوانند برای هر جلد مبلغ ۲۵ مارک آلمان یا معادل آنرا به صندوق محفل روحانی محل خود یا نزدیکترین محفل روحانی به محل سکونت خود باست صندوق فوق الذکر (پروژه کرمل) پرداخت نموده یک نسخه رسید آنرا به آدرس ذیل ارسال دارند تا کتاب مزبور به آدرس ایشان ارسال گردد.

بسیار اتفاق میافتد که پسر بخاطر یکی از عل مذکوره در فوق فقط بسموعات و ظواهر امر اکتفا کرده و تحری حقیقت ننماید و خود بنفسه بمرحله عین اليقین نرسد، ولی مشکل تراز آن اینست که غالباً هرچهار علت در باره او قطابق نماید، یعنی که بخواهد هم بخاطر موافق بودن قضیه باظواهر امر و هم بخاطر حب به مدعی و هم بخاطر بعض به مدعی علیه و هم بخاطر زودبازی خویش نسبت با آنچه شنیده قضابت نماید، آنوقت است که اگر آسمان و زمین جمع شوند قادر نخواهند بود اورا از این اشتباه بیرون آورند و تا آخر حیات در این عذاب وجودانی باقی خواهد ماند.

البته از آنجائی که غیبت و افترا و تهمت را متراffد قتل و زنا قرار داده اند و دروغ را گناهی بابخشودنی و زیان آورتر از هر گناهی توصیف فرموده اند لذا اکتفا باین مسموعات و توجه به ظواهر امر و اصرار در رأی و عدم تحری حقیقت در باره موضوعی که خالی از واقع باشد نوعی اشتراک (سهوًا یا عمدًا) در آن معصیت میباشد. بتایران یک شخص مؤمن متعدد متمسک منصف صادق حقیقی میباشی پیوسته هوشیار و بیدار باشد که دانسته یا ندانسته تحت تأثیر چنین اقوالی و یا تعصباتی قرار نگیرد و در دام چنین اشتباهاتی گرفتار نشود و بخاطر حب به مدعی و یا بعض پمدعی علیه گناه عظیمی را مرتكب نشود و حیثیت افراد بیگناهی را بیهوده پهدر نندهد و در هر موردی خالصاً لله فکر کند و خالصاً لله عمل نماید.

میفرمایند:

"... دعا و تفکر ، این دو عامل مهم را فراموش ننمایید... واقعاً حلّ بسیاری از مشاكل اجتماعی و افرادی و غیره همین دو عامل مهم میباشند یعنی ، دعا و تفکر ، نه دعای بدون تفکر و توجه نتیجه و ثمری دارد (زیرا صرف همه حروف و کلمات است) و نه تفکر

PLK. 010095 B
61 - DARMSTADT
W.GERMANY

شکر

(از مصادعه‌الی ته جناب سرای بحیون)

بشنو از من قصه آن رهوان
 که ندارند اعتراضی در جهان
 در قضا، ذوقی همی ببیند خاص
 ننگشان آید طلب کردن خلاص
 حسن ظنی بر دل ایشان گشود
 که نپوشند از غمی جامه کبود
 زهر اندر کامشان شکر بود
 سنگ اندر راهشان گوهر بود
 هرچه آید پیش ایشان خوش بود
 آب حیوان گردد ار آتش بود

در آثار الهی و مناجاتها مؤمن به قضاء و مقامی
 دعوت شده است که در آن بارگاه رنج نیست،
 همه شادی است و سرور، همه سبکبالی است و
 نشاط ، مهربانی است لطف است ، وارستگی
 است.

با آنکه فرد بهائی از همه مزایای مادی زندگی و
 ثروت و غنا نیز میتواند بهره مند باشد. با
 آنکه در نهایت سلامت جسم به فعالیت کار و
 زندگی روزمره نیز سرگرم است ولی دل در گرو
 عشق دلدار دارد. از قدرت انقطاع و اتفاق
 نیرو میگیرد. همواره این سؤوال را در برابر
 دیدگان دارد که برای جامعه و انسانها چه
 میتواند بکند که مفید باشد، چه خدمتی از
 دستش ساخته است.

در هیچیک از شرایط باصطلاح مفی چون فقر،
 بیماری ، اختراپ و دلتگی از پا در نمی آید
 و لذت شکر را فراموش نمیکند. این فضا ،
 پروازگاه عقاب است نه خاکدان کlag . مقام

عاشقان روی حضرت مقصود و شیفتگان کوی
 حضرت معبد در هر نفس شکر خلعت ایمان را
 به دل و بر زبان دارند چه که میدانند ردای
 ایمان به صرف فضل و کرم حضرت یزدان زینت
 بخش روش آنان شده و اکلیل ایقان از سر
 موهبت و عنایت بر فرقشان نهاده من
 دون استحقاق !

لی به سیم این یافتمن من نی به زر
 هست این دولت مرا از یک نظر

اینان زندگی را فقط برای سپاس لذت ایمان و
 شکرانه موهبت ایقان دولت دارند، موهبتی که
 چون تابش آفتاب برایگان بروجود تابیده و به
 حیات گرما و معنا بخشیده... آنچه هست
 الطاف آن دلبر یکتا است ... ولا ماکه ایم و
 چه ایم؟ (۱) اگر این فضل شامل نمیشد زندگی
 چه پوج و بی هدف بود... اگر بهائی نبودیم،
 چه بودیم؟!

شکرانه ایمان شادی دل بهمراه دارد..، مؤمن
 از حوادث و زیر و بالاها و گرفتاریها چون
 شکنجه وزندان، زیان مالی، مشقات زندگی در
 نقاط دور افتاده مهاجرتی و بیماریهای جسمی نه
 تنها آشفته و نگران نمیشود، بل هر لحظه دست و
 زبان بشکرانه گشوده بدرگاه خداوند یگانه شاکر
 است که سعادتی نصیبیش شده که مورد عنایت و
 توجه قرار گرفته ... آنوقت فقط آرزوی
 استقامت و تسلیم مینماید که پایدار بماند و
 قدم نلغزد . زبان به گله و شکایت نگشاید و
 جز لطف هیچ نبیند
 پیراهن تسلیم پوشد و از باده رضا بنوشد (۲)
 مولانا فرماید:

مراجع

- ۱ - از مناجات‌های حضرت عبدالبهاء
- ۲ - از لوح قلم اعلیٰ خطاب به خانواده شهداء

بطوریکه در شماره قبل در نامه خوانندگان باطلاع یاران رساندیم جناب سُهراپ جیجون با وجود سابقه ممتد بسرباط و مدت‌ها بستره بودن در بیمارستان از امر ابلاغ کلمه الهی هرگز غفلت نورزید. چند روز قبل ایشان از قید تن آزاد شده و روح پر فتوحش بعالیم بقا صعود نمود عشق تبلیغ امرالله در نهاد آن بزرگوار چنان استوار بود که حتی محافال تبلیغی را در مدت بستره بودن ترک نمی نمود و با اجازه طبیب معالج برای چند ساعت از بیمارستان خارج شده و با دستگاه‌های طبی که بیدش وصل بود در جلسات مشارکت مینمود روحش شاد و روانش تابناک باد.

یاران عزیز‌الله

لَرْسَجِیْهِ عَذَّلِیْکَ دِرْهَمَارَهِ شَرْحِ حَیَّاتِ دَحْدَتِ شَهَادَتِی
اَخِيرَ اَمْرِ اَسْلَامِ بَحْرَ اَحْصَارِ بَعْكَسِ شَفَّيْرَهِ شَمِينَهِ يَدِیْ . لَدَارِنْسُوبَانِهِنْ
جَانِ بَحْرَهَانِ عَزِيزِ وَحَسَنِهِنْ حَارِ مَطْلَعِ تَعَاصَنِهِهِلِیْمِ شَرْحِ حَالِ
شَهَادَتِهِهِلِیْهِنْ تَرْسَافَهِ بَعْكَسِ هَدْرِیْجِ دَعَنْلِیْسِ اَسَلِ
فَرَعِیْسَدِهِهِلِیْتِ تَكَرَّهَتِ . دَسِیرَتِ عَدَمِ ذَرَنَامِ بَوِیْ
وَرَجَلَهِهِلِیْهِنْ مَسْوَطِ بَعْقَصَهِهِرِ خَوَهِ اَخْرَهِهِلِیْجَهِ .

بَعْقَدَمِ تَحْتَهِهِلِیْهِ
عَذَّلِیْکَ

شهریاز است نه جولانگاه مگس. مومن دریا دل است و بلند همت

هوالله

ای بلند همت بلندی همت را میزانی و سُمَّو مقصد را برهانی، عقاب اوج عزت در شاخصار خاکدان ذلت لانه و آشیانه فنماید و نهنگ بحر الهی در نهر امکانی خوض نتواند آفتاب مطلع وجدانی در آئینه حواس انسانی نگنجد بلبل گلستان رحمانی در کلغن کامرانی منزل نکند و غضنفر نیستان بهائی در بیشه هواهای اوهامی مأوى نگیرد باری اگر باز بلند پرواز این اوچی صید مرغان چمن کن و اگر شهسوار مرد افکن این میدانی جولانی بنما والا علی قول سعدی بنشین و تو صیر پیش گیر، دنباله کار خویش گیر والبهاء علیک ع ع

با زیارت این لوح بسیار مليح سخن را پایان دهیم و با شادی روح و مسرت وجدان به دریای آثار مقدس الهی و بیانات حضرت مولی الوری ارواحنا لمجهته الفدا رو کنیم و به شکرانه خلعت ایمان با شادی و سپاس طلب صون و حمایت نمائیم والا لیاقت ما کجا و موهبت ایمان کجا؟

در لیاقت منکر و در قدرها
بنگر اندر فضل خود ای ذو العطاء

در این نوشته از کلمات و عبارتی استفاده شد که در مناجات‌ها والواح مبارک چون دَر گرانهاها بما اهل بها عطا و ارزانی کشته تا آنجا که قلمی ناتوان را جرأت و جسارت نگارش مقاله ای در باب شکرانه ، فضلاً من عنده ، داده است از آستان اقدس حضرت پباء الله جل ذکره الاعلى رجا دارد که موهبت ایمان شامل وی نیز شود.

سِرْدِ مُحَمَّدِ كِتَابٍ

سروشی از شهید مجید دکتر محمود مجذوب

ساختن جوانان بهائی با اصول و مبادی امر داشت. در بحرانی ترین روزهای زندگی و در بچووح کارهای تشکیلاتی از اینکه چرا وقت و امکان چیز نوشتن ندارد افسوس میخورد. همواره میگفت آنقدر مطلب نوشتنی و تحقیقی در عرصه تعالیم بهائی هست که برای انجام آن ده ها عمر هم کفایت نمی کند. افسوس که شمع عمر خودش در اوج بروز استعداد و توانائی فکری به تن باد ظلم و جهل کشته شد. امیدوارم مجموعه مقالات او شوق تحقیق در آثار و تعالیم بهائی را در خوانندگان، مخصوصاً جوانان پرانگیزد و ملاحظه زندگی او و دیگر دلیران جانباخته امر ، عزم ها را در خدمت به این آئین نازنین راسخ تر ، شوق ها را افزون تر، و افق های جانبازی و خدمت را وسیع تر نماید. اگر آن شمع ها خاموش شد امید که مشعل های فروزان دیگر جهان تیره تعصب و نادانی را روشن نمایند.

و نیز جناب دکتر محمد افنان که از یاران قدیم آن شهید مجید بوده در مقدمه کوتاهی که بر مجموعه حاضر نوشته فضائل و سجایای آن نفس نفیس را از جمله چنین ستوده است : " دکتر مجذوب براستی در آثار مبارک امر بهائی متبع بود. تخصص و تحقیق او بیشتر مصروف در اصول و مبادی روحانی در امر مبارک بود و آثاری که از او باقی مانده بر این حقیقت که او فاضلی دانش طلب و دانشمندی نکته سنج بود شاهدی صادق است. متأسفانه تا این او اخراً ضبط نطق ها و تحریراتی که در جلسات بهائی

... قلم و زبان ناتوان من و طوفانی که هنوز پس از گذشت هفت سال روح و جانم را در تلاطم میدارد مرا از درک عظمت آن وقایع ، از نوشتن و گفتن آن و حتی گاه از تصور آنچه که رخ داده باز میدارد. اینهمه درد نهان هست و توان آه نیست . اغلب با خود می اندیشم که آیا زندگانی محمود هرگز میتوانست پایانی جز شهادت فاگهانیش و بخون کشیده شدنش داشته باشد؟ محمود ذرہ ناجیزی بود که آفتاب پرتوان امر الهی او را پروریده در آسمان خدمت بدريج اوج گرفت، در بحرانی ترین دوران تاریخ امر چون گوئی آتشین بدرخشش پرداخت و همراه با دیگر شهدای نام آور ، کهکشانی از نور شد . تاریخ پسر تا ابد به بیگناهی ، وفا و پسر دوستی آفان خواهد بالید."

این سطور قسمتی از شرح حالی است که خانم دکتر شکوه اعظم مجذوب (شکوهی) تحت عنوان " همسر محمود مجذوب " نگاشته در مجموعه مقالات شهید مجید دکتر محمود مجذوب که اخیراً بنام ، سروش محمود" منتشر شده ، به چاپ رسیده است. ایشان پس از روزگار کودکی ، و نوجوانی و جوانی ، تحصیلات ، اشتغالات ، هجرت و خدمات متعدد و متنوع همسر شهید خود که تا عضویت محفل روحانی ملی بهائیان ایران ادامه پیدا کرد و سرانجام به شهادت آن جان پاک بهمراه هفت تن دیگر از اعضاء آن محفل جلیل منجر شد، سخن گفته و سرانجام کلام خود را چنین بپایان برده است "... دکتر محمود مجذوب توجه زیادی به آشنا

اجنحه هوی و هوس مبدل کرده و بوئی از معنویات و روحانیات نبرده بودند و درک این فقره بغایت برایشان مشکل و حتی ممتنع و محال بود. حضرت عبدالبهاء میفرمایند × دین اگر سبب اختلاف گردد نبودنش بهتر است. در شریعت اسلام ، چون افراد نغمه را مورد تمعّن نفس و هوی قرار داده بودند نبودنش را ارجح دانستند. در خاتمه لوحی از حضرت عبدالبهاء زینت این مقال میگردد : × هوالله — ای بارید الهی هر چند سلف در فن موسیقی مهارتی نمودند و العانی بدیعه بسروندند. شهیر آفاق گشتند و سرور عشقان. ابیات عاشقانه بالحان بیات بنواختند و در انجمن عالم نوائی بلند نمودند. در صحرای فراق باهنگ حجاز ولوله در عراق انداختند ولی نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را جذب و ولی دیگر. در این عصر طیور انس در حدائق قدس باید آواز و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را بوجد و پرواز آرند و در این جشن الهی و بزم ربانی چنان عود و رودی بسرود آرند و چنگ و چغانی بتوانند که شرق وغرب را سرور و شادمانی دهند و حبور و کامرانی بخشنند. حال تو آهنگ آن چنگ را بلند کن و سرور آن عود بزن که بارید را جان بکالبد دهی و رودکی را آسودگی بخشی. فاریاب را بی قاب کنی و ابن سینا را به سینای الهی دلالت نمائی. و علیک التحیة و الثناء ع (۱۰)

- (۱) کتاب مستطاب اقدس ، آیهای ۱۲۰ و ۱۲۱ . (۲) گنجینه حدود و احکام ص ۱۹۶ . (۳) مکاتیب جلد ۰۵ . (۴) مکاتیب جلد ۰۵ ص ۲۰۵ . (۵) مکاتیب جلد ۵ ص ۲۱۷ . (۶) گنجینه حدود و احکام ص ۰۱۹ . (۷) مکاتیب جلد ۵ ص ۲۰۵ . (۸) بدایع الاثار جلد ۱ ص ۰۲۰ . (۹) مفاوضات عبدالبهاء ص ۱۴ . (۱۰) مکاتیب جلد ۵ ص ۰۲۰

ایراد میشد معمول و متداول نبود لذا قسمت بزرگی از افاضات آن عزیز از دست رفته و فقط مقالات و آثار مکتوب معظم له باقی مانده که خود بسیار معتبر است....

مجموعه مقالات شهید مجید دکتر محمود مجذوب که اخیراً تحت عنوان " سروش محمود" منتشر شده غالب آنها سالهای گذشته غالباً در مجله " آهنگ بدیع " بطبع رسیده است. این مقالات را همسرشان جمع آوری کرده و جناب دکتر فریدون وهمن نیز آنچه را لازمه دوستی و وفا بوده بجای آورده و با زحمات فراوان و طولانی به تدوین و تنظیم و ترتیب و تزئین این مجموعه پرداخته اند. همت ایشان شایان بسی تقدير و تجلیل است.

مطلوب مندرجه در " سروش محمود" مشتمل بر دو قسمت است : قسمت اول که بخش اعظم کتاب را در بر می گیرد شامل ۱۸ مقاله است که در زمینه های مبادی روحانی و اصول اعتقادی امر بهائی از قبیل وحدت عالم انسانی ، صلح عمومی ، تحری حقیقت ، وحدت لسان ، عالم امر ، عدم مداخله در امور سیاسیه برشته تحریر در آمده و قسمتی دیگر مشتمل بر مواضیع تاریخی از قبیل مقالاتی تحت عنوانی : یکصد سال پس از نزول کتاب مستطاب اقدس ، موقفیت زمانی طلوع شمس حقیقت ، واقعیت امریه در اسکانذیناوی میباشد. در بخش دیگر مطالب متنوعه مانند معرفی کتاب مستطاب ایقان ، عید اعظم رضوان ، تقویم بهائی ، فارسی و عربی قرار دارد.

مجموعه " سروش محمود" اخیراً توسط لجه ملی نشر آثار اموی بزبانهای فارسی و عربی در آلمانی غربی در ۴۰۰ صفحه بقطع پستی بچاپ رسیده است.

کنفرانس تبلیغی ایتالیا

(دسامبر ۱۹۸۹) «گزارش ارجمند نصرت آله ثابت»

(نژدیک ناپل) متتجاوز ۸۰ نفر که اکثریت جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله بودند به امر الهی مُؤمن شده بود. حضرت ولی عزیز امرالله در آخرین پیام خود به احبابی ایتالیا فرموده بودند که تبلیغ دسته جمعی اروپا از جنوب اروپا و ایتالیا شروع خواهد شد و احبابی ایتالیا از این موقعیت بسیار مسرور بودند و در مدت بسیار کوتاه حظیره القدس محلی پورتی چی نیز تبع شده بود و در همین کنفرانس حدود ۵۰ نفر از احباب که اغلب جوان بودند داوطلب سفر تبلیغی یک ماهه و بیشتر به پورتی چی شدند تا این شعله فروزان را توسعه دهند.

طبق برنامه کنفرانس احبابی داوطلب در بعد از ظهرها به میدان مرکز شهر میرفتد و تبلیغ عام میکردند (تبلیغ باصطلاح خیابانی) و یک بعد از ظهر هم گروه موزیک جوانان بهائی "نور در تاریکی" "light in darkness" در میدان مرکزی شهر کنسرت برگزار کردند و در هوای سرد عده نسبتاً زیادی از مردم را دورخود جمع کردند و آهنگ و سرودهای امری خواندند.

محفل مقدس روحانی ملی ایتالیا و لجنات مربوطه نیز با نهایت همت و فعالیت کنفرانس را به نحو احسن برنامه ریزی و اجرا فرمودند. خصوص ، عشق و وحدت اعضاء محفل مقدس ملی در جمیع احیان کاملاً محسوس بود و طرز خدمت آنان بنحوی بود که احبابی غیر ایتالیائی تا آخرین روزی که یکی از حضرات مشاورین از اعضای محفل مقدس روحانی ملی خواهش کردند که بر روی سن بروند تا از آنان قدر دانی گردد. نمیدانستند چه کسانی عضو محفل هستند. چه که اعضاء محفل نیز در سراسر ایام کنفرانس نظیر سایر خادمین به خدمات معینه مختلفه خود مشغول بودند و بهیچ نحو وجه امتیازی بین اعضای محفل ملی و سایر احباب وجود

فضل الهی شامل حال شد و بهمراهی پسرم فواد موفق بشرکت در کنفرانس تبلیغی ایتالیا در آخرین هفته سال ۱۹۸۹ شدیم. کنفرانسی بود بسیار مرتب و منظم و پر روح و با نشاط با برنامه های متنوع و آموزنده و ناطقین و ناظمین و مجریان مجرّب، عالم و خاضع. معمولاً در آخرین هفته سال محفل مقدس روحانی ملی ایتالیا مدرسه زمستانه تشکیل میدهند ولی امسال بخطاط اهمیت بیشتر امر مهم تبلیغ و نیز موضوع تبلیغ دسته جمعی مدرسه زمستانه را به کنفرانس تبلیغی تبدیل کرده بودند. بیش از ۵۰۰ نفر از احباب در کنفرانس شرکت کرده بودند که شامل حدود ۱۵۰ طفل و ۱۰۰ جوان بود. این تقریباً سومین گردهم آئی بزرگ احبابی ایتالیا طرف ع ماہ اخیر بود. در تابستان کنفرانس جوانان اروپا در سن مارینو San Marino تشکیل شده بود که متتجاوز از هزار جوان در آن شرکت کرده بودند. در اوایل دسامبر نیز کنفرانس اماء الرحمن داشتند و قبل از کنفرانس تبلیغی نیز کنفرانس جوانان ایتالیا در همان محل برگزار شده بود.

جامعه بهائی ایتالیا فی الواقع به ترقیات عظیمه روحانی نائل شده اند و علامات رشد و بلوغ در اغلب فعالیت ها و اهداف آنان کاملاً مشهود و معلوم است. در همین کنفرانس ۵ نفر داوطلب مهاجرت به اهداف شدند که از جمله یک زوج جوان داوطلب مهاجرت به رومانی شدند که ظرف چند هفته آینده ، عزمیت فرمایند.

ایتالیا حدود ۵۰ محفل محلی و کمتر از دو هزار بهائی دارد که خوشبختاًه اکثریت آنها فعال و در تشکیلات و کنفرانسهاي مختلف شریک و سهیم هستند.

اخیراً تبلیغ دسته جمعی در جنوب ایتالیا آغاز شده بود و در شهر پورتی چی PORTICCIA



گشاده روئی و روحیه شاد احبابی ایتالیائی همه را به شادی و شعف می آورد و با آنکه تعداد زیادی از شرکت کنندگان در برنامه مشرق الاذکار ع صبح شرکت میکردند. سایر احبا مشغول و مألف بودند و بهر مناسبی دلی را بدست می آورده‌اند. در شب آخر کنفرانس اعلان شد که در صندوق تبرّعات (۹۵۰۰۰ دلار) جمع شده است. تا آخر کنفرانس متوجه شدیم که رقم به ۱۰۷۰۰۰ دلار افزایش یافت و بعداً در ایام سفر تبلیغی ۵ روزه از سایر احبا شنیده شد که رقم کل از ۱۱۰۰۰ دلار نیز تجاوز کرد. با در نظر گرفتن آنکه ۲۵۰ نفر از شرکت کنندگان طفل و جوان بودند، توجه خواهد شد که تبرّع ۱۱۰۰۰ دلاری، تبرّعی فی الواقع کریمانه بوده است که نشانه‌ای بارز از درجه ایمان و انقطاع احبابی عزیز ایتالیا است. خاطرات خوش این سفر و انقطاع و محبت و عشق و وحدت احبابی ایتالیا از نظر دور نخواهد شد.

دانست. لجنه مجلّه تعلیم و تربیت کلاس‌های متعدد و مختلف برای سنین مختلف اطفال تشکیل داده بودندو بچه‌ها پس از صرف غذا با والدین هر کدام به کلاس‌های مطابق سن خود میرفتند و در آخر کنفرانس تعدادی از اطفال مختصی از فعالیت‌های کلاس‌های را راپرت دادند و موجبات تحسین و شادی همکان را فراهم نمودند.

لجنه مجلّه مهاجرت خارجه و لجنه مجلّه ملی تبلیغ نیز از حقیر درخواست فرمودند که پس از پایان کنفرانس به چند شهر ایتالیا سفر کنم و از فیض حضور احبا بپره مند گردم. ظرف دو سه ساعت برنامه‌ای نسبتاً مفصل طرح و پنج شهر را مشخص فرمودند که از دوم تا ششم ژانویه ۱۹۹۰ هر شب در شهری با احبا زیارت گردد. که اقدام شد و در شهرهای منتخب بملقات احبابی نائل شدیم.

از کی از خان محدث برای عذیب

فرستنده سرکار خامنی رهبری اسلامی

مرقات عُرُج ارواح

نمایند و دشت و دمن حله خضرا پوشد و سمع از نوای پرندگان مستفیض و بصر از مشاهده گل و ریاحین مهتز و ذائقه در فصل حصاد از فواكه جنیه ملتذ شود. همه این زیبائی و کمال در عالم امکان مشروط به نظم و ترتیب نیکوی ممکنات میباشد. به همان صورت مثال فوق قوای عاقله نیز از نظم و ترتیب مهتز میگردد. حضرت عبدالبهاء میرمامیند: ظاهر عنوان باطن است که این امر به مصدق این مطلب این بیان میگردد که به مصدق این مطلب این بیان مبارک میباشد ملک آینه ملکوت است.

در معقولات هم، همانند محسوسات، برای لطفت و ارتقاء روح به درجات عالیات به نظم و ترتیبی احتیاج است که نظم و ترتیب در حب و غصب، صداقت و شهوت و غیره میباشد که این نظام را مظاهر ظبور ضمن تعالیم و احکام خویش مندرج و مندمج نموده‌اند. مثلًا حب اموال و احفاد باید علی قدر معلوم باشد و حب حق در رتبه اولی قرار گیرد و این بر بقیه سیطره یابد و نیروی شهوت با نظم ازدواج منطقی گردد. ماحصل کلام اینکه تمام محسوسات و معقولات برا لطفت و کمال محتاج نظم میباشند. از جمله نظم در اصوات است که موجب اهتزازروح و آرامش دل و جان میگردد. جمال مبارک میرمامیند: انا جعلناه مرقاة لعروج ارواح ارواح این اصوات مانند موادی میمانند که ما باید آنرا بصورت مرقاة درآوریم. یعنی همانطوریکه نجار از چوب محکم و پله‌های منظم نردبانی میسازد تا صعود معسور جهت متصاعد میسور شود بهمین صورت آهنگساز باید لحنی بسازد و طوری این اصوات را کنار

جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس میرمامیند قوله تعالی: × انا حللتا لكم اصغاء الاصوات و النغمات ايّاكم ان يخرجكم الاصغاء من شأن الأدب و الوقار افرحوا بفرح اسمى الاعظم الذي به تولّت الأفئحة و اعجبت عقول المقربين انا جعلناه مرقاة لعروج الارواح الى الافق الاعلى لا تجعلوه جناح النفس و الهوى انى اعوذ ان تكونوا من الجاهلين × (۱)

با توجه بیان مبارک فوق پنج نکته مورد بحث و امعان نظر قرار میگیرد : ۱- علت حلیت استماع نغمات و اصوات و توجه آن در این ظهور امنع اقدس (انا حللتا لكم اصغاء الاصوات ...) ۲- آلات و ادوات عروج روح (... انا جعلناه مرقاة لعروج الارواح ...) ۳- مواد تشکیل دهنده این آلات و ادوات، حیور و سرور با اسم اعظم (... افرحوا بفرح اسمی الاعظم ...) ۴- استفاده صحیح از این نغمات و نهی از سوء استفاده آن (... ايّاكم ان يخرجكم الاصغاء من شأن الأدب ...) ۵- نهی آن در شریعت قبل همانطور که مستحضرید در عالم اجسام نهایت لطفت و نظافت و زیبائی و کمال در نظم و ترتیب این اجسام است. اگر به نظر دقیق و بصر حدید ملاحظه کنیم می بینیم که از ذرات غیر مرئیه تا اعظم کرات جسمیه نظم و ترتیبی در آن مشاهده میشود که موجب لطفت و کمال این کائنات میباشد. مثلًا کره ارض باید با این سرعت مشخص یعنی هر ۲۴ ساعت یکبار به دور خود و با فاصله معین از شمس در مداری دوران نماید تا بهاران موجودات روی کره ارض رشد و نمو

طرفی تشویق میفرمایند و از جهتی انذار مینمایند
 × ... ایاکم ان یخربجکم الاصقاء من شان
 الأدب و الوقار ... × و تحذیر میفرمایند ×
 ... لا تجعلوا جناح النفس و الهوى ... ×
 این نغمات خیر محضند که به تفصیل با استناد
 به آیات و الواح بیان شد اگر ما آنرا اجتنحه
 هوی و هوس قرار دهیم و با شنیدن این نغمات
 از شان ادب و وقار خارج شویم بالنسبه به ما
 شرّ میشود. حسن و قبح اشیاء معقول است و
 خارج شدن از شان ادب قبیح و هر عقلی آنرا
 ادراک مینماید. بعنوان مثال چاقو خیر محض
 است و از آن برای بردین پنیر و ریز کردن
 سبزی استفاده میشود. اگر فردی جانی یا این
 آلت شخصی را مضروب نماید این آلت بالنسبه
 به مضروب و ما شرّ میشود و مذموم است در
 صورتی که خیر محض است و شرّ امر عدمی است
 و اصلاً وجود ندارد. این ما هستیم که این
 چاقو و آن نغمات را بصورت شرّ در میاوریم و
 نام آهنگ مبتذل بر آن مینهیم. رقصهای مبتذل
 منبعث از اینگونه حالات است. یکی از شیوه‌ای که
 سرزمین آمریکا بقدوم طلعت میثاق مزین و از
 نفحات هیکل انور معطر بود، در قالار هوتل
 بعضی محفل رقص و نوا داشتند فرمودند ×
 اینگونه محافل و عوائد سبب فساد اخلاق است
 × (۸) با توجه به همین مسئله میتوان علت نهی
 این اصوات را در شریعت قبل توجیه کرد. به
 تاریخ مراجعه کنیم میبینیم که اعراب در چه
 دوره جاهلیّتی بسر میبرند. حضرت عبدالبهاء
 میفرمایند : × ... این قبائل و عشایر عرب
 در نهایت توحش و درندگی بودند که برابره و
 متوجهین آمریکا نزد اینها افلاطون زمان بودند
 ... × (۹) این جامعه منحط بحدی از اصول
 انسانیّت دور و بطوری در منجلاب فساد غوطه
 ور بود که گمان نمیرفت روزنه امیدی برای
 اصلاح آن باز شود و مصلحی اجتماعی بتواند این
 ملت عقب مانده را بشاهراه تکامل و مدنیّت
 برساند. حضرت محمد (ص) بین این قبائل
 میعوشت شدند و این افراد نغمات را هم به

هم منظم و مرتب کند که روح بیشتر مهتز گردد.

بدین جهت در الواح تأکیدیه ابدع العان شده
 است. در لوحی حضرت عبدالبهاء علت
 ممدوحیت فن موسیقی را به این صورت عنوان
 میفرمایند قوله العزیز : ای هوالیه —
 عبدالبهاء موسیقی از علوم ممدوحه درگاه
 کیریاست تا در جوامع کیری و صوامع عظمی
 بابدع نغمات ترتیل آیات نمائی و چنان آهنگی
 از مشرق الاذکار بلند کنی که ملاء اعلی باهتزاز
 آید. ملاحظه کن نظر به این جهت فن موسیقی
 چقدر ممدوح و مقبول است.... × (۲) پس با
 این تفاصیل یکی از ابراز و وسائل عروج روح
 العان زیبا می باشد. در واقع این لحن زیبا
 همان بهترین نظم در اصوات میباشد .
 دستگاههای موسیقی ایرانی و گوشه های منحصر
 بفردش از منظمهای ودر نتیجه لطیفترین نغمات
 میباشند که در آثار حضرت عبدالبهاء نام
 بسیاری از گوشهای معروف وزیبای موسیقی سنتی
 را بدین صورت زیارت میکنیم : × ... با
 بربط عراق نغمه عشق بنوازی ... × (۳) و
 × ... ابیات عاشقانه بالحان بیات بنواختند
 ... × (۴) و × ... گاهی نغمه حجاز ساز
 کند و گاهی شهناز عراق بلند نماید و گاهی
 مقام عشق نوازد ... × (۵) بنابراین چه
 نیکوست که مواد تشکیل دهنده این نردهان
 (نغمات منظم) کلمات و آیات الهی باشد
 ... افرح بفرح اسمی ...) حضرت
 عبدالبهاء در مورد فوق میفرمایند : × ...
 اگر توانی العان و انعام و ایقاع و مقامات
 روحانی را بکاربر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر
 ترتیل لهوتی کن آنوقت ملاحظه فرمائی که چقدر
 تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد
 ... × (۶) طبق این بیان مبارک اصوات
 تأثیر در روح دارند که اگر این اصوات و العان
 همراه با آیات الهی باشد تأثیرش بیشتر و ×
 نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را
 جذب و ولی دیگر. × (۷) جمال مبارک از

«از جناب ایرج روحانی»

دکتر داوودی در مدینه به شیراز

استاد خود میروود وارد اطاق شدیم. کتابها بحال باز و نیم باز با مقداری کاغذ بپرسی تخت خواب دیده میشد معلوم بود که ایشان در حال مطالعه بودند. دوستم گفت درس دوم (وقت را نباید به بطالت گذراند). یک پنکه کوچکی در کف اطاق در حال چرخیدن بود. ایشان فرمودند که من دیروز صبح وارد شیراز شدم تصمیم من این بود که سه روز دیگر هم اینجا بمانم اکر از شماها خبری نشد به طهران برگردم زیرا ۶ روز از وقت خود را در اختیار تشکیلات جوانان گذاشته ام. درس دیگر که آموختیم این بود که حضرت ایشان این ۶ روز از حیات خویش را به درگاه جمال اقدس ابهی بصورت هدیه و یا تبرّع تقدیم کرده اند و فای بعد ایجاب نمیکند که بخواهند در آن دخل و تصرفی کنند و یا آن را پس بگیرند.

برنامه تصویب شده لجنه را با ایشان در میان گذاشتیم در نهایت خصوع و تسليم پذیرفتند. اما در مورد اینکه لجنه تعهد نموده بود که وسائل آسایش و خوراک و آمد و رفت ایشان را فراهم نماید قبول نفرمودند. بعداً که در مورد این ملاقات فکر کردم قبول نمودم که واقعاً انسان وقتی برای یک مأموریت امری مسافرت میکند باید برنامه مسافرت او با برنامه مسافرت های اداری و شغلی و یا فامیلی مقاوت باشد. مأموریت های امری باید در نهایت سادگی و آزادگی همراه با لذت های روحانی انجام گیرد.

از حضور جناب دکتر در چندین جلسه استفاده

لجنه جوانان بهائی شیراز از طریق لجنه مجلله ملی جوانان بهائی ایران از آقای دکتر داوودی دعوت بعمل آورد که ایشان برای چند روزی به شیراز تشریف بیاورند. تا با تشکیل کلاسهای کوتاه مدت و جلسات سئوال و جواب برنامه تزئید معلومات و حفظ وصیانت تدوین شده خود را در آن سال بمرحله اجراء و اكمال در آورد. خوشبختانه این دعوت پذیرفته شد. بعد از یکی دو ماه لجنهمطلع شد که ایشان به شیراز تشریف آورده اند. دونفر از اعضاء لجنه انتخاب شدیم که بحضورشان رسیده خیر مقدم گفته و برنامه تنظیم شده لجنه را به اطلاعشان پرسانیم. به قسمت اطلاعات هتلی که در آن اقامت داشتند مراجعه کردیم شماره اطاق ایشان نگاه کرد اسم آقای دکتر نبود. ما تعجب کردیم. مسئول هتل وقتی حالت تعجب و تا اندازه ای سماجت ما را دید گفت بگذارید در لیست مسافرهای قسمت قدیمی هتل نگاه کنم. بله آقای دکتر در اطاق هستند (قیمت اجاره یک اطاق در قسمت قدیمی هتل $\frac{1}{2}$ قیمت اجاره یک اطاق در قسمت جدید بود) براستی برای ما تعجب آور بود چونکه در شرائط و موقعیت اجتماعی که ایشان بودند (منشی محفل مقدس ملی بهائیان ایران ، استاد دانشگاه طهران) می بایستی در قسمت جدید که راحتتر و مجھرتر می بودند. خلاصه کلام به دوستم گفتم این درس اول امروز ما که یاد گرفتیم. بهر حال قدم های خود را آهسته کردیم و وارد قسمت قدیمی هتل شدیم. درب اطاق را زده و با حالتی که یک دانشجو بدیدن

است که در پی آن برآیند که مبنای غیر دینی برای اخلاق بشر بباید و گمان کند که ملکات و کمالات را میتواند از راهی جز راه دین در قلوب اطفال راسخ کرد. راهی که دیگران در مغرب زمین رفته و اینک از جائی سر در آورده اند که برسوک اخلاق نشسته و زانی غم در پغل گرفته اند. روایت که در این پاره به جای اطاعت آثار قلم اعلی تقلید علماء و حکماء کنیم و یا خود را به تجدّد بازی و فرنگی مابی بزنیم وادی دیگران را بدون سبب که از دیار باخترند تا آنجا در آوریم که راه رفتن خود را از یاد بپریم. اگر خود را بهای میدانیم وامر جمال قدم را باور داریم باید این سخن را از آن مالک ام بپذیریم که پرورش دادن و بار آوردن کودکان آنگاه مطابق مطلوب ما تواند بود که با تعلیم دینداری و خدا شناسی آغاز شود

ص ۴۲

در مورد جوانان و آینده دلهای خود را به جوانان میسپاریم، امیدهای خود را به جوانان می بندیم و آرزوهای خود را در جوانان می جوئیم و کاشکی جوانان ما این دلهای امیدوار و آرزومند را همچنان سرشار از امید و آینده از آرزو نگاه دارند... ص ۴۴

در مورد خودشان من در راه جمال مبارک اذیت و آزار کم دیده ام حتی در راه امر یک سیلی هم نخورده ام آرزو میکنم که فرصتی پیش آید تا به موهبت بلا در سبیلش فائز شوم ص ۴۷

از طرف لجنه قرار شد که ایشان را تا فرودگاه بدرقه کنیم. سوال شد که شما فردا با چه پروازی و چه ساعتی به طهران تشریف میباید زیرا مایل هستیم تا فرودگاه در خدمت شما باشیم. فرمودند خیلی ممنون من با اتوبوس آمده ام و با اتوبوس هم بر میگردم. روحشان شاد

کردیم مواضعی چند از جمله آزادی، تربیت بهائی، جوانان و آینده، مسئله خلقت و دنیا بعد... مورد بحث و مطالعه و پرسش و جواب قرار گرفت. با مراجعه به کتابی که آقای دکتر رأفتی تحت عنوان انسان در آئین بهائی از اثر این دانشمند فراهم کرده اند به چند نکته که در آن جلسات گفته شد اشاره میشود.

در مورد آزادی و دیافت بهائی : فاش میگوئیم و از گفته خود دلشدایم که آزادی به معنی اطاعت از تعالیم حضرت پهاء اللہ است و همین معنی را هم در کتاب مستطاب اقدس اراده فرموده اند. که فرمودند آزادی شان حیوان است و کسانیکه افتخار بازادی میکنند فهم صحیحی ندارند و بعد فرمودند که آزادی حقیقی انسان در اطاعت از قوانین من است. در اطاعت از قوانین خداست ، در اطاعت از قوانین مظہر امر خداست. هم اوست که آزاد میکند.

چگونه آزاد میکند؟ از این راه که محدود میکند. یعنی چون انسان را محدود میکند بحدودی که میتواند عمل بکند بهمین جهت انسان آزاد میشود با همین محدودماندن . فرض بفرمائید کسی را از بچگی به حال خود رها کنید که سیگار بکشد. با همین آزاد گذاشتن او محدودش کردید. چرا محدود کردید؟ زیرا او دیگر نمیتواند بمیل خود نفس بکشد. نمیتواند بمیل خود چند قدم تند تر از آنچه هست بردارد. نمیتواند دیگر راحت بخوابد. پس بنابراین با آزاد گذاشتن در کاری که نباید بکند او را در چندین کار که باید بکند محدود کرده اید... آزادش بگذرید هروئین بکشد نتیجه ایکه بدست می آید چیست؟ نتیجه این است که اسیر همان هروئین میشود که در کشیدنش آزاد مانده بود. سلب آزادی ازاو میکند در زنده بودن . ص ۲۱۱

در مورد تربیت بهائی نخستین خطای مریّ این

أخبار و سیارات امریک

نام گلن دونکان (Glen Duncan) که یک سال در مرکز جهانی امر خدمت کرده بود در پایان خدمت ماه فوریه عازم سیر و سفر در بین ملل اروپای شرقی گردیده اکنون که به استرالیا برگشته تجربیات خود را برای بهائیان تعریف نموده میگوید ملل اروپای شرقی استعداد قابل توجهی نسبت به امر حضرت بهاء الله دارند و سفر خود را بدین نحو تشریح میکند: "تجربه ای باور نکرد نی در زندگی من "در هر قدم تائیدات الهی را احساس میکرم و هرجا که میرفتم نفوسي در جستجوی حقیقت بودند.

جناب عزیز یزدی دوستان را الهام بخشیده امر الله را اعلان مینماید طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی بلیز Belize کشوری در امریکای مرکزی ۲۱ فوریه پارض اقدس واصل شده جناب عزیز یزدی در شهر بلیز Belize City قلوب یاران را با بیانات خود راجع بحضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و بعضی از تجربیات خود در افریقا مسترت و انساط بخشیده آنان را مشتاق نمود در سال جاری قیام کرده رؤیای بیت العدل اعظم را راجع به اقبال دسته جمعی نفوس در کشور بلیز تحقق بخشید. یک احتفال عمومی در شهر بلیز منعقد گردید و دو کنفرانس تبلیغی تمام روز یکی برای دوستان جنوب و مغرب در بلموپان Belmopan پایتخت کشور و دیگری برای بلیز و ناحیه شمالی در شهر بلیز ترتیب یافت. بیش از سیصد تن بهائیان در این دو کنفرانس شرکت کردند و موضوع " مفتاح اقبال گروهی " بود. The key to entry by troops

خبر تشریف فرمائی جناب یزدی و تعالیم بهائی در جرائد و بوسیله مصاحبه در رادیوتلویزیون منتشر گردید.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۱۹ - ۱۵ مارچ ۱۹۹۰

اقبال گروهی نفوس و تشکیل دو محفل روحانی محل جدید در پاکستان طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی پاکستان ۲۷ فوریه پارض اقدس واصل شده طی یک نقشه تبلیغی در آن کشور که ۲۳ فوریه باشنا رسید سیصد و شصت و نه (۳۶۹) نفر اقبال با مر نمودند و در بین مُؤمنین جدید افرادی مسلمان و هندو و از فرقه احمدیه بودند. بعلاوه هفتاد و پنج (۷۵) مرکز بهائی تأسیس شد. دو محفل روحانی محلی تشکیل گردید که در یکی از آن دو تمام اعضاء سابق از فرقه احمدیه بوده اند. نکته قابل ملاحظه اینست که در این نقشه عده کثیری نسوان در ظل امر وارد شدند و مجموعاً صد نفر نسوان جزو مُؤمنین جدید میباشند.

حمایت سازمان ملل متعدد از زنان روستائی در افریقا پنجاه تا هشتاد درصد محصولات غذائی در افریقا توسط نسوان تهیه میشود. دفاتر نمایندگی سازمان ملل متعدد در نیویورک چون فکر میکردند بقدر کافی از زنان افریقائی حمایت نمیشود هیئت هائی با اسم " مدافعين تأمین غذا در افریقا " تشکیل دادند. این هیئت ها از ائتلاف سازمان های غیر دولتی و گروه های مذهبی تشکیل شده جامعه بین المللی بهائی از ابتدا یکی از آن گروه های مذهبی بوده و در سال جاری وظیفه تشکیل جلسات را بعهدۀ دارد.

تجربیات یک جوان بهائی در سفر به ممالک اروپای شرقی جوانی نوزده ساله از استرالیا به

انجمن مربیان بزریلی برای صلح تشکیل میگردد

در بزریل با بتکار جامعه بهائی هیئتی با اسم "انجمن مربیان بزریلی برای صلح" تشکیل گردیده و این هیئت موفق شده است در سه شهر وسیع داخلی ایالت آمازون سمینار صلح دائم نماید. در این سمینارها هفتاد و هشتاد (٧٠) نفر مصلحین در (٨٠) نفر معلمین دبستان و دبیرستان جمع شده بیانیه صلح بیت العدل اعظم برایشان تشریح میگردد و یک لوحه یادبود مفرغی مشاهده میکنند که روی آن این عبارت حک شده است: "کره ارض وطن واحد و نوع پسر اهل آن بهاء الله"

چند مدرسه رفته چهار روز نمایش کتاب دائم کردند. به هشت دبستان و دبیرستان در شهر رفتند و نسخه هائی از بیانیه صلح به نظام مدرسه و کارمندان داده شد. چند تن از معلمین و قریب شصت (٦٠) نفر مصلحین در ظل امر وارد شدند. بیش از پانصد تن نفوس از طبقات مختلف مردم بدیدن نمایش کتاب آمدند و در نتیجه چهل و یک (٤١) نفر ایمان خود را بحضرت بهاء الله اظهار داشتند. بلا فاصله بعد از نمایش کتاب محفل روحانی محلی بولانگیر انتخاب شد و اعضاء انتخاب شده بیشتر جوانان هستند.

رئیس دیوان عالی تمیز لهستان بدیدن شرق الاذکار هند می‌آید

مستر آدم لوپاتکا Mr. Adam Lopatka اولین رئیس دیوان عالی تمیز در جمهوری لهستان همراه دو قاضی دیوان عالی تمیز ۱۹ زانویه بدیدن شرق الاذکار بهاپور آمدند و مترجمی از سفارت لهستان در دهلی راهنمای ایشان بود مسترلوپاتکا اظهار داشت نماینده جامعه بین المللی بهائی به لهستان رفته بیانیه صلح را به رئیس دولت تسليم نموده است و نیز گفت بسیاری بهائیان را در ژنو ملاقات کرده است.

در ایالت متحده آمریکا نمایندگان مجلس شورای ملی آزادی اسرای بهائی را طلب میکنند

۲۷ فوریه روز بعد از انتشار رپورت مصائب بهائیان، بزرگترین اقلیت مذهبی در ایران - مجلس شورای ملی در ایالت متحده آمریکا باافق آراء آزاد شدن بهائیان ایرانی را از حبس طلب نمود. این پنجمین دفعه است که مجلس شورای ملی ایالات متحده از طهران خواسته است آزار و اذیت بهائیان را بهانتها رساند. انتظار میروند مجلس سنای نیز همین کار را بکند.

اولین محفل روحانی محلی در کشور رومانی انتخاب میگردد.

فعالیت بهائی در کشور رومانی پیشرفت عظیم حاصل کرده. مهاجرین محصل از آلمان به ترویج و اعلان امر و انعقاد جلسات تبلیغی برای علاقه مندان همت گماشته اند و اطلاع میدهند که اقبال نفوس پامر بهاء الله دائم در چربان است. در شهری با اسم کلوج Cluj هفده نفر مؤمنین جدید تسجیل شده از محفل روحانی محلی آلمان اجازه خواسته اند محفل روحانی محلی تشکیل دهند و در شهر دیگر ده نفر مؤمنین جدید تسجیل شده در صدد تهیه حظیره القدس هستند.

نقشه تبلیغی ورقا محفل روحانی محلی جدید در ایالت اریسا هندوستان ایجاد میکنند

طبق رپورتی که از شورای ایالتی اریسا ۲۷ فوریه بارض اقدس وصل شده ۱۵ زانویه اقداماتی تحت عنوان نقشه تبلیغی ورقا در ایالت اریسا هندوستان شروع شد که منظور آن تسجیل عده ای مؤمنین جدید و در صورت امکان تشکیل یک محفل روحانی محلی در شهر بولانگیر Bolangir بود و برای این مقصود بهائیان به

اورسولا مولشیگل Ursula Muhlschlegel و پولین Polin Rafat الهام بخش جمع گردید رفعت همچنین شرکت بهائیان از چکسلواکی، یوگوسلاوی، هنگری، رومانی، روسیه شوروی و عده ای از آلمان شرقی شامل چهار نفر مؤمنین جدید تأثیر شدید در جمع نمود. از پانزده کشور اروپای غربی علاوه بر کانادا و هاوائی و هندوستان و ایالات متحده آمریکا نمایندگان در کنفرانس حضور داشتند. مؤمنین جدید از اروپای شرقی در احساسات خود نسبت به حضرت بهاءالله و پیام او به نوع بشر روحیه ای نشان دادند که نمونه و سرمشق بود. در طی کنفرانس مناجات به زبان های اروپای شرقی تلاوت گردید و بعضی از مؤمنین جدید ناحیه بالبداهه نقط نمودند.

راپورت فوق از محفل روحانی ملی آلمان ۲۷ مارچ بارض اقدس وصل شده است.

میهمانی سال بین المللی سواد در جزائر هاوائی مصادف با جشن نوروز بهائیان مجمع الجزائر هاوائی یک میهمانی تحت عنوان سال بین المللی سواد با دعوت عده کثیری از جمله فرماندار ایالتی هاوائی جناب جان وایهی ترتیب the Honourable John Waihee داده نوروز را جشن گرفتند. با دعوت مخصوص از طرف محفل روحانی ملی قریب پنجاه نفر از جمله یک سناتور ایالتی و یک نماینده مجلس شورای ملی از ایالت و مدیران با نمایندگان تمام برنامه های سواد در هاوائی و انجمن دانشگاه هاوائی برای صلح و انجمن معلمین ایالت هاوائی در جشن حضور داشتند. از بهائیان مشاورین بن آیالا Ben Ayala و گیل موریسون Gayle Morrison و دو عضو هیئت معاونت و اعضاء تمام محافل روحانی محلی در جزیره اوaho و افراد جزو میهمانان بودند.

کتابچه جدیدی در برزیل بدست اولیای امور میرسد

کتابچه ای تحت عنوان بهائیان و دیوار برلن The Baha'is and the Berlin Wall که بین تمام جوامع بهائی در برزیل توزیع گردید اکنون بین اولیای امور و پیشوایان قوم منتشر میگردد. در این کتابچه ارتباط واقعی اخیر در آلمان شرقی و تغییراتی که در عالم بوقوع پیوسته با موضوع های عمدۀ بیانیه صلح ذکر شده. جنگ و خلع سلاح و تعصب وطنی و نژادی و نزاع وجدال مذهبی با توجه بواقعی اخیر تجزیه و تحلیل میشود.

موقیت عظیم نقشه تبلیغی در برزیل ادامه دارد

خبر و اصله از آورادا Alvorada برزیل حاکی است که بیش از ششصد(۶۰۰) نفر مؤمنین جدید با مر حضرت بهاءالله اقبال نموده اند. تحکیم فتوحات حاصله و توسعه عملیات هم آهنگ با یکدیگر پیش میروند.



اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی شماره ۲۲۱ - ۱۵ آپریل ۱۹۹۰

کنفرانس تبلیغی اروپای شرقی در آلمان ۲۴ - ۲۵ مارچ قریب دویست و پنجاه (۲۵۰) نفر بهائیان از بیست و پنج (۲۵) کشور در کنفرانس تبلیغی اروپای شرقی که در شهر هافهیم Hofheim آلمان غربی منعقد گردید شرکت نمودند. حضور دو عضو دلالتبیغ بین المللی ایزابل صبری Isabel Sabri و دونالد راجرز Donald Rogers و مشاورین قاره‌ای اروپا اگنس غزنوی Agnes Ghaznavi و الیزابت Elizabeth Muhlschlegel مولشیگل

جشن نوروز و تشکیل اولین محفل روحانی محلی در رومانی

۲۰ مارچ در یک احتفال عمومی جشن عید نوروز با شرکت یکصد نفر برگزارشد. شش تن مومنین از دو شهر در رومانی و دوستان از اطربیش و آلمان و ژاپن و سوئد حضور داشتند. روز بعد در شهر کلوج () با شرکت تمام جامعه اولین محفل روحانی محلی جدید در اروپای شرقی انتخاب گردید. اخیراً تعداد مومنین جدید که در رومانی تسجیل شده اند به چهل (۴۰) و تعداد مراکز امری به هشت (۸) بالغ گردیده. جامعه بهائی فوق العاده بالغ و افراد نسبت بیکدیگر در نهایت محبت و وداد میباشند.

نوازندگان الونیتو کانتا در روسیه شوروی

در تعطیل آخر هفته ۲۴ - ۲۵ فوریه اولین دارالتعليم بهائی در روسیه باهتمام بهائیان مسکو دائم گردید و انتظار میروود در رضوان یک محفل روحانی محلی انتخاب کنند. دسته نوازندهان الونیتو کانتا (رجوع شود به اخبار بین المللی شماره ۲۱۵ و ۲۱۶) در آن حضور داشتند. شصت تن نفوس اغلب بهائیان ازدوازده مملکت - ممالک مختلف اروپای شرقی و از آلمان و ایران و کانادا و مکزیک و نروژ و پرو و پورتوریکو و ایرلند و انگلیس و ایالات متحده آمریکا در این دارالتعليم شرکت نمودند. بیشتر بهائیان حاضر در مجلس برای اولین دفعه همدیگر را میدیدند. برنامه با نواختن ترانه ها توسط الونیتو کانتا و تلاوت مناجات شروع گردید و روح حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هوای محل و قلوب دوستان را پر کرده بود.

نقشه تبلیغی جدید در هندوستان موفقیت عظیم حاصل میکند

در منطقه پورولیا Purulia District بنگال غربی هندوستان اخیراً یک نقشه تبلیغی بیاد

موضوع جالب در برنامه، نطق میهمان عالیقدر جناب دیوید هافمن عضو سابق بیت العدل اعظم بود که " وعده صلح جهانی " را در نهایت درخشندگی و صراحة اعلام نمود و نیز جزو برنامه تقدیم لوحهای بساحت معهد عظمی بود که روی آن این عبارت حک شده بود: " از طرف اهالی جزائر ها و ای در قدردانی از " وعده صلح جهانی " تقدیم بیت العدل اعظم میگردد! در پایان برنامه بمنظور تقدیر از خدمات قرینه فرماندار لین وایهی Lynne K. Waihee کاری که در میدان تعلیم سواد انجام داده جائزه مخصوص باو تقدیم گردید و آن خانم با گرمی آن را پذیرفت.

اقبال دسته جمعی نفوس با مر مبارک در کشور ایتالیا

۲۰ مارچ مشاور قاره ای لوئی هنوزت Counsellor Loui Henuzet در ناحیه پورتیسی Portici ایتالیا رفته در ضمن با اعلان امرالله پرداخت و پنج نفر را در ظل امر وارد نمود روز بعد در جشن عید نوروز دویست و پنجاه (۲۵۰) نفر از مردم شهر در مجمع احبا حضور یافتند و هفت نفر مومنین جدید در ظل امر وارد شدند. اکنون تعداد مومنین جدید در ناحیه پورتیسی به صدو پنج (۱۰۵) بالغ گردیده و اولین محفل روحانی در رضوان انتخاب خواهد شد. بعضی از این مومنین جدید ابیین یا اجداد جوانان بهائی در پورتیسی هستند.

هیئت مشاورین قاره ای و اعضاء هیئت معاونت و لجنه های ملی تبلیغ به اجرای برنامه و تزیید معلومات در ناحیه شروع کرده اند و در جستجوی محل مناسبی برای حظیره القدس میباشند. نتایج مثبت تبلیغ در پورتیسی احبا را تعریک نموده که در سراسر ایتالیا به تبلیغ پردازند.

نتیجه سفر تبلیغی یک بهائی در چکسلواکی اقبال نفوس با مر مبارک

یک بهائی اخیراً سفری به کشور چکسلواکی در اروپای مرکزی نموده باعث شد در دو گردیده شهر پراگ Prague پایتخت مملکت ماقلاتی درگ و در شهر دیگر با اسم الوموک Olomouc یک مصاحبه رادیوئی صورت پذیرد و در هر دو مورد ذکر امر بهائی بیان آید. در نتیجه چهار نفر مومنین جدید در پراک و دو نفر در الوموک در ظل امر وارد شدند.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۲۲۲ ۳۰ آبریل ۱۹۹۰

۱۸ تن مومنین جدید نتیجه یک نقشه تبلیغی در کشور اتریش بهائیان ترک زبان از آلمان و اتریش از ۸ تا ۱۳ آبریل متفقاً باجرای یک نقشه تبلیغی در کشور یوگوسلاوی همت گماشته نه (۹) نفر مومنین جدید در ظل امر وارد نمودند که هشت نفرشان احلا ترك و یک نفر از اهالی آلبانی کشوری در جنوب یوگوسلاوی میباشد و دو نفر از این بهائیان جدید جوان هستند. بعد از اجرای نقشه فوق مبلغین سیار در شهر دیگری برای کارگران ترک مقیم آن شهر برنامه مختصی شامل نطق و موسیقی ترتیب دادند که در نتیجه هفت نفر دیگر نیز تسجيل شدند. در همان هفته یک نقشه تبلیغی جداگانه در چکسلواکی حداقل باعث تسجيل دو نفر گردیدند.

شروع موفقیت عظیم در نقشه تبلیغی الینگا در هندوراس طبق راپرت محفل روحانی هندوراس که در ۱۱ آبریل به ارض اقدس وصل شده در نقشه تبلیغی الینگا موفقیت عظیم حاصل گشته. در هشت هفته اول هزار و چهارصد و نوزده (۱۴۱۹) نفر مومنین جدید شامل جوانان و اطفال تسجيل شدند.

ایادي امرالله دکتر رحمت الله مهاجر شامل سه کنفرانس صلح در دانشکده ها شروع شد که نتیجه آن تا ۳۱ مارچ تسجیل پانصد (۵۰۰) نفر مومنین جدید میباشد و نقشه تبلیغی ادامه میباشد.

اجرای آخرین هدف نقشه دهساله در روشه شوروی توسط مهاجرین ایرانی مهاجرین ایرانی عباس و رضوانیه کتیرائی که چند سال است در ناحیه ازاکا Osaka ژاپن رحل اقامت افکنده اند برای دفعه دوم قیام به هجرت نموده از آنجا به جزیره ساخالین Sakhalin ساحل شرقی سیبریه در اقیانوس کبیر نقل مکان میکنند. آخرین هدف نقشه دهساله حضرت ولی امرالله اکنون تحقق یافته و عائله کتیرائی عنوان "دلاران بهاء الله" حاصل کرده اند.

احبای پاتاما به میهمان های مخصوص خوش آمد میگویند

دوم مارچ چناب عزیز یزدی مهمان مخصوص جامعه بهائی در پاتاما بوده و در جلسه ای راجع به تجربیات و فعالیت های خود در ممالک مختلف و شرح حیات حضرت عبدالبهاء بیاناتی ایراد نمودند.

سوم مارچ یک احتفال عمومی در شهر داود City of David با حضور چهل نفر بهائیان و میهمانان ایشان منعقد شد و مشاور قاره ای هیسانی Counsellor Hissani راجع به ایجاد وحدت در قاره افریقا و تجربیات تبلیغی خود در افریقای مرکزی صحبت کرد. چناب یزدی نیز حاضر بود و راجع به تحقیق پیشگوئی های انبیاء در کتب مقدسه نطق نموده اظهار داشت یقین است عموم ناس باصل وحدت نوع بشر اعتراف خواهند کرد.

گروه کُرْ بهائی از ترانسکی TRANSKEI هنگام اجرای برنامه خود در فستیوال بین المللی موسیقی در گابورون GABORONE بوتسوانا . در این فستیوال که از اول تا سوم دسامبر ۸۹ منعقد گردید گروههای مختلف از چندین مملکت افریقائی شرکت نمودند.



جناب دیوید هافمن DAVID HOFMAN عضو سابق بیت العدل اعظم در ماه نوامبر سفری به لاتنا LOCKNOW در هندستان فرمودند. در این عکس جناب هافمن در میان عده‌ای از دانش آموزان مدرسه‌ای که در آن صحبت فرمودند دیده می‌شوند.

انجمن دوستان QUAKERS در شهر منچستر انگلیس به اراده خود تابلوی بزرگ بالا که مزین به بیان چالهارک " عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن " میبود، به مدت یکماه در مقابل سالن عمومی جلسات خود به معرض نمایش گذاره بود.





در طی کنفرانس جوانان پاسیفیک در شهر آکلند AUCKLAND واقع در نیوزیلند در ماه دسامبر منعقد گردید گروهای بنام "جوانان طرفدار وحدت عالم" تشکیل گردید که نمایشنامه هایی بمدت دو ساعت در مورد صلح تنظیم کرده و بدنهال آن، جلسات تبلیغی تشکیل می‌شدند.



در این عکس هنرمندی هنکام اجرای برنامه خود در "شب تلقیق فرهنگا" که توسط محفل روحانی مونتولیدو MONTOLVIDEO در اوروکوئه برگزار شد دیده می‌شود. اقلیت هایی که در اولین برنامه این سری جلسات گرد هم آمی حضور داشتند عبارت بودند از ارامنه، کلیمان و سیاهان.



جمعی از احیای یوندی بوجمو BUNDIBUDJIO در غرب یوگاندا که به پیشیاز سرکار خانم سنوگا SENOGA مشاور قاره ای، آمده بودند. خانم سنوگا مسافت معتبری را جهت ملاقات با این احیا که برای مدت چهارسال از دیدار بهائیان دیگر محروم بودند پیاده طی فرموده بودند.

أخبار مصور



خانم لی نیس Lea Nys یکی از مبلغین سیار
بلژیک هنگام ملاقات با زنگال GNASSINBE
، رهبر ایالت توگو EYADEMA
تاریخ ۱۶ نومبر ۱۹۸۹. زنگال ایادما شخصاً
اجازه بپاکردن یک غرفه بهائی در نمایشگاه
بین المللی صنعت را که روز بعد با حضور
ایشان افتتاح گردید صادر نمودند.



در این عکس جمعی از احبا و مبتدیان چینی که
در یک بیت تبلیغی واقع در شهر پرت PERTH
واقع در استرالیای غربی شرکت نموده بودند
دیده می شوند. کنفرانسی اخیراً در استرالیا
تحت عنوان تبلیغ امر در میان چینی ها منعقد
گردید که نتایج آن بسیار هیجان انگیز و مشر
ثمر بود. مصدقین جدید چینی نیز به گروه
مبلغین پیوسته اند.



سرکار خانم ماج فدرستون MADGE FEATHERSTONE همسر ایادی امراهه جناب کالیس فدرستون COLLIS FEATHERSTONE هنگام صحبت با گروهی از احبابی تانگا TONGA در این عکس دیده می شوند. در این سفر جناب فدرستون از تانگا، نیوزیلند و فی جی دیدن نمودند.



مشاور قاره ای، سرکار خانم ادیت سنوگا YOGENI، ساکن مناطقی معروف به "جبال ماہ" RANOOGA را ملاقات مینمایند. دسترسی به این مناطق بسیار دشوار و در فضول بارانی بعلت شسته شدن چاده ها فقط از طریق پیاده امکان پذیر است. سرکار خانم سنوگا در این عکس در راه قبیله بوندی بوجو BUNDIBUDJIO میشوند.



سه نفر از جوانانی که در ماه دسامبر با گروه "سفیران بین المللی جوانان" از روسیه دیدن نموده بودند از خاطرات شهرين خود برای شرکت کنندگان در کنفرانس جوانان پاسیفیک در آنکلند، واقع در نیوزیلند، بازگو میکنند.

نامه‌های از هر ساله

بعنوان مدیر دفتر ساختمانی عمومی مشغول میباشند. این جلسه با شکت شهردار فعلی و شهردار اسبق و عده‌ای از افراد پرجسته آن شهر تشکیل و سخنرانی‌های در مورد امر بهائی ایراد گردیده یکی از مناجات بهائی "مناجات حضرت عبدالبهای نیز برای روح ماسوا فدا حاضران تلاوت گردید. ضمناً دو عکس نیز فرستاده اند که یکی از عکسها ذیلاً چاپ میشود.

نامه‌ای از بزرگ‌ترین هر ساله در بندر الکره Alegre به یک‌تقریباً بعلت خدمات اجتماعی و یا شخصیت فوق العاده، عنوان "همشهری بندر الکره" داده میشود، در سال ۱۹۸۹ این عنوان با رای قاطع اعضا مشاورین شهرداری بندر الکره به جناب عنایت الله وحدت اعطاء گردید. ایشان بیش از سی سال در آن شهر مهاجر و به خدمات مختلف اجتماعی، تعلیم و تربیت و خدمت



نه ساله گشتی ای جوان
باشی همیشه جاودان
از بلبلان نغمه خوان
آید بسویت ارمغان
صد جان فدای عاشقان
که خادمند و رهبران
گوئیم مبارک عیدتان
ای عنديب خوش بیان
یار روحانی از لطف و محبت شما متشرکیم.

۲ - سرکار خانم جمالیه متخلص " بشن ریزه " که از مشتاقان مجله عنديبند با سرودن قطعه ای مراتب محبت خود را به مجله عنديب ابراز داشته ما را شادمان نموده اند چند بیت سروده ایشان ذیلاً درج میگردد:

ای عنديب مهریان
گوئی ز اسرار و عیان

حتی با این نقاط بیرون نهاده و شهر را هم
 ندیده اند و تبلیغ در بین آفان بسادگی انجام
 می پذیرد چون دلایشان پاک از آیش دنیوی
 است ضمناً عکسی فرستاده اند که ذیلاً چاپ
 میشود.

۳- آقای هرکول تائید جریان یک‌پنجه سفر خود را به
 مرادشاهی بنگلادش و ملاقات با تنها مهاجر
 محترم آن ناحیه جناب ایدل خانی و خانواده‌شان
 نگاشته و نحوه سادگی مردم ده نشین آن ناحیه
 را که در نهایت سادگی بسر میبرند توصیه نموده
 و توضیح داده که این مردم پاکدل روشن ضمیر

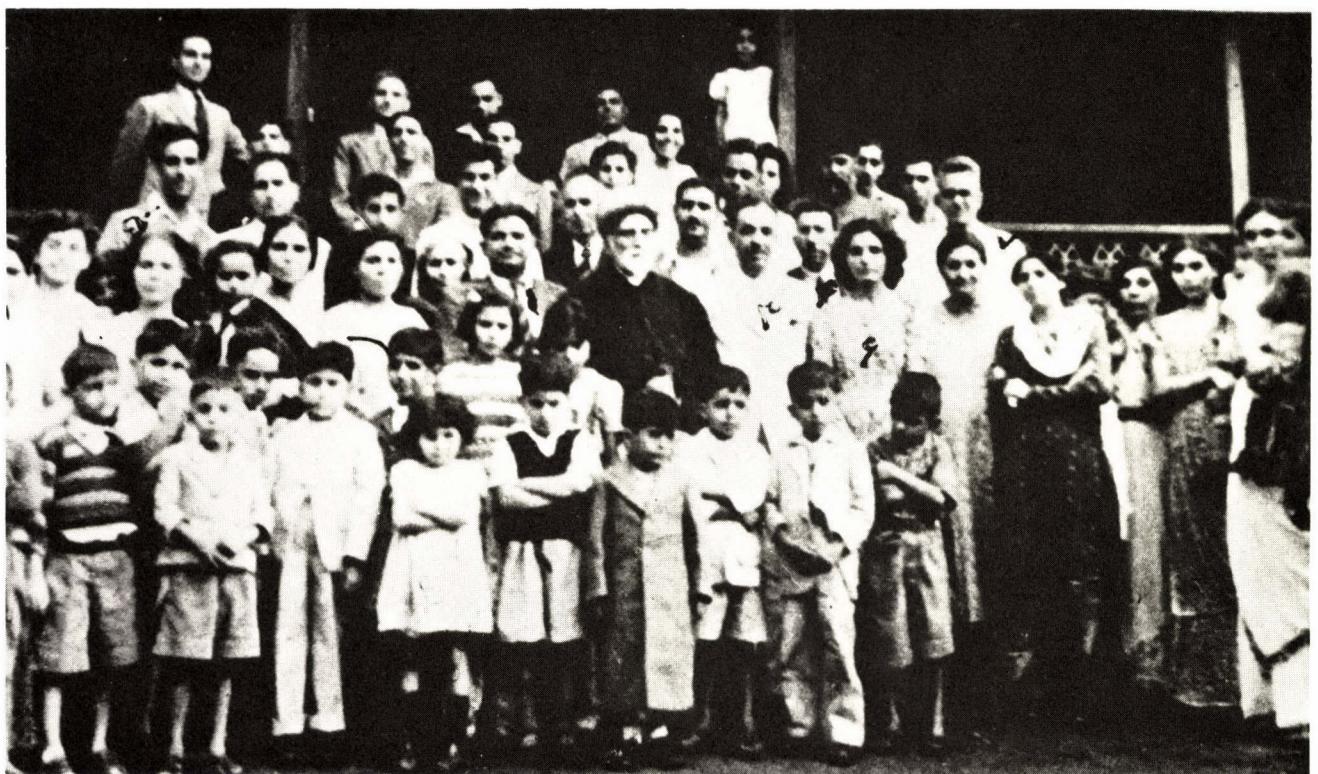


اصفهانی نازل شده حال انکه بعضی این نام را
 سید محمد دانسته اند .

دوست محترم: ضمن اظهار تشکر از دقت
 خادمان دفتر امور پناهندگی در لاہور باطلاعتان
 میرسانیم که فاضل جلیل جناب عبدالحمید اشراق
 خاوری علیه رضوان الله و بهائه در قاموس کتاب
 مستطاب ایقان در اینخصوص نگاشته اند که
 جواهر الاسرار در جواب سوالات سید محمد
 اصفهانی از قلامده مشهور شیخ مرتضی انصاری
 اعلی الله مقامه از قلم اعلی نازل شده است
 برای اطلاع بیشتر بكتاب جامع قاموس مزبور
 مراجعه فرمائید.

۴ - سرکار خانم طاهرہ یاورم قسمتی از توقعیع
 منیع ولی محبوب امرالله مورخه ۱۹۲۸ را برای
 درج در عنديب فرستاده اند. ضمن ابراز
 تشکر از ایشان باطلاعشان میرسانیم که چاپ
 توقعیع منیع مولای مهریان موكول بوصول نسخه کامل
 آن میباشد.

۵ - جناب عبدالحسین زمانی فروشانی پس از
 اظهار محبت و توجه به مجله عنديب نوشته اند
 که کارکنان دفتر امور پناهندگی در لاہور در
 موقع تحقیق و مطالعه در مورد کتاب مستطاب
 ایقان به مجله عنديب و شرح نزول کتاب مزبور
 مراجعه نمودند در مقاله مربوطه نوشته شده که
 جواهر الاسرار در جواب سوالات سید یوسف



‘ANDALÍB

